

جدگی یهود مقیمین ایران بشود، و راه باریکی برای آمدن یهود که از خاک روسیه آماده هجرت میباشند باز کنیم
من نمیگویم طایفه یهود با ما محبت دارند، ولی چون دشمن خیلی بدتر از یهود داریم مصالحت و الفت اسلام است که با عموم این گروه رؤف و مهربان بشویم، و همگی را دوست خودمان بسازیم، که در اوقات صلح و آسودگی فایده از رعیتی آنها عاید دولت آید، و هنگام حمله یا هنگامه دشمن در سرحد ما از ثروت خارجه اوشان منافع عظیم برداریم، فواید از آنها در وقت احتیاج ما خیلی بیش از زور یهود خواهد بود که در اردوی خسرو پرویز در فتح بیت المقدس بودند
(من از متصل این نکته بجملی گفتم)
(تو خود حدیث متصل بخوان از این بجهل)

تاریخ جشن های ملی ایران

(از شماره ۱۶)

در این قرن گذشته نوزدهم میلادی که سکان قطعه اروپا تمدنات خود را با طرف عالم منتشر نموده و اهالی هر مملکت بتقاید و پیروی آنها شروع نمودند، این امر نیز صورت نوعیه کسب نموده، تا یک درجه شایع گردید، ولی چنانکه همه کس میداند برقیاس سایر امور بمجرد حصول مسی قناعت میشد، و در آوردن مکه بایستی شئون دولت و احترامات شخص مقدس پادشاه را در انظار خودی و بیگانه و سفراء دولت و رعایای خارجه بر نحو اکمل که جالب انظار عموم گردد مراعات و ملاحظه نمود. باهال و تکامل گذرانیده محض صرفه شخصی کابینتی در انجام و خوبی آن نمیگوشیدند، و فی الحقیقه این امر را تحمل و زور فرض مکرده حتی الامکان شانه خالی میکردند

در زمان سدور سابقه مجلسی که مرسوم بود در کمال انتظام و با قاعده منعقد شود، و در برابر وزراء مختار نظم و ترتیب آن حلوه کند در پارکهای خود مینمودند که هرگونه مردم در دخول بدان راضی نمیشدند بدیهی است مکه حسن عمل و لطف کار بسته بمراقبت و دقت و صرف وقت است، و این جمله موقوف بمیل و رغبت و شوق و ذوق در کار صحیح و آن نیز فرع خلوص نیت و صفاء عقیدت و جان فشانی نوکر در خدمت بمخدوم و ولینمیت است، و هر چه درجه اعتقاد نوکر با قاعده زیاد شود بهمان مقدار در کار او مراقبت خواهد نمود، و هر قدر لایهالی و نسبت باولوالامری عقیدت باشد کار معیوب و سست و بی پایه و ماه خواهد شد، و هر مات که صفت حمیده پادشاه برستی در آنان کامل باشد لامحاله تمامت اعمال دوتی و دواتر مایکشان مرتب و

جواب - خوانندگان بطور فوق فوراً ملتفت میشوند که غرض اصلی بانی فساد چیست؟ و اسم او هم بعد مرفوم خواهد شد، که معلوم شود کیست؟ الحق جناب معین همایون در این باب هم جانفشانی نمود، امید میداریم که سرمشق سایر کار گزاران حکام والا مقام ایران گردد

جای تعجب اینجاست که صاحب نامه گوید (در اینگونه کارها که کسی قدرت جلوگیری عوام ندارد) گو خجالت، بابا جان زمان فرما فرمای خلد آشیاک شاهزاده حسین علی میرزا که باز میچه بزرگان پارس بودند گذشت، اشخاص گرامی که اشرار نامی را هر هفته بنام حیدری و معنی برانگیخته و شهر را برهم زده و رعیت را ظارت میکردند مردند، امروز در شیراز از قوت معدلت حکومت جلیله نام و نشانی از الواط و اشرار سابق نیست، اگر چند نفر از اصحاب اجماد او شان هم باقی باشند، حریق شعله و افور شده خاکستر شان باقی است و آنها باقی نخواهد ماند

فرضاً بسیار هم باشند در مقابل او امر مقدس شریعت اسلام و احکام عادلانه شاهزاده کیوان مقام چه میتوانند کرد

طایفه یهود مطیع اسلام و در پناه اسلام آمد، اذیت و آزار و اضرار آنها در شریعت مطهره جایز نیست، هرگاه که خدایان شیراز در اطاعت احکام خدا و اجرای فرمایش والی والا جاه و حفاظت طایفه یهود عاجز باشند حاصل زندگانی او شان چیست، علمای صاری و مأمورین او شان در چهل پنجاه سال گذشته نه ده نه صد هزار فرسنگ دور از اوطان خود شان رفته در بذل سیم و زر بل فنا کردن جان و سر مضایقه نکرده تا بتدریج مذهب عیسوی را ترویج دادند

از چهل پنجاه سال گذشته که راه امنه و منسوجات خارجه با ایران گشاده و دست و پای اهل صنایع داخله بسته و شکسته شد، باین سبب یهودیان پیشتر از پیشتر مفلوک و مسکین آمدند

هرگاه حضرات عالی و مجتهدین موالی ائمه نظر مرحمتی بحال آنها فرموده بودند، بدیهی است که دیگران تاسی و پیروی بدیشان کرده و باین واسطه تاکنون یک یهودی در ایران نبود

امروز اراضی بایر و غیر دایر در ایران فراوان است، و ببط فرض و لازم میباشد که چنانکه فرنگیان برای آبادی مزارعهای افریقا قانون گذاشته و از هر جا آدم جلب میکنند پیروی کنیم، و بپیر از ارامه از هر طایفه جم نام و مخصوصاً باید حمایت و رعایت در حق

جهد سابق خاطر مبارک متوجه انجام وظایف مأموریت گردد

در ایام غیاب جناب اجل عالی امورات انجمن از حسن نیت متدبانه عالی در کمال انتظام جاری بود، تقریباً هر هفته در قونسل خانه مبارکه مجلس انجمن منعقد میگردد. و از زمان نهضت حضرتت تا کنون چهارده دفعه مجلس منعقد شده است

و در يك مورد لازم افتاد که از طرف انجمن بحضور اولیای دولت علیه داد خواهی شود، استعفاي این فدویان فوری در محل قبول و اجری واقع گردید، که اگر بواسطه قوت نافذ که لازمه هر هیئت مجتمعه است نبود، عرایض فدویان این نوع تأثیر بدیع نمی بخشید، و این نیست مگر از حسن تدابیر و افکار جناب اجل عالی، که تأسیس این هیئت جامعه نافع را فرمودید، و لازم است که در این خصوص تشکرات بلا نهایت بحضور مبارک عرض نمایم

امید داریم که در آینده نیز در تحت نظارت و تربیت جناب اجل عالی این انجمن باعث اجرایی امورات بسیار مهمه گردد، و در پیشگاه مبارک اعلیحضرت اقدس همایونی ارواحنا فداء و اولیای سیه دولت علیه دارای اهمیت فوق العاده شود، و باین وسیله روابط تجارت مابین هندوستان و ایران ازدیاد پذیرد، و تجارت این فدویان رونق کلی حاصل نماید

در ختم کلام لازم است که از حسن سلوک و نیکی اطوار آقا میرزا علی اکبر خانب و س قونسل بحضور مبارک اظهار رضامندی نمایم، در غیاب جناب اجل عالی کمال اهتمام در وظایف مأموریت از ایشان مشاهده شد، و نهایت لیاقت و کفایت از بروز دادند امید داریم که حسن خدمات ایشان قابل مراحم و عواطف کامله اعلیحضرت اقدس ملوکانه و باعث توجهات اولیاء دولت علیه و خورسندی و نوازش جناب اجل عالی گردد

جواب جناب وزیر مقیم

آقایان صدر، و نایب صدر، و اعضای انجمن تجارقی از تبریکنامه که مبنی بر حسن عقیدت خودتان در حق من در این موقع مراجعت از معالجه دارید خیلی بر من مؤثر شد، و از ته دل تشکر از همه شماها میکنم. البته خاطر دارید که سه سال قبل در ورود خودم این نکته را در ضمن خطابه که خواندم گوشزد همه کردم، که در مدت مأموریت خود در این مملکت مسامی حیلہ برای وصول تحصیل اتفاق شما بکار برده و از این اتفاق نتیجه ما تحصیل خواهید نمود

فدست است، سفر و وزیر مختار حقوق نیه را حفظ میکند، قشون در جنگ وجدال از جان گذشته حرف را از میدان بیرون مینماید، قضاة در احقاق حقوق و طی مشاجرات دوسق و راستی یشه میکنند

بالعکس چون آن خصلت نیک از بین مات مرتفع گردد و خادم قدر نعمت مخدوم را نشناسد، طبعاً و قهراً در جزئیات امور فکینف در جلائل مشاغل صرفه و غبطه خود را بر ملاحظه شتون و شرف رئیس ترجیح داده مجاری امور کج و معوج خواهد شد، و اختلال در دوائر دولت ظاهر خواهد صکرید، و این معنی از کثرت و ضوح محتاج باقائه ادله و براهین و امثله تاریخیه نیست، و شاید طول کلام در انموضوع موجب ملالت خاطر خوانندگان گردد، لذا از آن صرف نظر کرده شروع باصل مقصود نمایم (باقی دارد)

انجمن تجارقی ایرانیان بمبئی

خبر نگار محترم ما از بمبئی مینویسد، که روز سه شنبه مجلس انجمن تجارقی ایرانیان در تحت ریاست جناب منعم السلطان وزیر مقیم منعقد شده و تبریکنامه ورودی که اعضای انجمن امضا، و در جبهه تکره گذارده و اسم ایشان را در روی آن کتبه بودند قدیم داشتند، جناب آقا میرزا محمد امین النجار تبریکنامه را از طرف انجمن قرائت فرموده و بجناب وزیر مقیم تقدیم نمودند. در ضمن تشکر این تبریکنامه وزیر مقیم خطابه بسیار مؤثرانه خوانده که - واد هر دورا از دفتر انجمن تحصیل و برای اطلاع مدیر جریده مقدس ارسال میدارم

تبریکنامه انجمن تجارقی ایرانیان بمبئی

حضور مبارک آقای منعم السلطان وزیر مقیم هندوستان دام اقباله الهی

ما اعضای انجمن تجارقی ایرانیان مجتمعاً با کمال مسرت خاطر تبریک و تهنیت معاودت جناب اجل عالی را به سلامت بمحل مأموریت عرض مینمایم - هر چند خوش بختانه، ایام غیبت جناب اجل عالی از هندوستان چندان امتداد پیدا نمود، ولی درین قلیل مدت نیز فقدان این وجود محترم بسیار ناگوار و مایه نگرانی خاطر این فدویان گردیده بود، اکنون که به سلامت و سندرستی معاودت فرمودید، بار دیگر این فدویان به نعمت زیارت شخصی نالی گردیدیم، و مأموریت هندوستان بوجود محترم جناب اجل عالی زیت می پذیرد، جای هزاران شادمانی و شکر گذاری است، امید داریم که در این سفر چنانکه شاید و باید مزاج مبارک اصلاح پذیرفته باشد، و صحت و قوت کامل حاصل فرموده باشید، و در آینده نیز با همان جد و

§ مستر هالدين - رئيس اداره جنگي مستعمرات

§ مستر جان مورلي - وزير هندوستان

§ لارډ توبلسموتيه - رئيس اداره بحري

§ مستر لابلډ جارج - رئيس شانس تجرت

§ مستر جان برن - وزير فوائد عامه

§ مستر جان سنگير - وزير اسكانتند

§ لارډ كارنگتن - وزير زراعت

§ مستر سدن بكتن - وزير پست

§ لارډ كرووي - رئيس كابينه صدارت

§ لارډ رين - رئيس اداره امضا و مهر دولتي

§ لارډ برل - وزير معارف

§ مستر جسنس والكر - رئيس عدالت آبرلند

§ مستر آل - وي - هارگورت - بيگار بيگي

§ سر هنري فولر - رئيس محاكم لانكاستر

§ لارډ ابردين - وكيل حكومت محابه آبرلند

§ مستر براييس - وزير مخصوص آبرلند

§ تاكراقات جديد اغتاشات روسيه را چهان حالت

اوايه مي بويستند - شهرها بي انتظام، امور تجارت و

صرافي بند، چيزيكه به از اول ميباشد تاكراقات است

كه عوامجانش مشغول بكار شدهاند

§ جنرال مكسوموچه - جنرال ساراوف را بسفته

جنرال ساراوف كه براي بد نظامي قشون حكم بتشاش

صادر شد مقرر داشتند

(۱۲ شوال ۱۰ دسمبر)

قشون بحري پترسبرگ را از خوف اينكه مبادا با

بلوايت شريك شوند گرفتار نموده به (كرانستد)

فرستادهاند

§ (مسيو بولو) وزير آلمان در طوق خود اظهار نموده

كه آلمان را نيز در تعمير جهازات همان اراده است كه

دول ديگر را ميباشند ، و از اقدام بر اين امر

ابدا قصد مخالفت با دولت انگليس ندارد بر سياسيون

روشن است كه مسلك آلمان هماره صلحخواهي بوده

و اقدامات آن منباب المدافعه است

§ فهرست وزرا هم مرتب، ولارډ روزبري نيز قبول

كرده است مستخدمين نيز همه رضابت خود را نموده

اظهار ميبدارند كه انتخاب وزراي جديد بر حسب

دلخواه است، و در همين چند روزه او اين مجلس وزرا

منتقد خواهد گرديد

(۱۳ شوال - ۱۱ دسمبر)

§ اخبريكه از (توكيو) مي نويسد، قشون روس در

منچوريا خاصه در هاربن بلو، نموده و با فرقه (هانپون) كه از

آغاز تا سون مخالف با روس بودند معيت اختيار كردند

المدافعه كه از اقدامات بنده و اهميات شا اين

انجمن تجارتي به اين وضع خوب تاسيس شده، و اسباب

گشايش امور راجحه به تجارت ممت گريده، و از ما

در اين شهر بيا دكار ميبانند، حالا باز عرض ميكنم كه آخر

سال نزديك است تجديد انتخاب اعضاي انتظامي انجمن

بعد از دو ماه خواهد شد ، بايد اساس اين انجمن را

محكم تر نمايم و قوانين جديده ترتيب بدهيم، لهذا از فرد

فرد شاها خواهش ميكنم كه قانون نامه انجمن را

بدقت ديده و هر چه نظر تان ميرسد آماده و حاضر

نماييد، كه در مجلس عمومي در آخر سال پيش كنيد

تا آنچه را مجلس عمومي انجمن قبول و امضا كرد

بحري شود

وقتيكه بناي انجمن ما محكمتر شد ، البته مناصديكه

از تاسيس اين انجمن در نظر داريم بسهوات تحصيل

خواهيم كرد ، همه شا صاحب اطلاعات كامله از تجارت

ايران و خارجه هستيد، پس بايد در ترويج تجارت ممت

كه باعث ثروت و آبادي آن است آني غفلت نماييد ،

اويلاي دولت عايله چنانچه تا بحال در پشرفت سيايت

حسنه شا همراهي فرموده اند بعد از اين هم خواهند

فرمود، و بين دارم كه با اهتمام اين انجمن عيوب امنعه

ممت ما روز بروز رفع، و تجارت خانهاي داخله با شا

ها همدرد شده ابواب اشاعه تجارت، ممت ما را

مفتوح خواهيد كرد،

جناب وزير ممت خطبه خود را بادعاي بقاي ذات

ممكن صنات هايون شاهنشاهي خداقده ممت ختم نمودند

تلكراف

(۱۱ شوال - ۹ دسمبر)

§ در معاودت اعالي حضرت پادشاه انگلستان باندين

سر هنري كمبل برمن فهرست اسامي وزراي جديد

را پيش خواهد نمود، يوم دوشنبه انقاد مجلس شوري

شده انتخاب وزراي تازه خواهد شد

§ (سر ائتوني مكدانل - امروز با سر هنري كمبل

برمن) ملاقي شده خيلي محبت داشته اند

§ پادشاه انگلستان فهرست وزرا را بموجب ذيل

قبول نموده است

§ سر هنري كمبل برمن - صدراعظم و رئيس اول

وزارت خزانه

§ سر رابرت ريد - وزير عدالت

§ مستر اسكوتيه - وزير ماليه

§ مستر هربرت كلاستون - وزير داخله

§ سر ادورد گري - وزير دربار

§ لارډ آلگن - وزير مستعمرات

از سواحل بالتیک خبرهای موحش می رسد، میگویند کلیساها را خراب نموده اموال مردم بغارت رفته مالکان اراضی را بقتل میرسانند

§ چنان مستفاد می شود که در مناقشه مقدونیا دولت عثمانی شرایط دول را قبول نموده منازعه برخاسته است (۱۵ شوال - ۱۳ دسمبر)

§ مطابق عهدنامه چین با دول، مجرمین چینی شنکائی در احاطه متعلقه بتوانسلات زن باشد یا مرد باید در محبس انگلیس که بنگرانی نایندگان دول است فرستاده شوند، چند تن از زنان چین در احاطه قونسلیخانه انگلیس ملزم شده خواستند مطابق عهد نامه در محبس انگلیس نگاهدارند چینیان را رگ غیرت جنیده خواستند خود خود را از شنکائی و هنگانگ بنک بیرون آرند § طمس شنکائی می نویسند که این قضیه اثر زیادی بر اهالی چین انداخته فتح ژاپون و قبول خواهشات چینیان از امریکا آنها را خیلی جری و قوی دل ساخته است در مقابل خارجه و حال آنکه سالهاست این قانون مجری بوده (این است معنی اتحاد يك مشت مات که دماغ دول بزرگ را بخاک می مالند)

§ مجلس وزرای یونان استعفا نخواهند داد، فقط شخص پادشاه را محکوم قرار داده، رفع خلاف خواهند نمود

§ هزاران قوس بیکار در خانه (سر هنری کبیل بترمن) رفته مشارالیه با منهای مهربانی با آنها سلوک کرده اطمینان داده که در فلاح آنان اقدام کرده نتیجه را جواب خواهد داد

(۱۶ شوال - ۱۴ دسمبر)

§ دولت روس والی مخصوص برای سواحل بالتیک فرستاده و حکم نموده کمیسیون خاص از اهله و اشراف و دهقانان تشکیل و در انشظام قوانین مقیده اقدامات لازمه معمول دارند، چون جماعت بلواییان مخالف این اقدامات اند، دوازده هزار قشون برای اجرای مقاصد این هیئت فرستاده اند

§ عات جلوگیری حکومت سودان جهازات رود سفید را این بوده که (امارت کانگو) برخی مقامات سرحدیه را متصرف شده بیرون نمی رود

§ به هزار مسلمانان قفقاز بخاک عثمانی هجرت نمود، یا بهالی انتظام تقسیم آنها را مینماید، و در مقامات مختلفه آنها را میفرستند

§ مخبر طمس از شنکائی خبر میدهد که عدالت چین افتتاح عدالت را برای رسیدگی در جرم عورات چینی انکار نمود، میگویند تا وقتی قونسل انگلیس زنان ملزم را در تحت نگرانی چین فرستد عدالت باز نخواهد شد، دولت چین برای تصفیه این امور رجوع بحکم نموده است

واه آهن را خراب کرده و اتبار جو و گندم را آتش زده اند، مردمان بی طرف خیلی صکته شده شور جنک در کمال شدت مشغول است

§ در (وارسا) یکصد نفر سپاهیان بلواییان شرکت نموده قشون حلو آنها را گرفته ولی شایک نکرده و افسریکه حکم شایک داده بود از خوف قتل فرار نمود § افواه است که تمام قشون در (وارسا) با بلواییان اتفاق نموده اند

§ از روسیه تا کنون یکسره تاگراف نمی رسد § اخبارات می نویسند که (لارد الکن) اگر وزیر مستمرات می شد موروث تر بود

§ عهده های وزرای انگلستان بدون تغییر و تبدیل مطابق فهرست مذکور معین گردید

§ (کرسقی لوف) رئیس بزرگ بلواییان را دولت روس گرفتار نموده و معترف بر این شده است که در هر نقطه برخلاف دوات او مردم را بشور و خروشان و داشته است § امپراطور روس امروز از قزاقها خیلی اظهار تشکر نموده و جانشانی آنان را در نگاهداری امنیت معجید فرموده اند

§ در قمله کاسک (مارشل لا - قوانین جنگی) را اجری داشته اند

§ حکومت سودان جلو تمام جهازاتی که از رود سفید عبور و مرور داشته گرفته، عات تاکنون غیر معلوم است (۱۴ شوال ۱۲ دسمبر)

§ مستر بافور انگل کات مزاج پیدا کرده بود، اینک بهتر شده، امروز در مجاسیکه برای تجارت پنبه شده بود شرکت داشته است

§ پادشاه انگلستان عهده های وزرای جدید را همه نهاده، از یازدهم جنوری وزرای تازه در دارالشوری شروع بکار روانی خواهد نمود

§ بعد از گرفتاری (کرسقی لوف) رؤسای عمادجات در پترسبرگ انعقاد مجلس نموده، چنان تصفیه نموده اند که بلوی را ملتوی گذارند تا نتیجه اقداماتشان ظاهر گردد § در منتخبین جدید رجال انگلستان حضرات ذیل نیز شامل اند

§ مستر طامس شا - مستر الکسندراوری - مستر وگتن جرجل - مستر لاسن والتن - مستر دیلو اس رابن - مستر جان الیس - ارل اف پورتسمنیه - مستر ادمند رابرتسن - مستر وگنالد مک کینا - مستر هربرت سامول - مارکویس سیوت - مستر ریچلداستن

§ ابواب مخبرات پترسبرگ چند ساعت باز شده مجدد بند گردید

«جبل المئين كلكته»

«مدیرکل کالج استریت نمبر ۴»

«کلیه امور اداره با»

«مدیرکل مؤید الاسلام است»

«منتظم اداره»

«آقا محمدجواد شیرازی است»

«هر دوشنبه طبع»

«یکشنبه توزیع میشود»

«بتاریخ دوشنبه»

«۱۷ ذیقعدہ ۱۳۲۲ هجری»

«مصادف با»

«از هر کس و هر جا بلا استثناء ابره اخبار»

(مقدم گرفته میشود)

«روزنامه مقدس»

«قیمت اشتراك»

«سالانه — شش ماهه»

«هند — و برمه»

«۱۲ روپه — ۷ روپه»

«ایران — افغانستان»

«۴۰ قران — ۰۵ قران»

«عثمانی — و مصر»

«۵ مجیدی — ۲ مجیدی»

«اروپا — و چین»

«۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک»

«روس — و ترکستان»

«۱۰ منات — ۶ منات»

جبل المئين

سنه ۱۳۲۱

«قبل از دریافت نمودن قبض اداره»

(۲۳ جنوری ۱۹۰۵) (خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید) ۱۰ منات — ۶ منات

«دو این حربده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید مانی بحث میشود»
«مراسلات عام المنفعه مبول و در انتشارش اداره آزادست»

فهرست مندوجات

اعظم ضایعات ایران • تلگرافات • مکتوب یکی از فضلاء جلیل • مزده باهل علم • انجمن و مدرسه مبارکه مغفیری • ملاحظه حال شرق و غرب • مکتوب یکی از غیرخواهان بصیر • مکتوب از تبریز • وزارت نظامیه طهران • مکرمات خسروان نقل از جریده تربیت • جبل المئين • اخبارات تلگرافی • مدرسه مبارکه سادات • بوشهر • جبل المئين • بودجه روس • اعلان رسمی روس در فتح بندر آرتر • بقیه تلگرافات

اعظم ضایعات ایران

تلگرافی از وزارت امور خارجه ایران بمنزل قونسلگری کلکتہ بدین مضمون رسید (از هیجدهم ۲۵ بجم وانبوه بجهت فوت شاهزاده سپهسالار باید عزادار شوید) (مشیرالدوله)
پس از رسیدن این تلگرافی منضم السلطان وزیر مقیم به جمع توکلات جزء این خبر را اعلام نمود شرح زندگانی این راد مرد فرزانه را بوجه آتی درج خواهم نمود

تلگرافات

(سایخ شوال - ۷ جنوری)

«خبر (روز) از (توکیر) خبر میدهد که دولت واپس حفاظت جزیره های (لیاؤنگ) را تکمیل نموده تاکنون سرداران واپس اعزّه نماند که جز

جهازات دولتی چهار دیگر وارد بندر (آرتر) شود
«اعلیحضرت (میخادور) امپراطور واپس تاگرافا (جنرال توکی) و اردوی سوم او و امیرالبحر (توگر) و قشون بحری وبرا دربارہ فتح بندر (آرتر) تبریک فرموده تمجید زیاد از جانبشایمان عموده است

«بین محبت جنرال [انسلس] از وضع شایک و نشانه واپسینان تمجید نموده است خود را که در میدان جنگ براو - وار می شد بمنزل (توکی) تقدیم کرد - جنرال موسوف از طرف اردوی خود قبول این عهدیه را نموده بیان کرد که این اسب بواسطه سوار جوانمردش خیلی بامزات و در نظرها حلوه دارد و یادگار نیکوست که ما خیلی با اهمیت باید باو بستگیریم

(غره ذیقعدہ - ۸ جنوری)

«مشه اسرای روس در بندر آرتر قیصه شد سرداران روسی فی صدی بجهت حلف نموده مرخصی شدند و بقیه که در آمان جنرال [توگ] و جنرال (اسپروف) وغیره اند حلف نموده باسارت واپسینان تن در دادند

«خبر (روز) از (توکیر) خبر میدهد که واپسینان اراده تعمیر یک مرکز جدید برای جنگ بحری در بندر آرتر دارند و بپید بست که این خدمت را بامیرالبحر دوم (شپا یانه) سپرد نمایند و برای مدافعت قشون کافی در آنجا تهیه خواهند نمود

«دوازده نفر سرداران بحری واپس بنوع (آرتر) را

ملاحظه نموده جہازات شکستہ روس را ممانع کردند
 § اعالی (توسبرگ) را آن بریشانی که در ابتداء فتح
 بندر (آرتھر) بود باقی نمانده. عید میلاد مسیح قدری
 مردم را ازین خیال باز داشت و در قہوہ خانہ ہا
 و شرابخانہ ہا اظہار مسرت می نمایند. عجب تر آنکہ
 شرکت در مراسم عزای مقتولین بندر (آرتھر) کہ در
 کلیسا های (کیسن) منعقد بود کثیر کردند
 § برای اظہار نظم و عدم رضایت از قانون دولت
 تدارک مجلس بسیار عالی در (توسبرگ) از جانب ملت
 دیدہ می شود

§ در مجلس حکمیت حادثہ بحر شمال رئیس مجلس
 بدوا این امر را فیصل نموده کہ وقایع نگاران جراید
 را حق دخول در این مجلس خواهد بود. (فورنیر)
 رئیس مجلس انتخاب شد امیرالبحر (البون) ازین مجلس
 علیحدگی اختیار نمود

§ دستہ سوم جہازات جنگی بالتیک بجناب (روز)
 روانہ گردید

§ در براعظم اروپا برای دستہ سوم جہازات بالتیک
 تدارک ذغال دیدہ می شود

(۲ ذیحده - ۹ جنوری)

§ در (توکیو) شهرت دارد کہ برای انجام مہام
 جنگی ژاپون استقراضہای کوچک بشروط قروض
 سه گانہ اولیہ خواهد نمود

§ رسا بقونسل جنرل مقیم بمبئی جنین خبر رسیده.
 انتظام حفاظت جزیرہ نامی (لیاؤتانگ) حکم
 امیرالبحر [توگو] اول جنوری اعلان داده بود تکمیل
 شد اینک جز جہازات دولتی ژاپون هیچ یک از جہازات
 دول را اجازہ ورود در بندر (آرتھر) نیست

شرایط تسام اشکران روس در بندر (آرتھر) تکمیل
 شدہ شدہ قیدیان روسی ازین قرار است. هشتصد و هفتاد
 و هشت سردار - و بیست و سه ہزار و چہار صد و
 نود و یک سرباز تن باسارت دادند. چہار صد و چہل
 و یک سرکرده و دو بیست و نہ نفر صاحب منصبان
 ملکی حلف نموده بجناب روسیہ رہسپار مکرر دیدند
 جنرل (فوک) و جنرل [اسپرموف] و [گورباتوسکی]
 و امیرالبحر [وایشایدمین] حلف نہ نموده جزہ اسرای
 جنگ شاملند - جنرل (استاسل) بتاريخ دوازدهم
 از (دالی) بجناب روسیہ حرکت نمود

§ مخبر [روتر] از بندر (آرتھر) خبر میدہد حکم
 (کپتان لونودہ) کہ از جانب امپراطور ژاپون حامل تلگرافی
 بود کہ بامرای بندر (آرتھر) نیسکو سلوک شود با
 جنرل (استاسل) ملاقی شد. و تا دیر باز صحبت میکردند

§ مخبر (روز) از بندر آرتھر بتاريخ ششم جنوری
 خبر میدہد کہ پنج ہزار قندون (پین پی) از جنگ
 (نگشتو) کہ بازوہ میلی است باز آمدہ از آنجا با
 راه آہن (دالی) حرکت خواهند نمود حرکت این قشون
 بدین وضع خیلی درد انگیز بود

(۳ ذیحده - ۱۰ جنوری)

§ واپوئیان جہج خطوط راه آہن بندر آرتھر را
 باندازہ کالسکہ های خود نموده همین چند روزہ قطار
 راه آہن ژاپون در بندر آرتھر شروع بآمد و رفت
 خواہد نمود

§ اعلیہ حضرت امپراطور آلمان نشان (وادراف مہریت)
 را برای افتخار بجنرل (استاسل) و جنرل (توکی) کہ هر
 دو در میدان جنگ داد جوانمردی داده اند مرحمت
 نمود

§ اربندر (آرتھر) دستہ اسرای روس بفساک ژاپون
 وارد می شوند

§ رسا در (توکیو) اعلان شدہ کہ جہازات ژاپون
 در دریای بندر آرتھر بہ بیرون آوردن سرنگ مشغول
 شوند و تا کنون سیصد و نود و پنج سرنگ بیرون
 آورده تا چہل میل دور بندر آرتھر را صافی نمودند

§ دستہ سوم جہازات بالتیک تحت حکم امیرالبحر
 (لوتروواسکی) وارد بندر سید شد

بسیارکار در عالم گذارند خصوصاً برای من و برای افواج من - همین صفات را نیز درباره دشمنان جوانمرد شما قائم و همین نشان آنانرا نیز بخشیده ام

§ امپراطور روس جواب تلگراف امپراطور آلمانرا چنین داده . از تلگراف همدرمانه اعلیحضرت قیصر و قشون آلمان بمنون هشتم - جنرال (استاسل) باقشون جوانمرد او آخرین نقطه استقلال را طی نمودند

§ امپراطور ژاپون در جواب تلگراف امپراطور آلمان چنین بیان نمود - تشریف و تمجید اعلیحضرت قیصر درباره فتح بندر آرثره ورت امتنان و مزید ممنوبت من وقشون من گردید - باکمال مسرت خاطر اعزاز فوجی و نشان افتخاریکه بمنزل نوکی داده شده قبول مینماید

§ روزنامهجات فرانسه از (پیرن کوداما) مورخه سال (۱۹۰۲) میلادی نوشته بدست آورده اند که مبنی است بر دستورالعمل دست اندازی ژاپون بر مستعمرات فرانسه در چین - از طبع این دست آویز درجراید و لوله درباریس افزاده - سفیر ژاپون انکار از حقیقت این ورقه مینماید ولی اهالی باریس را انداً تشفی ازین سخنان حاصل نمی شود

§ دست سوم جہازات بالتیک وارد سوئز گردیدند § امیرالبحر [اکریدلوف] از (ولادیوستک) بجانب (پترسبرگ) روانه گردید

(۵ ذیحجه - ۱۲ جنوری)

§ رای قرضه جدید روس در (بران) اعلان ودفتر باز نمودند چون هر ضداشت رای ادای آن بسیار رسید فوری بند کردند

§ جنرال (نوکی) رسماً اطلاع میدهد که در قبضه بندر آرثره بانامد و جهل و شش توب - و دو مایون و هشتصد و هفتاد و دو هزار و شش صد و هفتاد گلوله توب و سی هزار کیلوگرام باروط و دو مایون و دویست و شصت و شش هزار و هشتصد فشنگ مذک و غیره غنیمت لشکریان ما شد

§ دست سوم جہازات بالتیک از سوئز حرکت نمودند § مجلس حکمیت حادثه بحر شمال وضع محاکمه را فیصل نموده و محکیم کل در ۱۹ شهر حال رسماً در مجلس تقریر خواهد نمود و شهرد استعطاق خواهند شد از آن بعد خم گفتگو شده حکم مجلس

§ مجلس حکمیت حادثه بحر شمال امروز اقبالت خودشان را پوشیده نماند

§ در جہاز (چینه) بم میلیون (انس) طلا از (سان فرانسکو) برای ژاپون حمل شده است

§ غیر (روتر) از (مورس) خبر میدهد که جہازات جنگی جندی از ژاپون در (دیگوکارتیه) که جزیره کوچکی است در بحرالهند و چند روز مسافت تا مدیناسکر داود وارد شده این جزیره برای حمل ذغال جای بسیار مناسبی است

§ امیرالبحر کل جہازات بالتیک تاریخ دوم خبر داده که جہازات جنگی ژاپون برای مقابله با ما پیش قدمی مینمایند - از طرف ما نیز کاملاً تهبه مقابله ونگرانی دیده شده است

§ مصاحب امیرالبحر (روسی دیسیویسکی) در (تاتیو) وارد شده اظهار داشته است که جہازات بالتیک تاوقتی که از دریای هند عبور نمایند یک ماه کامل طول خواهد کشید

§ غیر (روتر) از (مدیناسکر) خبر میدهد که تاریخ چهارم دو جہاز قناله ژاپون در جزیره (لاسون) در گردش بوده دو جہاز روس که حمل ذغال داشت در (لابو) رسید (لابو) یکی از جزائر انگلیس و شش میل در مغرب و شمالی (پورنیو) است

§ امپراطور آلمان تلگرافاً از امپراطورین روس و ژاپون اجازه خواسته که بمنزل (نوگو) و جنرال (استاسل) نشان (گادراف میریت) داده اجازه داده شود آنان قبول نمایند

§ امپراطور آلمان بقشون روسیه در باره مدافعه از بندر (آرثر) جنان تلگراف نموده است - وقاداری شما سپاهیان و بهادری سرداران شما را جمیع عالم تمجید مینماید - خصوص من و ادارات فوجی من ثابت خوشنودی را از شما داریم - من همان عزت و توقیر را در باره دشمنان جوان سرد شما نیز دارم و همین نشان را هم بدیشان دادم

§ امپراطور آلمان بقشون ژاپون چنین تلگراف نموده جنرال (نوکی) در محاسره بندر آرثره معنی جوانمردی و عقلمندی را ابراز داد - الحق جوانمردی و عقل مندی را جنرال نوکی و قشون او از خود

تقد حال طست این - باری اهل تحقیق گفته اند و حال اینکه مطلب بقدری مسلم و مبین است که بآنکه دقت نظر بر هرکسی رأی العین ظاهر شود که همچنینیکه هیکل هر فردی از افراد انسان دارای قوای نفسانیه از حیوانیه و انسانیه یعنی ظاهریه و باطنیه است و باختلاف قوت و ضعف آنحواس و قوی اشخاص را در مقام تزلزلات و ترقیبات مراتب مختلفه حاصل است هیکل انسانی عام هم که عبارت از يك حوزه ملت یا دولت است دایر و سایر نشود الا بوجود حواس و قوی و اعضا و جوارح - و ضعف و قوت این هیکل هم باختلاف ضعف و قوت آنحواس و قوی مختلف میشود - پس هر آن شخص ، ا که قوی شدید تر و صحیح تر و حواس مجموعتر ادراکات زیادتو و تصرفات بیشتر است و هرگاه قوی شدید نباشد هر چند حواس جمعیت میکنند نتیجه درستی بظهور نرسد و هرگاه حواس جمعیت نکنند هر چند قوی شدید و درست باشد جز حرکات خواب آلوده یا مستانه یا سفیهانه ازین شخص فعلی صادر نشود همچنین است حال هر ملت یا دولت یا قومی که نام برده شوند و يك حوزه و طایفه شمرده گردند هرگاه قوای ظاهریه و حواس باطنیه صحیحه داشت و جلگی با هم اتفاق و جمعیت نمودند هر گونه دوام و اشخص و ترقی برایشان حاصل شود و الا تعبیر ازین قوم بوحشی و بی تربیت کنند و نام ملت و دولت برایشان نهند و اگر اتفاقاً بر حسب ظاهر نام دولت و ملت برایشان گذاشتند مجاز است بملایه اول و مشارفه یعنی يك وقتی بودند یا نود يك است بشوند مثل اینکه آدم دیوانه را آدمش مینمایند ولی آدم ها او را در عداد خود نمی شمردند و توقعات آدم وار ازار ندارند - پس اگر ما پیادگان خیال اشخص و ترقی و صحت و سلامت که سرطایه بقاست ازین ملت هزار گونه مرض مبتلا داشته باشیم باید قوی و حواس و جوارح ظاهریه و باطنیه ملت را بشناسیم تا در تصبیح قوی و جوارح گفتگو و مباحثه در عکس و امراض ظاهریه و باطنیه او نمایم و بمقام معالجه برآیم تا بمحفظ صحت قوت گیریم یا باستعمال ادویه صحت پذیریم اولاً تمام افراد قوم و ملت بمنزله اعضا و جوارحند از انسان اهل نجسوت و ذرات دست و پا و انگشتان

حکمت را علنا اظهار خوانند داشت - ولی تدابیر و کلای دول و خیالات و تقاریر آنها را مستور خواهد ماند (۶ ذیحجه - ۱۳ جنوری)

§ دولت روس جمع دول و رسماً اطلاع داده که از آغاز جنگ تاکنون دولت چین بر خلاف بیطرفی از جنگ ملوک نموده و مینماید - لذا روس در حصول فوائد خویش دولت چین را بی طرف تصور نکرده باقتضای وقت کار روانی خواهد نمود

§ سواران روس تحت امر جنرال (مست جینکو) با منتهای بهادری اقدامات دلیرانه مینمایند و راه آهن ژابن را در بین (الشان-جن) و (مپچنگ) و (نیگکو) و (ماشچیو) خراب کردند

§ بجنرال قولدل ژاپوز در عقبی رسماً چنین خبر رسیده - بوم بچشمه جنرال توکی اشیاء ذیل را در غنایم ژاپونیان بعد از فتح بندر آرتر خیر میدهد بجهان و نه قلاع معمور مستحکم - باصد و چهل و شش توپ که بجهان و چهار آن بزرگ و صد و چهل و سه کوچک و ماتی متوسط بود - و مشتاد و دو هزار و شصت و هشتاد کلوله توپ - سی هزار (کابوگرام) باروط سی و پنج هزار و دوست و بجهان تفنگ - هزار و نهصد و بیست اسب - چهار جهاز جنگی علاوه بر (سواستپول) که غرق شد - دو جهاز گزیه چهارده کشتی اسلحه و موشک شکن - ده جهاز قناره بزرگ - سی و پنج کشتیهای کوچک که پس از تعمیر همه نیکو بکار تواند آمد با سی و پنج هزار نفر قشون

§ خبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که بتاریخ دوازدهم چهارشنبه سواران ژاپوز با چهار دسته سواران روسی در جنوب خریف [لیاؤبانگ] مقابل شده پس از چهار ساعت جنگ کامل سواران روسی را از جای برانداختند

✍ مکتوب یکی از فضلالی جلیل ✍

✍ سر آمدن ✍

(شماره دوم)

بدتر از آن اینکه این کتاه را مشروع دینی خوانیم و خود را این بدکاری متاب و درستکار دایم قالدقه تعالی (هل ینذکم بالآخرین اعمالاً الذین ضل سببهم فی الطیبه الدنیا و یحسبون اهم یحسبون صنها) در حقیقت

این جبهه را مانند که در تحصیل و جلب روزی و منافع بحر. جا روند و آیند و جمع ما بحتاج نموده در حوائج خور و خواب و مرافه و مرافق تن اعمال نمایند. یا اینکه در رفع و دفع فضول بدن و حوادث و عوارض مضره تهیه اسباب فرمایند و از قوی منزلت جاذبه و ما سکا انسانند و سپاهیان و سربازان بمنزله جنگ و ناخن و دندان و شمشیر و سنانند که در موقع دفع موزی و دشمن قوه غضبیه و مقتدره و دافعه را مانند. جاسوسان و خبر نگاران و نگهبانان بمنزله حس مشترکند که اول قوی باطنیه است و بی وجود آنها ربطی مابین قوی ظاهره و عوالم آن و بین قوی باطنیه و عوالم بدن بهم نمیرسد. دارالشوری یا دیوانخانه حکومت بموقع سراز اندام و مربوط و مرجع تمام قوی و حواس ظاهره و باطنیه باین محل و مقام است. و وزیران و دستوران آگاه درین انجمن عظیم و محضر کرم بجای قوی باطنیه اند. و ضعیفیت سلطنت که رئیس و امیر ایشان است ملت را بمرتبت جان و امنیت انسان است. و مفاسدیک برنقدان و نقصان هر یک از قوی مذکوره مرتب در اجسام است هم چنان مفسده از نقصان یا فقدان قوی در این انسان تام با موافقت تمام است

پس مملکت بی تجارت و زراعت چون آم بی دست و پای که در خواب و خور منظر عنایت و اعانت این و آن دست نشاند و نان خور همسایگان است. و کشور بی سپاهی و لشکر چون حیوانات بی جنگ و ناخن و دندان اسیر سیادان باهال و بار کس آدمیان است. چون جاسوسان و خبرنگاران چه ظاهرا و بار زاوجه خفیا و مستقر این سلطنت و مملکت نباشد نه رعیت سلطان را با عارت شناسد و نه سلطان رعیت را منشاء پادشاهی خویش انکار کرد. - اعجوبه جانوریست آنکه جانش ازنی بچهر است و تنش ازجان بچهر تر دارالشوری یا دیوانخانه حکومت یا دربار معدلت مدار که بمقام سروامالدماغ و مجمع الحواس و مرجع القوی کشور است حوادث تن فی الحقیقه بر او طاریست و احکام کاتبه اعصاب و جوارح از آن جاری وساریست. وزیران عظیم حکیم و دستوران رؤف و رحیم در او شایسته است. اما بد و نیک مملکت بخوبی و بدستی

داندند و احکام دولت را برآنت و مرحمت تمام بر افراد رعیت رانند
 پس اگر نویسندگان و خبرنگاران صادق الدول امین صکه اخبار خاصه آرند یا روزنامه نگاران و خبرنگاران آزاد که بدو نیک هر کس را بی ملاحظه نگارند در کار نباشند اهل این انجمن که اسباب صدور احکام کلیه سلطنت اند از مصالح و مفاسد عباد و بلاد بچهر و بی اطلاع اند و احکامی بنیر ملاحظه مملکت و رعیت بر ایشان اصدا ر نمایند و البته هر سری که جز بروتقی صلاح و صواب حال بدن اراده و مشیتى اظهار نماید بر دوش بار بلکه اعصاب و جوارح را از تحمل این بار نهایت تنگ و طاو است و هرگاه تنی را سر نباشد جثه مردار است و اگر سرهای متعدد داشته باشد زندگیش دشوار بلکه محال است

(بران بوم بر نام حکومتی عنوان)

(که در وی دو سلطان بود حکمران)

بقول شیخ سعدی در پادشاه در اقبلی نگنجد.
 (لو كان فيهم الهة الا الله لسدنا) اشد بیات و اضرده واهی که ملک و ملت و شاه و رعیت را عزوان خزان و خرابی است تعدد مصادر مخته و احکام متنوعه است و یکی نبودن قانون جاریه و جریان قوانین متعدده بعدد (کل من جلس علی مسنده)

بی حکمرانان متعدده بر هر شهری یا در هر امری ضرور است ولی در صورتیکه گردن تمام بر یک رشته و چشم همه بر یک نوشته باشد محذوری بر آن مرتب نیست و در صورتیکه هر یک بخیرلات جاهلان و هوا های نفسانیه جز بر قانون پادشاهی یا احکام محکمه الهی حکمرانی کنند جزویرانی مملکت و خراب اهل مات نتیجه نخواهد داشت پس این یک تن را یک سر پیش نشاید و درین سر خز قوای صحیحه باید. هر - برآ که در بعضی حواس نفاذی یا انتفاذی باشد جز حرکت - مستانه یا لواذات سفیهانه از و صادر نشود و چنین آدمی دیوانه است و خانه اش ویرانه و گاه باشد که هوشیاران و عاقلان همسایه نظر بجلب منافع یا دفع مضار خود این هیئت اجنبیه را بالمعنی که متفرقه اسیر کنند و بعنوان دیوان گیش بفریب کشند. پس تصحیح اجزا و اعصاب این بصر

بزرگ و انجمن سترگ اوجب واجبات و اهم واعظم هموم است که صحت احوال و افعال جیح اعضا و جوارح مات بصحت ایشان منوط و فساد آنها فساد ایشان مربوط است (اناس علی دین ملوکهم) چون امرای و امنای دولت مردمان صالح سالم باشند رعیت در صلح و سلامت با ایشان نکرند و اگر جاهلان ظالم باشند رعیت نیز چون ایشان راه ظلم و فساد سپرند. مقربان این حضرت و منسوبان این خدمت بایستی هوخواران رؤف و عطف و دور اندیشان حکیم حلیم باشند تا در هر کار اندیشه بصواب میکنند و در نیک و بد افراد ملت یا هیئت مجموعه بحکمت رای دهند

چون اخبار مختلفه از خارج و داخل با ایشان رسد گولانه قبول نکنند واقعه ساده را از پوئیک بشناسند و از وقوع شر و فتنه و ضرر و ان جانم فاسق بنیاه قتینوا) بهراسند غضب بی هنگام نرسانند اخبار بی تحقیق و محقق را بمحضرت اقدس نرسانند صلاح حال رعیت را از دست ندهند و در راه خرابی مات و دولت قدمی نهند و بی مشاورت اهل خیرت و بصیرت در هیچ امری نکوشند و چون صلاح حال بلاد و عباد را برخلاف میل خود یاقند چشم از انصاف نبوشند همچنانکه حواس و قوی خود اعضا و جوارح را علت توام و دوام خود دانند و در حفظ حقوق آنها کمال مواظبت و اهتمام نمایند ایشان هم در حفظ ملک و رعیت که سرمایه عظمت و اعتبار آنهاست از جان و دل سعی و کوشش فرمایند و چون عمده از اسباب صدور فرامین قضا آیین شاهانه ایشانند چون قوه منصرفه در انسان که از معلومات قدیمه و جدیده و خارجه و داخله که بتوسط حس مشترک در خزینه خیال و ذهن اندوخته است نتیجه کلیه حاصل نماید و در هنگام تعارض اسباب باده رجحان جهت زاججه را تسلیم نفس فرماید. ایشانم مشاورت یکدیگر بعد از تحصیل اخبار و روزنامهجات خاصه و عامه و هر ایش حالیه صادق و کاذبه با تمام امان نظر و دقت و جرح و تعدیل بوجه بصیرت خبر صریح و رای صحیح را در محضر شهبازی القا نمایند. و بی شباهت حال و امراض و خللی از مصایب و مفسدات امراض سبب ارفاقه علیه بگردند تا از مصدر جلال حکم

صحیح لایزد ولا یبدل و فرمان قضا مثال چون فرمان عقل و نفس که بقوی و مقتدره لاهه اعصاب و عظام و عضلات میرسد بامورین دربار عظمت مدار حکمه بمنزله اعصاب و عضلات و عروق و عظامند صدور یابد و ایشان در اجرای امر قضا مساقی بی بی کا یلیق و یطاق نموده و عوارض سینه و حوادث سینه را رفع نموده فواید حسنه و نتایج طریقه بدست آید و تمام افراد ملت و این هیئت اجتهادیه که بمنی اجزا و اعضای این اناسیت عامه میباشند از شاه و سپاه و سفید و سیاه و حامی امی یا عالم آگاه و فقیر و غنی یا حقیر و سنی از کاسب و تاجر و متدین و فاجر دمی و شهری و محقق موحد یا طیبی دهری همی بایستی که خود را در این جزویت و عضویت که همی بالسویه شریکند با دیگران مساوی دانند. چرا که در معنی جزویت همه یک سان شریکند و اگر چه اهمیت و رکنیت در ایشان بمراتب مختلفه ظاهر است در عالم عضویت نیاید که بملاحظه تقدم و تاخر رتبت و وظیفه عضوی را که تساوی بین الاعضا است از دست بدهد و در انجام مهمی از امور راجحه بصود دیگر یا تمام بدن تکامل و تسامح ورزد. مثلاً آنکه بمنزلت چشم است نباید حقه هنگام دفع موزی از انگشت پای تراض و سستی نموده بگوید این کار از حقوق دست و پا است و بگذارد که تا دست و پای احساس کنند یا فراغت یابند موزی کار خود بکند آنوقت در کشیدن رنج و زحمت الم لاهاله این عضو هم با پای شریک است

(جو عضوی بدرد آورد روزگار)

(دسکر عضوها را نهاد قرار)

پس چنانچه در تن موزی که بر پای پیدا میشود فوراً در دفع و رفع آن چشم و قلب و دماغ و دست و غیره علی حسب مقدرتهم کوشش مینمایند و کوتاهی نمیفرمایند هکذا چون موزی نسبت بخردی از جمعیت با جیبی با مجموع این هیئات بهم رسد بر همه واجب که باندازه توانائی و قدرت همی بکوشند و دفع و رفع آن حرکت کنند و الا عمار قریب و بزودی بوخامت تنبلی و بر غیرتی و بی عصیقت مبتلا خواهند شد پس هنگام عروض عوارض و حین حدوث حوادث هر احدی از آنها مطلع نگردد تا از مطلع گردید فوراً بر

انجمن و مدرسه مبارکه مظفری کلکته
یوم یکشنبه اول جنوری القاد مجلس عمومی انجمن
شده برخی از قوانین آن تعدیل یافت. من جمله تبدیل
عہدہ های انجمن کہ در طہ ذی حجه مقرر بود در
جنوری مقرر شد

یوم یکشنبه هشتم جنوری بساعت چهار انعقاد
مجلس انتظامی انجمن شده اموری کہ راجع باعضای انتظامی
بود فیصل یافت.

از تاریخ ۳۳ جنوری آغاز با امتحان سالانه شاگردان
مدرسه مظفریہ پنج روز کامل از ساعت ده تا چهار
مجلس امتحان منعقد و چنان مقرر شد کہ مجلس
سالانه انجمن و تقسیم اسامی مدرسه یک روز باشد
و نواب اشرف والا آقای سلطان محمد شاه
سرپرست انجمن تقسیم انعام فرمایند. نواب معظم له
قبل از تاریخ پانجم کہ یوم تقسیم انعام بود عزم
حرکت از کلکتہ نمودند ولی نظر بواسطت
سرپرستی یوم جمعہ سیزدهم جنوری کہ یوم امتحان
الطفال در مشق بود رونق افروز انجمن گردیده
جناب منعم السلطان وزیر متبع مؤسس انجمن با سایر
اعضای محترم نواب والا را پذیرائی شایان نمودند. اطفال
نیز صف بستہ مقام احترام شدہ طفلی خطابہ طہر مقدم
وتبریک قدوم ایشان را قرائت نموده. از آن بعد نواب
والامدافہ در تعلیم اطفال و وضع مدرسه نموده اعضا را
خیلی تمجید و تشویق کردند. چون اختلاف بین ممتحنین
در بارہ خط سہ نفر از اطفال شدہ بود فیصلہ آن
به تصدیق نواب والا شد سپس قرائت خانہ و کتاب خانہ
واطاق نیز بار در ملاحتہ نموده در کلاس انجمن رونق
افروز گردیدند (صکرتری) اطہار داشت کہ پس
از امتحان یک (کلاس) بر مدرسه افزوده خواهد شد
و معلم مخصوص از دارالعلوم منظمی باید طلب نمود
نواب والا فرمودند کہ معلمی لایق باہما تا نسبت
روییہ برای مدرسه مقرر دارید و ما دو سال وحہ
مشاہرہ آن را خود خواہم پرداخت اعضاء انجمن
بہینت اجتماع تشکر نمودند. نواب والا علاوه بر نسبت
روییہ طمانہ مواجب معلم سکہ تازہ مقرر فرمودند
سالانہ ہزار و پانصد روپیہ نیز با انجمن و مدعوہ بطریق
استمراری مرحمت فرمایند. اعضاء انجمن از ہر بابیہای

او واجب است کہ اولاً خود بدفع و رفع و اصلاح
آن کوشد و اگر از مہدہ او بیرون است بدیکری کہ
بتواند رجوع کند و مکنذا تا خبر را بواسطہ ایلا واسطہ
یکار گذاران دربار گردون اقتدار رساند و اگر چنانچہ
برسم حالہ مایخبران وقت را بکلمہ منحوسہ (بن چہ)
(و بتوجہ با با بیاریم. از ما نمی شنوند) گذرانید خود و
ابنای ملتش ہزار بلای مختلف مبتلا خواہند شد. . . .
از مثلہای معروف است جاتی را کہ بخوانند باختشاش
و بی نظمی و بی ترتیبی یاد کنند گویند فلان جا (بل بشو
است) و این مثل از باب بیان علت و ارادہ معلول
است یعنی بہل و بشو (بگذار و برو) علت نامہ
است از اختشاشات بی نظمی

دو چیز طیرہ عئل است دم فرو بستن
بوقت گفتن و گفتن بوقت خاموشی
بنطق آدمی بہتر است از دواپ
دواپ از نوبہ سکر نگونی صواب

(بالی دارد)

مژدہ باہل علم

چندی قبل بذریعہ اعلانات خدمت مشتریان کرام
عرض شدہ بود کہ کتاب مستطاب (اقلیدس) بلسان
فارسی زیر طبع است. اکنون نیز عرض میشود کہ
مقالہ اول از کتاب موصوف بحال دقت در صحت
کاغذ اہل از حلیہ طبع آراستہ شدہ اینک در ادارہ
مشترکہ موجود است ہر کس طالب باشد بوسیلہ
مکاتب طلب و مفتخر فرماید

در این کتاب مستطاب حجتہ تقیم مقاصد دقیقہ
چنان اسلوبی را مؤلف بکار برده است کہ میتوان
گفت مبتدی بندک توجہ ذاتی درک مطالب نماید و
زحمات تقیم را از معلم سرفروغ دارد. تصدیق بر
مطالب مذکورہ موقوف است بمطالہ کتاب

در وصف این علم شریف پس است فقرہ مبارکہ
حضرت باب الہم (الہندستہ لبیان) ازین جاست کہ متکلمین
دانہ مند فرمودہ اند استحکام بنیاد اسکثر ہلکہ جیب
علوم عالیہ بستہ است بدالستن علم ہندسہ کثراہ امتالمہم
(عمل فروش کتاب)

بجلی - جانی کہہ - مطبع بصری

بیشتر - ہندی بازار - دکان مطبع بصری

نواب والا و سرسوق ایشان خیلی بخت گرم و خوشدل و امیدوار گردیدند

یوم یکشنبه یازدهم جنوری ساعت چهار انقاد مجلس عمومی برای تبدیل عهده‌های اعضای انتظامی و ملاحظه محاسبات سالانه و استماع رویداد ایام گذشته انجمن گردید. بدواً (سکرتری) رپورتیکه مختصین محاسبات انجمن داده بودند قرائت نموده سپس صورت جمع و خرج سالانه انجمن را خواند با اینکه سال اول این انجمن و مدرسه بود و بابتی مابقی زیر بار قرض باشد با این مصارف گدافی دو هزار روپیه لوازم ابتدائی انجمن و مدرسه خریداری شده و مصارف فوق‌العاده انجمن نیز در سال روان انجمن را خیلی پیش آمده مع ذلک قرضی زیاد نداشت (رپورت سالانه و صورت جمع و خرج انجمن را با اسامی مساویینیکه با انجمن همراهی کرده‌اند در آنجا مینگاریم)

از آن بعد جناب منجم‌السلطان وزیرمقیم برای خاسته پس از اظهار تشکر از زحمات و همراهی اعضای انجمن در استحکام این بنای مقدس بیان کردند که چون این انجمن مدرسه بنام اقدس اعلی حضرت شاهنشاهی و من نایبده آن شاه تاجدارم درین مملکت و خود محرک این بنا و مؤسس این عمل خیرمیداشم و سال گذشته نیز اعضای انتظامی و عهده‌داران انجمن را من نامزد کرده شایم اعضا هادی امروز نیزیکه یک اعضا را بخیال خود نامزد می‌بایم هرکس عذری دارد پیش نباید از آن بعد برای هر یک از عهده‌ها انجمن شخصی را نامزد نموده بصحة اعضا رسید سپس نیز بر برخی قوانین عمومی نظر ثانوی شده به مقتضای وقت تریات پیش شده همه امضا نمودند سپس جناب مستجاب آقای شمس‌العلماء صدر انجمن نطقی باین ایراد نموده شرحی از خدمات جناب منجم‌السلطان وزیرمقیم و زحماتی که در راه ترقیات ملیه و استحکامات این اساس مقدس کشیده شرح داده اظهار تشکر از جانب اعضا نمودند. جناب شمس‌العلماء در تقریر خود فرمود (مأمورین دوائی را در هر مأموریت دو تکلیف است یکی ادای تکالیف واجبه مأموریتشان که معین است و دیگر میلان قلبی آنها بخدمات مانع و دوائی و وطن عزیز خود. از زبان مرحوم حاج میرزا حسن خان میرزا که در حال تدبیر و تدریس خواهم

ملت و دولت هر زبان ستوده و شهر آفاق بود تا امروز هیچ یک از مأمورین ایران که بهند آمده‌اند مانند منجم‌السلطان که بذل مال و وقت و جان در راه ترقی ملت ندیدم و دولت متبوعه خود نباید جناب منجم‌السلطان برخدما تیکه بدوات متبوعه خود مینماید حقوقی بزرگ علاوه بر ذمه ما ایرانیان. قیم هند دارد که قریب دوازده فراموش نتوانیم نمود. شخصی که بدون هیچ فرض مال و وقت خود را صرف اتحاد قوم و ترقیات ملی مینماید حقوقش نه چنان است صکه تا قرون متوالیه از خاطرهای انبای ملت زدوده شود. لذا من خواهش میکنم که از طرف انجمن خطابه که مبنی بر عرض تشکر از زحمات ایشان باشد بدیشان تقدیم شود جمیع اعضا از صمیم قلب اظهار رضا و خوشنودی نمودند من بعد جناب منجم‌السلطان برای خاسته پس از اظهار تشکر از قدرهای اعضای انجمن بیان نمود که من بدانت خود آنچه در راه ترقیات ملیه کرده و یا زحمت کشیده ام از وظائف مأموریتی من بود دولت که سالانه بملتی گدافی برای مصارف من میدهد فقط برای سرپرستی شاهاست که در مقام فرزند مجازی اعلی حضرت شاهنشاهی مسئید و احکام مأموریتهای دیگر هم از قبیل معاملات تجاری و یا اور سیامق در پیش می‌آید بادی امر او نیز راجع بشاهاست. من آنچه کرده و من بعد نیز انشاء الله در ترقیات قومی خدمت نمایم از تکالیف مأموریتی خود می‌شمارم. با نیات مقدسه اعلی حضرت و بینهت بی منت ما و حسابات ترقی خواهانه حضرت اشرف شاهزاده صدارت عظمی و ترقیات محکمه متقنه صکه امروزه در وزارت خارجه حضرت اجل آقای مشیرالدوله نهاده وضع مأمورین و تکالیف آنها خیلی تدبیر نموده است بلکه میتوان گفت امروز جمیع ادارات دوائی ایران مانند سایر دول متامده منظم است. لذا میتوانم بشایم اطمینان کامل بدم که ازین و بعد چه در هندوستان و چه در سایر بلاد خواجه و داخله مأموریتیکه فرستاده شوند همه کار آگاه و خدمتگذار ملت و دولت از صمیم قلب خواهند بود. و من نیز از خداوند توفیق میخواهم صکه در خدمات ملیه و دولتی که بدو متواظفم پیش از پیش موفق نگردم

ملاحظه حال شرق و غرب

از شماره ۱۷

سیادت ام حاضره و قاره و ترقی ملل گذشته
 و موجوده از فوائد مخصوصه و نتایج خاصه نفس است -
 چه وصول بذروه عز و مجد و اوج سیادت و بزرگی
 ممکن نیست مگر در صورت اتفاق کلمه افراد يك
 ملت و اجتماع اشخاص آنقوم و اتحاد حقیقی در بین
 هموم و توفیق آراء و تساوی دستها - و هرگز کلمه
 قومی متحد نگردد و آراء و افکار موافق نشود مگر
 در پناه مساوات در حقوق و اشتراک در منافع و
 تساوی در بردن ثمرات زحمات و نتایج موفقات یومیه
 و تأمین افراد از یکدیگر و صداقت هر کدام در حق
 دیگران و راستی گفتار و کردار در معاملات و حسن
 معاشرت و حکمت اس و محبت - بقاء این امور
 موقوف است بشکلی اخلاق کریمه و اوصاف پسندیده
 عقلیه که بسبب آنها انسان حق خود را می شناسد
 و از آن تجاوز نمیکند و پای از حکایم خویشی
 بیرون نمی نهد و حقوق دیگران را نیز شناخته تعدی
 بمقوق آنان نمی نماید و فرائض وطنیه و تکالیف ملیه
 و نوعیه را دالته در اداء آنها مسامحه و محاطه
 روا نمیدارد - و اعمال شنیعه و افعال قبیحه را که نفس
 از آن مترجراست و منشاء و مبدأ آنها عادات قبیحه
 و اخلاق ذمیه است اجتناب و دوری واجب می شمارد -
 چنانکه تاریخ پالشان میدهد اوضاع امم گذشته را که
 درك مقام سعادت و سیادت نموده از ذلت و
 عبودیت بدرجات رفیعه شوک و عنیت نائل و فائز
 شده اند

فرائض ملت عرب که در کمال یسق و نهایت سعادت
 و تنگی زندگانی میکردند - چون بواسطه طلوع شمس
 بازغه احمدی و بعثت حضرت رسالت بنامی (سلم) که
 همه عادت بس و نیوت آن جناب تکمیل اخلاق
 فاضله بود که خود فرموده (بنت لاعم مکارم الاخلاق)
 ملت عرب را اخلاق وزیله از سر بدر رفت اخوت
 و برادری رواج یافت مساوات و مواسات معمول
 شد حقوق خود و سایرین را در ظل عنوان حرمت
 آموجت و ملکه نمودند و دانستند که همه افراد
 مسلمین در حفظ بیضه دین بنایه عقوبت یک هموارت

اند که هر يك موجب استحکام دیگر و تمام محافظ صورت
 يك مهارتند که (المؤمن للمؤمن کالبنيان بعد
 بینه بضا) و شناختند که اشرف ترین ناس کسی
 است که در حفظ اخلاق مواظبت و مراقبت نماید - و
 از زشت کاری دوری و تقوی را لازم داند اصل و
 نسب و آباء و اجداد را در حصول شرف و کرامت
 مدخلیق نیست - چنانکه فرموده (ان اکرمکم عند الله
 تقیکم) و معنی قول صاحب بیان قدس (مخلقوا با
 خلاق الله) و (خیر الناس من ینفع الناس) در لوحه
 خاطر ثبت و ضبط نموده با این جواهر اسلحه عقلیه
 که قوی ترین اساس همراهِ و ترقی و بالا ترین وسائل
 ظفر و کامیابی است از تنگنای جزیرت العرب و آبادی
 غیر ذرع و خس و خار مبدلان که محکمن دوان و
 قولان است پای بیرون نهاده در مدنی اندک حکوس
 القنار را بر سر بازار زدند و شرق و غرب عالم را مطیع
 و متقاد امر و نهی خود نمودند و مات عرب را تا
 ابد بلند آوازه کردند

ذلیل نقد اقی و ضعیف نگردد قومی و
 منشئت نقد جمعی و مضحل نکشت سامانق و متفرق
 نکشت اقی مگر بواسطه فساد اخلاق شان و راه
 یافتن خلل در خصال و طبایشان و پیدا شدن زشتی
 در صفات و عاداتشان چرا که فساد اخلاق و حصول
 اوصاف ذمیه باعث مبعود نفرت اشخاص را از يك
 دیگر و تباعد خیالات و تباین آراء و حدوث خیالات
 شخصیه و تعدی بمقوق سایرین و افتراء بر همجنسان
 و هتان وقاحت نکردن بمقوق خود و تجاوز از حدود
 معینه و دست اندازی بطرف دیگران و ناچار در این
 هنگام دستها که معین و مدد میدیگرند از هم جدا شود
 و هر يك دست آنها ماند و دست تنها صدا ندهد و
 حقوق مشقوقه و وظائف عامه و تکالیف نوعیه
 منهدم گردد (بقیه - دارد)

مکتوب یکی از خیر خواهان بصیر (از شماره ۱۷)

با اینکه در این عصر اختیار قفسه جنگ را بدست
 يك وزیر جنگ سپرده اند ولی از آدمی مانند (قره
 پانگین) این قفسه کسی بچید نیست زیرا غیر از اینکه
 بکس و بکس مدعیان نبوده خاصه بکس

ضروریست اگر مزید آن صفات شود. چنانگونه اشخاص
 حکه کبر و نخوت در دماغ آنان جای نموده هر
 مرکز از ماقبت کار نیندیشند و میگویند سخنانیک در
 نزد هیچ خردمند دانشور پسندیده نباشد. و قسه ها
 طرح میکنند که مقبول هیچ مهندس ماقبت بین
 نمیکرد. و سخنانی صرف مینمایند که کودکان بایکدیگر
 میسرایند که یکی از آن جمله لطفی است حکه جنرال
 مشارالیه در هنگامیکه که روانه میدان حرب منجوریا
 بود و جمیع جنرالهای معتبر جبهه مشابست این سردار
 بزرگ در ایستگاه راه آهن گرد آمده بودند در جمع
 بزرگان جایی را بر از شامین نموده و بدست گرفته
 و قدمردانی علم و بر سر با ایستاده و حضار را
 مخاطب سلطنت و گفت (مبنوشم بسلامتی اردوی شما
 امیدوارم بعد از چهار ماه در (توکيو) در (تیلر -
 بازیگر خانه - اسکتریا - دختران رقاص) واپوزا
 دور خود جمع نموده دو آنجا بسلامتی شما شامین
 نوشیده و صدای هورا را با تلگرافی بگوش شما برسانم
 و لاف و گفانی بسیار که واپوز را چنان محو خواهم
 مسکرد و مصادره را در (توکيو) جنین و چنان
 خواهم بست) اگر این سخنان از قول مطبوعات
 خارجه نشر شده بود کسی صحت آن را تصدیق
 نمی نمود چون روز نامه های روسیه نگاشتند مابده
 تأثر و نأسف کردید - که از قول آن جنان سردار
 بزرگی مطبوعات روسیه اینگونه سخنان را که بعد از فتح
 و ظفر هم شایسته شان بزرگان نیست بزبان آورند
 و انتشار دهند و در عالم بیادگار گذاروند چون اینک
 این سخنان را تمام عالم شنیده اند از آنرو گفتگوی
 ما در آنخصوص محل ابراد نیست. جنرال های واپوز
 هم هکذا لطفی نمودند که از آن جبهه امیرالبحر دولت
 مشارالیه (امیرال توکو) است وقتیکه میخواست سوار
 کشتی شود و عسکر خود را به جهازات جنگی در آورده
 و با لعل وطن وداع نماید درحالتیکه عساکر و مشابست
 کنندگان در ساحل دریای روسیه ایستاده اند آن
 امیرالبحر بانهمین معنی مردمی و جوهر غیرت ندا در داد
 (ای برادران من گان نمیکنم که جها از وظیفه خود
 آگاه نباشید ولی باز یاد آوری میزنم - اینک آمده است
 این جبهه حرب و مقابله با دشمن موجب بی افسوسه حقی)

تشناسی و وظیفه تمام ملت واپوست که نخستین ایشان شخصی
 شنید و اینست امیرالبحر واپوز میگوید باشد و جمیع
 اصناف ملت واپوز که از جانب عموم مبعوث و اجرای
 این وظیفه و ابغای این خدمت میباشیم یعنی فدای جان
 جبهه بدست آوردن - گوهر منصوره و حفظ حقوق و
 ناموس و شرف هیئت اجتماعی تکلیف ما فتح است
 و یا مرگ و بدانید این سخنان را بمن نوشته شامین
 نمی گویند بلکه لفظه عاشق و وطن مقدس میگویند جلال
 که دانستید وظیفه یاسرگ است با بدست آوردن شرف
 فرمائید بپس آن بابت های خود و ماده هرک (سپس
 باسینه و با دست بجانب کشتی ما اشاره نمود) این
 سخن (توکو) که میگوید لفظه شامین نیست گناه به لطف
 (قره باتکین) میباشد هوشمندان عالم البیابست در لطف
 سردار اروپایی و امیرالبحر آسیای تأمل و دقیق نموده
 خواهند فهمید (تفاوت ره از کجاست تا یکجایا
 باری از این سخنان صرف نظر نموده هم بر
 سر مطلب خود آیم. از مقدمه معلوم است که روی
 سخن بجانب (قره باتکین) و قسه اوست بعضی تبعیت
 فرمائش حکما که فرموده اند. کر کسی عیب متحصلا
 نکوید سخنش اصلاح نپذیرد اینگونه وزرای کونه نظر
 نزدیک بین مغرور بسی میشود که دولتی را بیلاهای
 ناگهانی گرفتار نموده و دولت با عزت و شرفی از
 نمر خود سستی و تکرر آنان دچار هرگونه نکتت می
 شود و يك سلطان صلح طلب خوش نیت را مجبور
 به جنگ مینمایند هر آنکو بتسلیم آشنا و از وقوایست
 تاریخی آگاهیست بوقوایستیکه از سوء افکار مند قریباتکین
 بروز نموده بی می برد هیچ مائل با الصافی نمیتواند
 این جنگ را از نتیجه افکار صلح پرورانه اعلیحضرت
 امپراتور روس بشمار آورد. چگونه میتوان تصور آورد
 در صورتیکه هنوز مرگ دعوت نامه های انجمن
 صلح عمومی که از جانب اعلیحضرتش به جمیع دول بشرف
 و قهریب فرستاده شده و مبعوثین همه دول و ملل را
 در (لاهی) انجمن فرموده بدو در صدد حریب طلبی
 بر آیند هیچ منتهی نمیتواند بگوید این دعوت یعنی
 بر قریبش بود بلکه امپراتور جوان با جرد و هوش
 در پلایه بود بلکه روزگار مردم را از سوء نتیجه
 جنگ آگاه مینماید تا چنانچه بعد از صلح جهانی

تبع اطلاق نفوس حکمة جمالی مبینا و بریا خواهند نمود که مازعات در آن حکمة قطع و فصل شود لذا ستوانند این باب سلامت بدست ایشان مفتوح آید و این سکه سادت بنام نامیشان زده آید. لذا ستود را بنام اساس صلح نامیده و در نالار اجمین صالح عمومی موقع تملیق عکس خود را بدست آورد که در زیر آن با کمال احترام نگذاشتند مؤسس اساس این عمل مقدس پس میخوانم گفت چنین امپراتور خوش نیت و نیک نفسی را مجبور بجنک نموده ورنه از روی میل و اختیار بوده بسبب داعیه چند نفر نفس پرست جنگ جو شدند یکی در هوای فرمانرمانی بود - و دیگری در آرزوی نور آزمانی - یکی را در مدعوس شهرت و دیگری را خواهش شوکت با امراض قلبی و خواهشهای شهوانی چه سکت بنام این امپراتور خوش نیت وارد آوردند در هنگامیکه جمیع فنلای و ادبای شرق و غرب نظماً و نترأ اهلحضرتش را میستودند و نامش را به ثریا رسانیده بودند دفعتاً از سوء افکار و رفتار چند نفر ممرض نفس پرست نتیجه برعکس شد - سوای آنکه نام او را در تاریخ عصر که دار نمودند چه قدر صدمه عالی و جانی بدولت و ملت وارد آوردند هرکس از حال والده محترمة امپراتور باخبر باشد میدان آن بانوی محترمة چه قدر ساهم النفس و به بی نوع رؤف و مهربان میباشد هرگز رضی نمیشود که از دماغ احدی خون جاری شود اینست که مور این داعیه محض دلسوزی پرستاری مجروحین را خود در عهده نموده پس باید تسلیم کرد این جنگ بر نوع فیصل شود باز (قرمباتکین) منفور ملت روسیه خواهد سگرید و ثمره بد نفسی خود را چیده و خسرال دنیا والاخره خواهد بود (باقی دارد)

مکتوب از تبریز

اجزای اداره نامه مقصود جلالالتین را زحمت افزاست از آنجاییکه زحمت اجزا و اعضای آن اداره اسلامی را در وطن خواهی و ملت نوازی ستودن اظهار بلائیات و در واقع توضیح واضح است - این بنامه را در آن پایه املاء و التالیف است سکه خود را در سکه مطهرین در آره که با رأی اوزین و جلالالتین جمیع حقوق ملت و دولت ایران را در

می نمایند - با این همه شروحنی در آیت سیالات ملی که زورنامه مبارکه است درج و نشر خوانمان است شاید بدین وسیله دست بکاری زینم که بعد از چندین سال با زحمات بانها توان نایل گردید

دوقره از وانمات نواقص وطن عزیز که این بنده بخوبی مسبوق و بی چشم دیده عرض می نماید - تا معلوم شود بدانند باین زودی با این اساس اخلاق ترقی افراد ما مثل ژاپون امکان ندارد و رفع این تعدیات جزئیة اهالی وطن که عرض حوامد کرد یکدفعه دشوار اول باید در رفع این عیوبات کوشید بعد از آن بمقامات عالی که - بر ملل ارتقا جسته اند قدم گذاشت

دولت علیه ایران هنوز در هر یک از ایالات بملاک محروسه چند پارچه دهات باسم خالصه دارد سکه مخصوص بدولت اهد آید است یعنی آنها را به نیول صاحبان مواجب و مستمری نداده و این دهات و قرای خالصه در هرولایت از جانب وزارت خالصجات بیسکه نفر واگذار شده آنها دهات و قرای خالصه را در ایام عبد هراج میگذازد که هرکس مرده را بخواند و از دیگران زیاد بدهد باجاره او بدهند در حقیقت تا یکسال رعیت آن قریه را بآن شخص بفروشد بخو محروس که باجاره دادند شخص باجاره دار با آن شخص تمام بآن ده تشریف میبرد رعیت باید جا و مکان او را معین و مخارج و اسباب استراحت مباشر را تیا باید و متحمل هر گونه مشاق او باشند اگر آن سال غله و محصول آن قریه خوب نباشد با آفتی برسد باجاره دار قریه و جیبی که داده برطایا باسم سرشکن و عوارض و غیره تحمیل نموده میگردد و ادا ملاحظه نمیکند که محصول شده رعیت متضرر گردیده از کجا بدهد رعیت متفرق میشود بدولت ضرر باید میگردد ولی خم ابروی او نمی آید بیچاره رعیت باید کلم خانه خود فروخته مالیات را پرداخت کنند و در سایر امور انصافی هم معلوم است که چگونه رفتار خواهد شد ظاهر است که وجه مالیات دیوانی را بطایا پرداخته و حکام خالصه هم بقدر امکان در اول سال از باجاره دار گرفته باز محض جلب فتنه خود رعیت را و آزار می نمایند سکه هر بنده حکام خالصه بلکه بولایات حالت تحمیل باید سکه انسان و رعیت و وطن را

مانده امروز جیره خواهیم داد فردا میدهم یکده
يك پناه دوست می کنند که جدها باید سه طه قراول
بکشید از یکطرف هم یوز باشی ها اشاره می نمایند هر کس
طعمیانه بدهد مرخص خواهد شد از میان اینها هم هر
کدام پولی پیدا نماید و بدهد مرخص می شود مجبوراً به کتف
از نصف فوج بنای جیره دادن میشود فوج خبر میدهند
فلان روز در سان حاضر بشوید از سربازهای مرخصی
شده هر کدام نزدیک شهر است حاضر می کنند بجای
سربازها که دورند قلمه اجیر میکنند و سان را میدهند
جیره را سر کرده و صاحب منصب میخورد لباس و
پوشش سرباز و توبیخی را شرح دادن اسباب بدلتی
است دولت هم مراجب و هم جیره و هم لباس میدهد
ولی هم قدر میرود

خوب است اول قرار بگذارند که طلیات هر قدر از
رعیت هر قسم گرفته می شود بدولت برسد در صورتیکه
دولت بقانون مواجب و جیره میدهد چرا دیگران بخورند
و بجه جبهه برای یک نفر سرباز پادار صاحب ملک واکه
رعیت دولت است از یا بیندازند با یکده این قرار
پادار برداشته شود یا پسر و برادر و خود صاحب ملک
و طلیات را سرباز و توبیخی نباید منظور ازین تطویل
و کتیرج ایست که بی اعتدالی و اجحاف از خودمان
است که همه عادت کرده و راضی نه می شویم که قرار و
قانون و نظمی در ایران بشود دولت در عوض سرباز
از املاک پول بگیرد و خود سرباز گرفته مواجب دهد
اولی است ولی صاحبان مناصب افواج بگذارند تا قانون
و نظمی اجری گردد و اشخاصی را که در افواج منصب
میدهند از دهباشی گرفته تا سرخنگ هر کدام وجه
معینی دارند باید بسربیب فوج بدهند مسلم است که
نه این سربیب میتواند بچنین نوعی حکم بکند و نه این
فوج بوظائف خود عمل خواهد نمود و تصور همه اینها
راجع بخدمات است که عادی بان حاصل گردیده اعلی حضرت
اقدس هابونی که پادشاه رؤف و مهربان حاصل ناپسندیده
است با این همه مفت خورها چه کند بکدام يك صلح
شود کدام یکی را قهر فرموده کدام را عمل اطمینان
دانسته نرم فرطید اگر از دولت خارج می آورد این
مفت خورنها اهالی را اغفال میکنند مگر در ایران تمام
خارجی می آوردند و جنرات باقی در میمانند

تکرت زده همان عرض حال را حکم خالصه بوزارت و از
آنجا هم به دولت تقدیم شده آخر سال مبالغی هم از
اصل مالیات بریده بدولت نمی دهند طلیات دیوانی با
زیادتی از رعیت دریافت شده و از دولت هم مبالغی کم
نموده اند همه بکلیه مفت خوران رفته خالصه جلت و
قطعات و دهات نیولی هم باین منوال اجاره رفته و
سال بسال باین وتیره رعیت پریشان و متفرق میشود

بعضی از وطن خواهان در باب پشرفت عساکر
دولت علیه مقالات عالی می نویسند و طرح انداز بسیاری
مفیده مینمایند بفقیده نگارنده بدوا معایب را باید فهمید
سرباز و توبیخی و سوار دولت چندین سال است که
از صاحبان املاک گرفته می شود این نقره بکلی کارها
را ضایع نموده اغلب سرباز و توبیخی از اشخاص لاابالی
و بی سرو پا شده که صاحبان املاک پول داده عوض
می گیرند وقت سر توبیخی باید اول یوز باشی را دیده
باو چیزی داد که قبول آن سرباز را به نماید بعد از
آن باور فوج و سرخنگ و سربیب هم التماس دعا دارند
و بعد بپاره اینها را که راضی کرد هر سال باید وجهی
به سرداران بدهد ورنه نوعی میکنند سرباز املاک را
سکه فرار نماید یا بطرفی برود فردای آن يك نفر مأمور
فرستاده میشود که سرباز فلانی فرار نموده باید عوض
بدهد فوج کسر نمیتواند بپاره صاحب طلیات هر چه
داد و فریاد کند که فرار نموده پیدا نماید بگیرد اثر
نمی بخشد دولت رجوعی بان کارها ندارد باید حکماً سرباز
خود را دو باره بدهد دیگری را پیدا می نمایند بطریق
اول عذر پیش می شود که این فلان عیب دارد و فلان است
باز وجهی گرفته او را قبول می نمایند اما کسیکه سرباز و
پادار او فرار نموده و سه مداخل صاحبان مناصب و
سربیب شده او را بيك اسمی که معلول است یا ندانش
اقتاده فتنک را نمیتواند در محاربه بدندان گیرد سزول
مینمایند که جرئت دارد بگوید بابا چه سرباز کدام محاربه
و این سرباز و توبیخی که این قدر هستند غالباً ساطای
دواز سفر نمی بینند دولت هم مواجب و جیره میدهد
پولی سر کرده بسرباز نمی سپارد هر نحوی باشد سالی
یکده بپهرها خبر قراول میدهند هر سرباز پنج شش
تومان مام مرخصی است و آنها بیک پول ندارند حاضر
اگر اول بپوشند به چهار ماه با هم قراول هر شیر حال

پیدا نمیشود که از پول خارجه حاکم و سرکرده بمسلمانها
خارج آردین را مکتوب میفرمایند

بعیده این بنده کم نام اصلاحات و نظم در اول
مرحله بدون تأیید مردمان صاحب علم از دول خارجه
حلی مشکل است چنانچه اغلب دول باین اصول رفتار
نکردند. بعد از آنکه خود اهالی در قنون و علوم تربیت
شدند پراش پراش مردمان خارجه را جواب گفته خودشان
بسرکار آمده منتظم گردیده اند بخواه مروض اجرای
نظم و رفع اجحاف و تعدی مقرون بصلاح و صواب
است و زود تر کارها اصلاح میشود نه بنوعی صککه
بعضی صاحبان قلم و رأی صلاح می دهند باید از خود
اولاد وطن همه کارها مباشرت نماید صاحبان علم در
حکومت ما علوم حرب و تواریخ فتوحات و قنون را خیلی
داریم میباشند بی انگار وجود دانشمندان داخله را
نمیدانند و لی نه بآن پایه که کافی همه کارها تواند
شد ولی تجربه دیگران در طبابت یکی تجربه در کار و
دیگر کلاه فرنگی امروز خیلی کار میکند قانون بهتر
از قانون شرع انور نیست ولی تعلیم قشون دوشربیت
که بجه نحو باید باشد بخاریم آنها را باید بنا مصلحت
وقت تربیت سکندر و تنظیم نمود تا قانون شریعت را
بیتوانند اجری دارند. جهاد واجب است مشقت را
بیتندان نمی توان زد راه جهاد را باید آموخت تا بتوان
جهاد کرد و الا دانسته و فهمیده خود را بهلاکت
تفادختن منسار شرع انور است

وطن حواء (م - ع - م - م)

حکومت وزارت نظایه طهران

قل لمن یطلب العلاء بهون * و توان لند ضلالت الشقه
لن ینال الفی قلامه ظفر * منه الاعلی طریق اللدقه
کتر نفسی است در عالم که طالب واحد و آسایش
و مایل باسراحت و آرامش و راضی به مشورت و
خوشی و هواخواه دعوت و شادی نبوده یا از زحمت
و مشقت کراهت و قنوت نداشته باشد و بالطبع هر
جسمی در حالت سکون و وقفه و حرکت هوا
عمرک و بسی لازم است پس چیست آنکه قنوی هوا
بسی حرکت یافته بجهول و بیجهود بجهوده و خوابد بر
پایه خوابانیده و در اکثر سیاحت و بیرون رفتن با مشورت

و عذاب و آله ...

اهل خطیره و مهم شاقه و زحمت بی اندازه دست
نیکند؟ آیا این دایمی و محکم بر این حرکات فوق
الطافه کدام است؟ که هر شخصی را که ملاقات کنیم
از اکتاب و رنج آنها شکایت میکند و از دوتا شدن
گرم و سست شدن زانوها و سفیدگفتن مویها و فتادن
اسنان و شکستن استخوانها و کم شدن نور باصره می
نوحه و نده و شکایت مینماید مع هذا از عمل و
زحمت طفره نمیزند و شاه از کار خالی نمی میکنند
هر روز صبح از خانه در عقب مشاغل و شواغل
بگذرند روزیکه از آسمان چون دهنه مشک آب فرو
مپزند و گل ولای آدمیرا مجال حرکت نمیدهد یا آنکه
خورشید چون آتش سوزان بدن را سوزانیده و غبار
تیره چهره فضا را تیره نموده با اینکه فتوری در عینم
و نسف در عینت ظاهر نمیکرد؟ هانا آرزو و موس
بجد و شرف و تحصیل مرتبه بلند و مقام ارجند و
ادراک سعادت و نیل بدرجات عالیه و غیرت ملیه و
وطنیه و شخصیه و هوای استعلاء و رفعت است که
آدمیرا چون جرخ بخسار داتا و علی الاتصال مجبور
تجمل مشاق نموده چه مجال است نفسی بتسلی رفیع
نازل شود مگر از اثر مشقت و صبر بر زحمت و دامایان
تصریح کرده اند که سر هر عمل صبر و مشقت و تعب
است عالم شهر (نون) که از کثرت شهرت مستغنی
از تعریف و تمجید است و بمحذات معروف میگوید
(حذات صبر است) (دوستی است) وزیر اعظم انگلستان
گوید (سر وزیر اعظم یعنی آنچه او را بدین مقام
رسانیده صبر و مشقت است) و نیز (چارلس) مشهور
گوید (انگار و تصورات من قطع نمیداد مرا اگر نبود
رنج و ضاء روزاه و صبر و تحمل یومیه) پس
فالحقیقه شأن و اعتلاء و احراز مرتبه منیع در قلوب
و جود و وصول باین مقصد اعلی ممکن نشود مگر
بصبر از بل مشقت و ضاء و تنگه رنج و اناه چنانکه
شاه صبر و حبر خیر گفته است

انی بصوت بذی الدنیا ظم ارها

الا تمر علی جسر من اللهب

... عجب معرکه عظیمی است میدان مشقت و محنت که
آنها بنگاه سعادت و جلال و امتیاز و غیرت و

همت است صفا غیرتندان بلند خیال تکاور دزوی
 بچولان آورد و سرعت بری و باد خود را بنقطه
 مقصود رساند و تبالان پست فطرت و دوز همت مانده
 لنگ شوند هیچ دولتی باوج کمال نرسیده و هیچ
 ملتی بتمام عزت و شوکت ترقی نموده و هیچ قومی را
 ضروری و سرافرازی حاصل نکشته و هیچ قاملی
 صاحب رتبه مجابت و اصالت نشده مگر بسبب تحمل
 بار زحمت و مشقت اگر مشقت بودی ملل متوحشه پای
 در میدان تمدن و تربیت نمیباشد و اختراعات عجمیه ظاهر
 نمی ساختند و بجزو راحت ابدی قائل نمیگردیدند و سر
 افتخار بر آسمان نمیبردند چه خوب گفته متنی

(لولا المصنعه ساد الناس کلهم * فالجود یغفر والاقدام قتال)
 یعنی اگر سیادت و بزرگی را وسیله دیگر جز مشقت
 بود همه کس را سیادت ممکن بود - این عاقبت مغرب
 زمین و صفحه اروپا صفا در قرون وسطی
 سرگردان صحراء جهالت و بربریت و متفرق در دریای
 وحشت و قلاکت بود - منزل در پست ترین درکات ذات
 و مسکنت داشتند امراءشان در تخریب بلاد سامی و
 و رعایا از شدت ظلم و اذناء بمرگ راضی صنایع و
 بدایع معدوم گشته عزت و مکنه از آندیار رخت
 بر بسته ام و امان فرار کرده شهرها خراب و دریا
 های تروت همونه سراب گفته عقول در جهالت فرو
 رفته و نفوس در رذالت و ذلالت خریق شده - تا آنکه
 برخاستند جوی با همتان غیرتند و فیلسوفان ارجمند
 بجهت نوع بشری و آسایش جلس السانی بنام
 (نیلانوب - محب نوع) و سردهانه دایمان همت بر کر
 استوار صکردند و متحمل مشاق بیابان و زحمت
 پیگران گشته هم اروپا را بهشت عدن نمودند علوم
 و فنون را اشاعه داده جهل و نادانی را پایمال و
 نگولسار کردند اوام و ظنون را که سد راه ترقی است
 از لوحه خاطرها سترند - انسان را بر بخار و کهربا
 سوار کردند و اسفار طولانی بخار را مختصر و خطهای
 فزون از حساب را مرتفع ساختند همراهی بی آب
 و گیاه را که مسکن بود همونه جکات شده نمودند
 تا آنکه نور را مسوود آثار و حکایک هر صورت و جمال
 و برقی را رسول اخبار صکرتند پس برده قلند از
 عادی افسار برداشته شد و نیز اقبال ساطع و لامع

گشت سلطان طلال بر سر بر حکمرانی و هوشن فرکان
 روانی جلوس نمود و زلال ناپود و تبایح منقود و
 هاستن موجود شد آتاک و آکادرب ساقط شرافات
 و اساطیر اولین منهدم گردید نه نجومرا در نزد
 شان اسکانی و نه چشم را نسپاسی نه سحر را اثری
 و نه اژدیو و غول خپری نه رمل را تأثیر و
 نه احلام را تعبیر و نه کیمیا را استعماله بساطت و
 نه بین موجود و معدوم و ساطت - بلکه کشف مجهولات
 و ابداع مخترعات و اکتشاف معقولات و ایجاد روابط و
 تشریح قواعد و ضوابط نمودند - پس آنجا خورشید در
 مقر خود ایستاد و زمین بر محور خود گردش نمود حکمت
 لباس کمال زر بر کرد و آداب جامه تجلیل پوشید -
 علم بیان کرد اسرار طبایع و اجسام را و شریعت جفا
 کرد حقایق و اوام را

بالجمله انسان غربی را اسلط بر کائنات دست
 داد - با شغانت بخار هوا طیران صکرت و بوسیه کهربا
 شرق و غرب را بیکدیگر متصل نمود عناصر طبیعت
 مکشوف تجزیه و ترکیب معلوم شد معادن کشف گشت
 و بیری طب بلند گردید امراض صعب العلاج بقوت علم
 و تب تجربه و امتحان استلاج شد افعال عظیمه که
 از کوه فزون تر بود از اثر زحمت علماء میکانیک جناح
 سبک گردید صفا طفلی باعانت آلات تواند فرسنگها
 حرکت داد و بسدها متر ارتفاع برد - اسرار سیاسی
 و دقایق فلسفه و مباحث علمیه و حقایق قیه روشن
 و نمایان گشت قوانین سیاسی مستحکم و بنیان استبداد
 و لجابت منهدم گردید

خلاصه سخن آنکه محال و غیر ممکن است ملتی
 صاحب ذنون و رتبه شده و در جزء ملل حیه داخل
 شود و دولتی پای در وادی عظمت و اقتدار و
 استقلال نهد مگر بواسطه دو چیز که هر قدم و تفرقی
 را بجزه دو بال و عنایه دو دست اند

(اول) آنکه برخیزند از میان افراد آن ملت
 جوی که در حیل همرازان خوب و لغور را بر خود
 حرام نباید و در راه جلب علم آسایش خویش را گناه
 بزرگ بداند و سائل ارتقا را اتخاذ کتبه و عبور و
 خود تسبیح و سائل حیاتیه بگوشش و جهد بلخ نماید
 (دوم) آنکه اخلاف در مسائل سیاسی و

شماره ۱۲ (۱۳۲۷) - فصلنامه (۱۳۲۷) - شماره ۲۳ - خرداد (۱۳۰۵) - شماره ۱۰

گروید معزی‌الیه را با مائش خدمات لایق و زحمت
تایفه باحصای یک حلقه انگشتری. لباس بریلان از درجه
اول فرین سرپندی و امتیاز برمودند

حبل المتین

بهترین عطایا و خلائع و مواهب آلتک بارباب
استحقاق و لیاقت داده شود تا موجب دل‌گرمی
مستحق و مورت تشویق و ترغیب دیگران گردد و
گروه هر روز هر کسرالقب و خلعت بخدمت اختیار
و شرف این امر بزرگ را سعکته میزند و چون
جناب منصورالحکماء بحقیقت لیاقت و قابلیت این
موهبت را دارند و مکرر صحت معالجات ایشان تجربه
رسیده است لذا معزی‌الیه را تهنیت میگوئیم و جناب
کالات حاب حاجی میرزا مرتضی عریف‌الاطباء والد
معظم ایشان را بقرینت چنین فرزند محظوظ تشکر
میکنیم و امیدواریم همگی در تربیت فرزندان خود
اقتداء معزی‌الیه نمایند

اخبارات تلگرافی

غیر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که جنرل
(استاسل) حلف نموده از نگاسکی که بندگاه ژاپون
است بجانب روسیه راهپار حوامد گروید

دو ساعت کامل در بندر آرتور بین جنرل [توکی]
و جنرل (استاسل) مشوره بود عاقبت قرار بر این
دادند که مجروحین و بیماران روس را در بندر چین
تقسیم نمایند

وقایع نگار (نیویارکهرلد) می‌نویسد که از دسته
جهازات امیرالبحر (روسی دیستونسکی) جهازیکه
موسوم به (نیوسوباروف) و حامل نشان بحری بود
بکوهی مصادم و غرق شده است

امیرالبحر جهازات البتیک [روسی دیستونسکی]
را روسیه طلب کرده اند

امیرالبحر دسته جهازات [ولادپوستک] [اسکرید
لوف] که در پتروسبرگ طلب شد حسبالحکم امپراطوری
یکی از اصصای مجلس بحری مقرر خواهد گردید

غریق جهاز [بتروسباروف] که حامل نشان بحری
دسته جهازات امیرالبحر [روسی دیستونسکی] بود
در پتروسبرگ تصدیق نمی‌نمایند

هرآینه تابع اسلاف شوند (راگر قدری باریک و دقیق
در فهم این مطلب مبعوید عرض کنم) بسیار واضح
ماده و میکروب مهیج یلیاجت و باخوشی استبداد
یکجی مرتفع گردید مثلا اگر یکی از سیاستمداران
سکوه نافع بحال عموم است موضوع بحث نباید و در
آن بحیثوس اقدامات لازمه بکار رود و وسیله هر
آسودگی دولت یا ملت فراهم کند دیگران با اوضدیت
و عناد نوریزد و خسومت نمایند و چون پیشروع
اورا فرین جواب و مطایبق بقول الوالیاب یافتند
بیروی کنند و دراستحکام آن اساس بکوشند و تکمیل
آن مهم را وظیفه شخصی و نوبی خویش دانند و
این مسئله بسی روشن و مبین است که احتیاجات اسلاف
بسیار و لوازم حیویتی اش پیشمار است تجربه زیاد در
هر جزئی کار او را بسیار و هر آدمی حکیمانی
تیه پاینده مهم و تحصیل این همه تجربه را نماید مگر
آنکلاحتین خیالات مستیجسه سابقین را از دست ندهند
و گنجهای افکار شانرا بر ایگان فروشد و از نوینادی
دیگر نریزند بلکه در تکمیل نوانصی و رفع معایب آن
جیوجهد میکنند و بیروز زمین عمرهای اسلاف و
احیای و خیالات گذشتگان و آیندگان را رشته متصل
نمایند و سلیقه آنها را از همدیگر جدا و منقطع نسازند
تا بادی تصور که محل امن و سلامت و سرمزله
خلوینتیق و سعادت است برسند چنانکه یک نفر بنام
که مشغول بنیان یک عمارت است اگر در هر روز
فکری جدید نماید و کل بوم بنیاد را از سرگیرد و
روز بعد بکلی از افکار و بنیان پیشین صرف نظر
کند خیال تازه و عمارتی نو شروع باید و زحمت روز
گذشته واهباء منثور گرداند هیچ گاه بانجمام تمام
موفق نخواهد شد پس باید ایام متوالیه و روزهای
حتیالیه را بمنزله روز واحد حساب نموده هر روز
که وارد مبعوید دنیاچه همان خیال اول و اندیشه نخستین
را گرفته در انجام آن سعی شود. (باقی دارد)

بکرمت خسروانی نقل از جریده تربیت
چون مراتب جدالت و مهوریت جناب فضائل
جناب منیع علمی منصورالحکماء از اطیباء جرحخانه
مبارک دام ایجاب رود همالجانین خلیفان جرم جلال
و در کتب طبیت و جرم آستانه آسایه جرح خسروانی

جزل [سخاریف] خبر میدهد که درخشش میلی
شمال [میچنگ] فراوان روس سیم تلگراف و خط
راه آهن ژاپون را خراب کرده و يك [آهن] راه
آهن ژاپون را از خط خارج نموده اند

جهازات جنگی بندر (آرتھر) تاکنون درست دیده
نشده که قابل مرمت و استعمال هستند یا نه و چنان
تصور می شود که چون روسها بسجلیت در غرق آنان
اقدام کرده قابل مرمت میباشد
غیر [روتز] از بندر آرتھر خبر میدهد که جمیع
اسرای روسی را از بندر آرتھر ژاپونیاں حرکت داده
بطرف [دالی] فرستادند دسته های قشون ژاپون
برای انتظام وارد بندر مذکور شدند در داخل
پوناز بندر آرتھر ژاپونیاں حملات بحری فرستاده
تاسرنگ و سایر موانع عبور و مرور را خارج نمایند
تبدیل توبهای قلاع و تسخیر بندر (آرتھر) کامل شد
حکومت [کوریا] جمیع دول را اطلاع داده که
ژاپونیاں در [کویلیوت] وارد شده قلعہ بندی مینمایند
[کویلیوت - جزیره بین ژاپون و کوریا و واقع در
راه [ولادپوستک] است
غیر [روتز] از [پتسبرگ] خبر میدهد که
دوردرای روس هنوز تصفیه نشده است که امیرالبحر
[روسی دیستوینسکی] را طلب نمایند یا نه
در فروغاندن بنوای [مسککو] از بس پلیس
و سپاه ظلم نموده اند اداره بدهیه مواجب آنها را
جلو گرفته تا بعد از تعیین تصورواران و بی تصوران را
مواجب دهد
در باره ظلمی که حملات حکومت در فروغاندن
بداوت شاگردان مدارس روسیه نموده بدستخط جمیع
اعاظم اوراق زیادی بروزاجات رسیده در آن اوراق
نوشته است که بعد از اینکه در مملکتی بدین صراحت
ظلم بشود امنیت حال اندر حال است
استدرد در فتح بندر آرتھر می نویسد که خانه
جنگی شد که قلع و مفتوح و غالب و مغلوب هر دو
مفتخر اند
مارسنگ بست می نویسد که قبضه بندر (آرتھر)
شجاعت فوق العاده بر ژاپون ثابت نمود
دلی تلگراف می نویسد که بندر نیباده قشون

ژاپونیاں را قشون غلبی طای و نیروی قشون بشیلا
اهم میسر آمدند
جزل قواسل ژاپون متیم بهی رسماً چنین اعلان
داده - رپورتیکه شب یکشنبه از اردوگاه بندر آرتھر
رسیده ظاهر میدارد که لشکریان ما یوم شنبه بساعت
ده روز دیوار جلو قلعه [کوشنوشان] را با سرنگ
متخلخل ساخته از همان راه یرش آورده بساعت یازده
وارد قلعه شدند دشمنان حصه بجانب جنوب قلعه فرار
کرده و حصه نیز در منازل خرابه های سرنگ
پنهان گردیدند
در قلعه (شن شوشان) دو افسر و یکصد و شصت
لشکریان روس که در زیر آوارها پنهان شده بودند
یکصد و پنجاه نفر سواران اسیر گردیدند
توبهای زیاد با اشیاء و آلات و ادوات جنگی و
تا ملکی بسیار بقبضه قشون ما آمد در شام شنبه قلعه
شرقی قدیم بندر (آرتھر) را لشکریان ما خراب کردند
رپورتیکه سوم دو غنچه از اردوی بندر (آرتھر)
رسیده ظاهر میدارد که لشکریان ما قلب لشکر دشمن
را از جای کردند و قلعه (ایچ) را بساعت هفت
تاریخ اول جنوری متصرف شدند از آن بعد قلعه
جدید (تیلنگسان) را قبضه نمودند همین وضع
جمیع قلاع بین (ایچ) قلعه و (تیلنگسان) همه به تصرف
ما آمد - مینمونه لشکر ما بساعت هشت صبح برکوه های
جنوبی حمله نموده با اینکه دشمنان منتهای شدت و
سختی را نمودند (سنگ بنگ تن) قبضه قشون
ما آمد
اول جنوری بساعت نه شب خط جزل (استاسل)
سردار روس رسید
شب دوشنبه جزل (توگو) چنین خبر میدهد
که شرایط را جزل (استاسل) قبول نمود کاملاً شرط
نامه بین وکلای طرفین در تاریخ دوم بامضا خواهد
رسید (مارشل دها گاما) از جانب امپراطور ژاپون
به جزل (توگو) تلگراف نموده که جوان مردی و شجاعت
و دانی جزل (استاسل) در قشون مدافعه و جان فغانی
که در راه دولت خود کرده قابل تمجید و تحریف
است لذا با اعزازات لشکری او را به پذیرند
در رپورت دیگر جزل (توگو) خبر میدهد که

جزل [سخاریف] خبر میدهد که درخشش میلی
شمال [میچنگ] فراوان روس سیم تلگراف و خط
راه آهن ژاپون را خراب کرده و يك [آهن] راه
آهن ژاپون را از خط خارج نموده اند

جهازات جنگی بندر (آرتھر) تاکنون درست دیده
نشده که قابل مرمت و استعمال هستند یا نه و چنان
تصور می شود که چون روسها بسجلیت در غرق آنان
اقدام کرده قابل مرمت میباشد
غیر [روتز] از بندر آرتھر خبر میدهد که جمیع
اسرای روسی را از بندر آرتھر ژاپونیاں حرکت داده
بطرف [دالی] فرستادند دسته های قشون ژاپون
برای انتظام وارد بندر مذکور شدند در داخل
پوناز بندر آرتھر ژاپونیاں حملات بحری فرستاده
تاسرنگ و سایر موانع عبور و مرور را خارج نمایند
تبدیل توبهای قلاع و تسخیر بندر (آرتھر) کامل شد
حکومت [کوریا] جمیع دول را اطلاع داده که
ژاپونیاں در [کویلیوت] وارد شده قلعہ بندی مینمایند
[کویلیوت - جزیره بین ژاپون و کوریا و واقع در
راه [ولادپوستک] است
غیر [روتز] از [پتسبرگ] خبر میدهد که
دوردرای روس هنوز تصفیه نشده است که امیرالبحر
[روسی دیستوینسکی] را طلب نمایند یا نه
در فروغاندن بنوای [مسککو] از بس پلیس
و سپاه ظلم نموده اند اداره بدهیه مواجب آنها را
جلو گرفته تا بعد از تعیین تصورواران و بی تصوران را
مواجب دهد
در باره ظلمی که حملات حکومت در فروغاندن
بداوت شاگردان مدارس روسیه نموده بدستخط جمیع
اعاظم اوراق زیادی بروزاجات رسیده در آن اوراق
نوشته است که بعد از اینکه در مملکتی بدین صراحت
ظلم بشود امنیت حال اندر حال است
استدرد در فتح بندر آرتھر می نویسد که خانه
جنگی شد که قلع و مفتوح و غالب و مغلوب هر دو
مفتخر اند
مارسنگ بست می نویسد که قبضه بندر (آرتھر)
شجاعت فوق العاده بر ژاپون ثابت نمود
دلی تلگراف می نویسد که بندر نیباده قشون

جزل [سخاریف] خبر میدهد که درخشش میلی
شمال [میچنگ] فراوان روس سیم تلگراف و خط
راه آهن ژاپون را خراب کرده و يك [آهن] راه
آهن ژاپون را از خط خارج نموده اند

جهازات جنگی بندر (آرتھر) تاکنون درست دیده
نشده که قابل مرمت و استعمال هستند یا نه و چنان
تصور می شود که چون روسها بسجلیت در غرق آنان
اقدام کرده قابل مرمت میباشد
غیر [روتز] از بندر آرتھر خبر میدهد که جمیع
اسرای روسی را از بندر آرتھر ژاپونیاں حرکت داده
بطرف [دالی] فرستادند دسته های قشون ژاپون
برای انتظام وارد بندر مذکور شدند در داخل
پوناز بندر آرتھر ژاپونیاں حملات بحری فرستاده
تاسرنگ و سایر موانع عبور و مرور را خارج نمایند
تبدیل توبهای قلاع و تسخیر بندر (آرتھر) کامل شد
حکومت [کوریا] جمیع دول را اطلاع داده که
ژاپونیاں در [کویلیوت] وارد شده قلعہ بندی مینمایند
[کویلیوت - جزیره بین ژاپون و کوریا و واقع در
راه [ولادپوستک] است
غیر [روتز] از [پتسبرگ] خبر میدهد که
دوردرای روس هنوز تصفیه نشده است که امیرالبحر
[روسی دیستوینسکی] را طلب نمایند یا نه
در فروغاندن بنوای [مسککو] از بس پلیس
و سپاه ظلم نموده اند اداره بدهیه مواجب آنها را
جلو گرفته تا بعد از تعیین تصورواران و بی تصوران را
مواجب دهد
در باره ظلمی که حملات حکومت در فروغاندن
بداوت شاگردان مدارس روسیه نموده بدستخط جمیع
اعاظم اوراق زیادی بروزاجات رسیده در آن اوراق
نوشته است که بعد از اینکه در مملکتی بدین صراحت
ظلم بشود امنیت حال اندر حال است
استدرد در فتح بندر آرتھر می نویسد که خانه
جنگی شد که قلع و مفتوح و غالب و مغلوب هر دو
مفتخر اند
مارسنگ بست می نویسد که قبضه بندر (آرتھر)
شجاعت فوق العاده بر ژاپون ثابت نمود
دلی تلگراف می نویسد که بندر نیباده قشون

جزل [سخاریف] خبر میدهد که درخشش میلی
شمال [میچنگ] فراوان روس سیم تلگراف و خط
راه آهن ژاپون را خراب کرده و يك [آهن] راه
آهن ژاپون را از خط خارج نموده اند

جهازات جنگی بندر (آرتھر) تاکنون درست دیده
نشده که قابل مرمت و استعمال هستند یا نه و چنان
تصور می شود که چون روسها بسجلیت در غرق آنان
اقدام کرده قابل مرمت میباشد
غیر [روتز] از بندر آرتھر خبر میدهد که جمیع
اسرای روسی را از بندر آرتھر ژاپونیاں حرکت داده
بطرف [دالی] فرستادند دسته های قشون ژاپون
برای انتظام وارد بندر مذکور شدند در داخل
پوناز بندر آرتھر ژاپونیاں حملات بحری فرستاده
تاسرنگ و سایر موانع عبور و مرور را خارج نمایند
تبدیل توبهای قلاع و تسخیر بندر (آرتھر) کامل شد
حکومت [کوریا] جمیع دول را اطلاع داده که
ژاپونیاں در [کویلیوت] وارد شده قلعہ بندی مینمایند
[کویلیوت - جزیره بین ژاپون و کوریا و واقع در
راه [ولادپوستک] است
غیر [روتز] از [پتسبرگ] خبر میدهد که
دوردرای روس هنوز تصفیه نشده است که امیرالبحر
[روسی دیستوینسکی] را طلب نمایند یا نه
در فروغاندن بنوای [مسککو] از بس پلیس
و سپاه ظلم نموده اند اداره بدهیه مواجب آنها را
جلو گرفته تا بعد از تعیین تصورواران و بی تصوران را
مواجب دهد
در باره ظلمی که حملات حکومت در فروغاندن
بداوت شاگردان مدارس روسیه نموده بدستخط جمیع
اعاظم اوراق زیادی بروزاجات رسیده در آن اوراق
نوشته است که بعد از اینکه در مملکتی بدین صراحت
ظلم بشود امنیت حال اندر حال است
استدرد در فتح بندر آرتھر می نویسد که خانه
جنگی شد که قلع و مفتوح و غالب و مغلوب هر دو
مفتخر اند
مارسنگ بست می نویسد که قبضه بندر (آرتھر)
شجاعت فوق العاده بر ژاپون ثابت نمود
دلی تلگراف می نویسد که بندر نیباده قشون

جزل [سخاریف] خبر میدهد که درخشش میلی
شمال [میچنگ] فراوان روس سیم تلگراف و خط
راه آهن ژاپون را خراب کرده و يك [آهن] راه
آهن ژاپون را از خط خارج نموده اند

و هفت توپهای متوسط و دو توپهای ماشین دار
خلیعت شد

انظمامات شهر کامل شده در آنجا ده هزار نفر
بومی بود و بیست پنج هزار قشون که من جمعه بیست
هزار بیمار اند و مجروح خوراک بسیار کم باقی مانده
لوازم صحت شان همه ختم صحراییه است ژاپونیان
با منتهای قدرت خود مشغول به ناپید و کک بیماران
و مجروحند

§ جہازات جنگی زیادی از ژاپون از (انجر) عبور
نموده اند

§ خبر (روت) از (پترسبرگ) خبر میدهد که (سیو)
کیدنا ناکف (وکیل مجلس حکمیت حادۃ دریای شمال
بروسیه عودت و امیرالبحر (نایب) با لوف) بمده وی
برقرار آمد علت این تبدیلی ابدا معلوم نیست

§ قرضۃ جدیدی روس را لازمه شده صدی چهار
و نیم سود معین صکرده و مقدار آن بیست و پنج
ملیون ابراست

§ پست خانه (منیسک) بواسطۃ بستۃ اماناتی که از
اشیاء حراقه در او بود محترق گردید (منیسک) بین
(ورشو) و (مسکو) واقع است

§ در بارۃ سرحد بندی عدن باهالی تکالیف دولت
انگلیس را با ترمیمات لازمه منظور نموده در بین دو
سرحد یک امارت مختصری خود سر تسلیم خواهد شد
§ بطریق نیم رسمی در (پترسبرگ) اعلان شده که
در (بولیند) سه مقام راه آهن را سخت سدیه رسانده
اند و نقصان نیز خیلی وارد آمده است نگهبانان راه
آهن را زیاد نموده اند

§ امیرالبحر (کیندناگوف) را بعلت علالت از مجلس
حکمیت حادۃ بحر شمال تبدیل دیگری را بجای او
مقرر داشتند

§ در (سیول) بای تخت (کوریا) خیلی انقلاب به نظر
میرسد مجلس عدیده در هر گوشه منقذ میشود بر
حایت ژاپونیان - در مقابل عمارت شاهی بلوی شده
دوازده نفر از نگهبانان (کوریا) بلواییان را بقتل
رسانیدند راه ما بر است از قشون ژاپون

§ وقایع نگار (استیسین) می نویسد که آخرین

بسات دوازده یوم دو شبه قلعه (تنگ کیک وان
شن) و قلعه (کیو) را دشمنان خالی کردند ازین
رو چند قلعه دیگر جنوب و کوه های (رن) و
(ایم) به تصرف ما آمد

باقی مانده صکحتیهای خود را دشمنان در بندر
آرتبر آتش زدند - اقدامات جنگی ما بواسطۃ مخبرات
آفاق از صبح معطل ماند

امروز صبح بدین گونه رسماً خبر رسیده است شروط
تسایم روسیان یازده است و تاریخ دوم دستخط شد -
شروط اصلیه ازین قرار است تمام قلاع و قورخانه و
اسلحه و توپها و جمیع اشیاء دولتی را باید سرداران
روس تسلیم نمایند - ژاپونیان بهر قسم که صلاح خود را
فانند رفتار خواهند نمود - هرگاه از اشیاء دولتی
چیزی را بعد از دستخط شرط نامه لشکریان روس
برباد نمایند این شرط نامه باطل خواهد بود نقشۃ قلاع
بری و بحری و مقاماتیک روسیان سرنگ انداخته اند
و نیز هونک هائیک پنهان گذارده با فهرست افسران
بحری و بری همه را باید تسایم ژاپونیان کنند - قشون
بری و بحری و لازمین ملکی و قشون دو طایف بندر
آرتبر است تماماً باید اسیر تسایم شوند - بواسطۃ بهادری
و شجاعت افسران بحری و بری را شمشیر و اسبابهای
خاصۃ خودشان را داده بعد از قسم دادن شان بشمشیر
بحسب معرل دول اجازه خواهند یافت که بروسیه باز
آیند و تا این جنگ باقی است افسران شمشیر بری
ژاپون نخواهند کشید و شریک جنگ نخواهند شد - قلعه
(انشوان) و (اتسوشان) را بطریق ضمانت بتاریخ
سوم بشکریان ژاپون سپردند

میسره از قاپ اردوی ما ۲۹ شهر جاری یوم چهار
شبه بسات ده و یک دیوار جلوی قلعه ارتکشان را
بذریعه نارنجک و سرنگهای کوه کن متخلل ساخته
پس از پش سخت آنجا را قبضه نمودند بساعت چهار
قطار اول توپهای روسی را متصرف شدیم دشمنان
ما بعد از جنگ بسیار سختی فرار کردند تمام قامه
بساعت هفت و نیم قبضه ما آمد

بتاریخ سیام رسماً چنین خبر رسیده که قبضه بر
ارتکشان در بیست و هشتم واقع شد ژاپونیان را درین
جنگ چهار توپ بزرگ و هفت توپ کوچک و سی

جنگ بندر (آرتر) طلی و حشتناک و این جنگ پنج شب و پنج روز متوالاً جاری بود و هر آن حله و شلیک متخاصمین شدید تر و سخت تر می شد بتاريخ سی و یکم مسمر ساعت شش شام ژاپونیان قلعه (ایچ) را متصرف شدند از آن بعد با منتهای قوت ژاپونیان پیش رفته روسها در واگذارند هر شهر زمین تا منتهای قدرت خود ایستادگی کردند درین جنگ از طرفین قوس کثیره بر باد و تاف شد و نهرها از خون در زمین جاری بود سال نو یعنی نو روز مسیحی شد باز متخاصمین بهمان شور و طروش مشغول بجنگ بودند بعد از ظهر اول جنوری هفت شلیک روسیان کم شد و قورخانه آنان ختم گردید از روی ناامیدی سرنگهای زمین را محترق ساخته مقامات همه را ویران کرده جہازات خویش را آتش زدند

جیب عقلا و ارباب رزم امریکا و اروپا را عقیده این است که تسخیر بندر آرتر شجاعت فلاح و مفتوح و بهادری غالب و مغلوب را علی السویه میرساند روسها فردا رسماً از بندر آرتر خارج شده ژاپونیان داخل خواهند شد

جهاز (نگریشیا) را ژاپونیان متصرف گردیدند دولت روس بر روزنامهجات (روس) و (ناشی دودی) سخفه تعرض نموده که آنان در عا دین خود مضامین بسیار سخت درماده اسام بندر آرتر نوشته و اظهار داشته اند که ازین و بعد صلاح لازم است

چون در (مدیکا سکر) جہازات بالتیک خوراک و ذغال یاقه اند ژاپون بفراسه اعتراض نموده است رئیس جمهوری فرانس جواب داده که از قانون بی طرفی دولت فرانس هرگز تجاوزنه خواهد نمود درین باب حکام مدیکا سکر را تأکیدات لازمه فرستاده شده است (ایکادوپریس) می نویسد که جنرل (استاسلی) را اراده این بود که جیب قلاع را ویران کرده از آن بعد قشون را گرفته آخرین حله را بر ژاپونیان به نمایند امپراطور روس او را حکم به تسلیم داد

مستر پشت برلی از قول قاسد محسوسی که از (جینو) آمده بیان می نماید که بواسطه تمام شدن قورخانه حفاظت قلعه با توپ ممکن نبود و جنگ با غمشیر

نیز شعرا تصابان بود طرفین از بنض یکدیگر دندانها را بهم می حسائیدند و هر يك مریدگری را مانند درندگان میدیدند و مانند وحوش جنگ بروی يك دیگر میزدند و خصم را می کھیدند و متخاصمین چشمهای یکدیگر را بیرون می آوردند ژاپونیان قلاع را باید چندی قبل گرفته باشند فقط بعد از تسخیر (ارلنگشان) از ضعف محسورین مطلع گردیدند اگر ژاپونیان جیب قوای خود را جمع نموده يك برش صوهی بر روسیان می آوردند دیاری از آنان باقی نمی ماند

امپراطور روس وارد (پتربورگ) گردید

جهاز گرمه دولت انگلیس که حامل اشیاء بیچاران بوهایوی بود بواسطه خوف از سرنگ دریایی باز آمد نه ژاپونیان او را اجازه دادند که نزدیک بخشی آید و نه اشیاء خود را به زمین آورد

مخبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که بموجب رپورت رسمی جنرل (نوکی) قشون وغیره که در بندر آرتر تسلیم شدند چهل و هشت هزار نفر بوده شانزده هزار آن بیمار و مجروح اند تصرف قلاع و تبدیل توپها کامل شد حصه زیادی از بیماران و مجروحین را نمیتوان خارج نمود دولت ژاپون دوکال سرعت هوا و غذا بآنها میرسانند

درباره شکست بندر (آرتر) روزنامه (نیورویا) می نویسد که دولت روس باید يك کیسیون جنگی برای تحقیقات اینکه کی جهت و سبب شده که قورخانه و سیورسات به بندر آرتر نرسد مقرر نماید یقیناً این دشمن برای روس از ژاپون قصانش زیاد است گویند [نیورویا] ازین عنوان جنرل [کروپاتکن] است که رای داده بود بندر آرتر را باید بقسمت خود واگذار نمود چه قورخانه و سیورسات برای ساطای هراز موجود دارد و قلاع مصنوعی و طبعی آن هم قابل تسخیر نمیشد و یا مقصود اخبار مذکور کسانی اند که در رساندن و ذخیره کردن قورخانه و سیورسات قبل از جنگ در بندر آرتر حیانت کرده اند

وقایع نگار اخبار استندرد از پتربورگ خبر میدهد که امر وزاعلی حضرت امپراطور روس در دربار مجلس شورای منقذ نموده این امر بصره رسید که با منتهای قوت

شماره ۱۸۴ - ۲۰ ذیحده (۱۳۲۲) - سال دوازدهم - ۱۶ جنوری (۱۹۰۵) صفحه ۱۹۹

تومان	قران
۱۸	آقای حاج صحابالملک ششماه
۲۴	آقای محمدالملک - بابت سال پنجم و ششماه اول - ۵
	شهریه بکتومانی
۶	حاج محمد کاظم تاجر طهرانی ششماه
۶	آقای مظفرالملک ششماه
۶	آقای حاج بهارالدوله ششماه
۶	آقای مستشارالسلطان ششماه
۶	حاج آقا محمد علی تاجر شال فروش ششماه
۶	حاج غلامرضا تاجر اصفهانی ششماه
۶	آقای آقا میرزا آقا تاجر اصفهانی ششماه
۶	آقای شیخ سیف الدین میرزا ششماه
۶	آقای نصرت السلطان ششماه
۶	آقای اعتماد السلطنه وزیر بلید و احتساب از بابت ششماه تالی
	(سال پنجم)
۶	شوکت الحاحیه ششماه
	شهریه پنج قران
۳	آقای حاج میرزا عبدالحسین انصاری مستوف اعتمادالملک ششماه
۳	آقای ظفرالملک ششماه
۶	آقای آقا سید علی تاجر اصفهانی از بابت یکساله سال پنجم و ششماه اول
۳	آقای محمد السلطان ششماه
۳	آقای آقا سید احمد مازندرانی ششماه
۱	آقای حاج مشیر لشکر از بابت خانه و قفس سه تومان
	(شهریه سه قران)
۱	حاج میرزا علی صراف اصفهانی ششماه
۱	آقای خبیر السلطنه از بابت ششماه تالی سال پنجم
	(شهریه دو قران)
۱	آقای حاج میرزا محمودخان موغزالدوله ششماه
۱	آقای مؤمن دفتر ششماه
۱	آقای منتظ لشکر از بابت ششماه تالی سال پنجم
	(شهریه یک قران)
۱	آقا مهدی علی تاجر ششماه
۲	مشهدی عباس کتابفروش سه ماهه
۲	حاج محمد ولی حلاف ششماه
۲	آقای حاج شمس الملک ششماه
۸	کرایه چرخ خیاطی از غرة ذی القعدة ۱۳۲۱ الی سلج جادی الاولی ۱۳۲۲ هفت ماهه
۱۶	قیمت گوشت مقرری آقای مستشارالملک از بابت شهر ذی الحجه
۱۳	از بابت محرم الحرام
۱۳	از بابت صفر
۱۲	از بابت ربیع الاول
	جمع کل هشتصد و سی و نه تومان و سه هزار و چهارهاس از این جمله منها میشود از بابت حواله بابت سال پنجم که جزء جمع بوده و تا اکنون وصول نشده و پس از

جنگ را باید باطر رسانید و تا آخر فروری باید دوست هزار لشکر به کک جنرل (کروپاتکن) فرستاد

مدرسه مبارکه سادات

صورت خلاصه جمع و خرج مدرسه منبر که سادات از بابت ششماه اول سال ششم از غرة ذی الحجه الحرام الی سلج جادی الاولی ۱۳۲۲ مطابق بوی تیل بجهت دلیل فیه دخل این ششماه هفتصد و سی و نه تومان و سه هزار و چهارهاسی است مطابق صورت ذیل

تومان	قران
	امانه غیر استمراری
۵۰	حضرت صدارب عطی دامت عوالمه
۲۰	امیر بهادر جنگ وزیر دوبر
۵۰	آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه
۱۰۰	عبدالله خاتم از تالیس بتوسط حاجی عبدالزاق آقا اسکونی
۵۰	بیکریکی سالار انجم
۵	آقا علی کرم تاجر همدانی

امانه استمراری سالیانه

شاهزاده نیرالدوله از بابت مال الاجاره املاک موقوفه نیشاپور

(سه ماهه)

۶	شاهزاده دکن الدوله والی مملکت کرمان و بلوچستان
۲۰	آقای حاجی محترم السلطنه رئیس وزارت خارجه
۱۲	آقای کاظم الملک از بابت سال ششم یکساله
۲۴	آقای شمس الدین بیک سفیر کبیر دولت علیه عثمانیه از رمضان ۱۳۲۱ الی شعبان ۱۳۲۲ دوازده ماهه
۲۵	آقای عمیدالسامه از بابت سال چهارم یکساله
۶	آقای سیدالسلطنه وزیر نظییه از بابت ششماه اول
۱۲	آقای میرزا باقرخان منشی باشی از اصفهان یکساله
۱۸	آقای سردار منجم ایل خانی بختیاری از بابت ششماه اول
۱۸	آقای حاج علی قلی خان بختیاری از بابت ششماه اول
۵	آقا میرزا مصطفی خان توسط آقای مستشارالسلطان یکساله
۶	آقای محمود خان از بابت ششماه تالی سال پنجم
۸	آقای زهیم الملک از رشت از بابت سال پنجم یکساله

تومان	قران
	امانه استمراری ماهانه
۶۰	آقای حاجی امین الضرب شش ماهه
۳۰	آقای رؤس التجار شش ماهه
۸	حاجی آقا محمد علی تاجر کاشانی ۴ ماهه
۷	حاجی محمد اسماعیل آقا ناصر قزوینی ششماه
۴	آقای حاج سید محمد تاجر ۴ ماهه
۱۲	آقای وزیر بقایا ششماه
۱۸	آقای نصرت السلطنه سردار معظم ششماه
۱۲	حاج محمد آقا صراف تبریزی ششماه
۱۲	آقای حاج مشیر لشکر وزیر ذی الحجه ششماه

شماره ۱۸۱ - ۱۰ ذیحده (۱۳۲۲) - سال فولاد هم - ۱۶ جنوری (۱۹۰۵) صفحه ۵۸

قران تومان
 قیمت عکس مدرسه ۱۵
 قرض مدرسه در آخر سال پنجم با فرع ششماه ۲۹۷ - ۲ - ۲۲۵
 از بابت منافع و جوهریکه در این مدت حواله صرف شده ۹۲۵ - ۵ - ۱۲
 زیادتی قرض مدرسه چهار صد و پست و سه تومان و شش هزار و هشتصد و نود و هفت دینار
 بملاوه قبوضیکه بمجموع کتابهای سابق آمده و لاوصول مانده است چهل و یک تومان و شش هزار - چلتان قرض مدرسه چهار صد و شصت و پنج تومان و دو هزار و هشتصد و نود و هفت دینار

حبل المتین

هزار شکر یزدان را که این مدرسه مبارکه سکه مخصوص ذراری حضرت سیدالمرسلین است بهت و غیرت این ملت نجیب پنج مرحله از مهر خود را طی کرده اینک در مرحله ششم است و امیدواریم که بتوجه غیرمتندان متدین که دوستی آل اطهار را با آب و گل شان سرشته اند سالیان دراز و روزگاری دربار پابنده باد و نتایج حسنه که همگان راوشم بطرف او دوخته است حاصل نماید - و عمده سر آنکه این مدرسه تاکنون باقی مانده آنته شالوده و اساس آن محکم نهاده شده است - و هر چه بر استحکام بنیان آن افزوده شود ترقیات او زیاده خواهد شد و چون این مدرسه مبارکه مجانی است و تمام مخارج آنرا ملت از جیب خود میدهند البته اولیای مدرسه طوری رفتار کرده و حواله نمود که اسباب اطمینان مردم پیش شود و احدی را مجال سخن نباشد و کسی انگشت اعتراض دراز نتواند کرد تا موجب تشویش عامه گردد و با طیب خاطر احاطه و مهرایی نمایند تا چون مکتب مجانی شرف باندک تزلزل از صنعه همتی محو و نابود نکردد و مورت شرمساری و خجالت در نظر مباشرینش مات نشود صورت جمع و خرج را که اولیاء مدرسه طبع نموده و منتشر کرده اند و ما خلاصه مطلب را مختصراً نقل کرده از حشو و زوائد صرف نظر نمودیم - چون بعضی مطالب بمقتل قاصر ما رسید بهتر چنان است که با کمال خدمت احترام اولیاء مدرسه عرض کنیم تا هیچ گونه شبهه بر دلها نماند باقی نماید همه کس از نیت پاک ما واقف است که از اظهار عیوب غرضی جز غیر خوبی و تکمیل نواقص و رفع معایب نداریم و نواقص را باید متعرض شد عیوب را باید مذاکره کرد تا غلط روی غلط زود و خشت کج روی کج بنا نه شود تا یکدفعه عمارت بکلی منهدم گردد این امر را ما نوعی از حیل و خیانت بملت دولت میدانیم تا چاریم که هر چه در امر بنظر قاصر ما برسد مذاکره کنیم و در موقع تداول اقتدار نهیم تا صحیح او محکم ممتاز گردد چه خوب فرماید شیخ سعدی -

اگر بینی که ناپینا و چاه است
 اگر خاموش بنشین گناه است

بهر حال آنچه را ما در این جمع و خرج خدیف کرده ایم چند فقره آنرا عرض اطلاع مینویسیم اولاً - هرگز باید دخل موهم خرج نترانند و تا پول بمسئول مدرسه نرسیده جزودن نیاروند و بعضی آنکه فلان شخص قبول کرد فلان مبلغ بدهد آنرا وصول نکنند بلکه در جزو مطالبات

وصول بجمع خواهد آمد ۴۲ تومان سکه الباق میشود هفتصد و نود و هفت تومان و سه هزار و چهار هجای (صورت مخارج ششماه یک هزار و دو پست و بیست و یک تومان و ششصد و نود و هفت دینار

قران تومان

(ذیحده)

مواجب اجزاء ۷۹ ۵
 کرایه مکان ۱۸
 خرج نهار ۳۵ ۳ - ۵
 مخارج ایام امتحان آخر سال پنجم و روز جشن عید غدیر و جایزه شاگردان و غیره ۳۶ ۱ - ۷
 قهوه خانه ۳ - ۴
 هیزم ۳ - ۳ - ۹
 مخارج طبع جمع و خرج ششماه آخر سال پنجم و اعلان طبع و نامه دعوت جشن و تصدیق نامه مدرسه : ۱۵ ۸ - ۷

مخارج متفرقه ۳ - ۷

(محرم الحرام)

مواجب اجزاء ۸۰ ۳
 کرایه مکان ۱۸
 مخارج نهار ۳۵ ۸ - ۵۵
 قهوه خانه ۲ - ۷
 هیزم ۵ - ۴ - ۹
 مخارج متفرقه ۱ - ۲ - ۲

(صفر المظفر)

مواجب اجزاء ۸۲ ۱ - ۵
 مخارج نهار ۳۳ ۲ - ۴۵
 کرایه مکان ۱۸
 قهوه خانه ۳ - ۴
 مخارج متفرقه ۷۲ ۳۵
 از بابت سرمایه اطلاق کفایتی که معلم کفایتی از خرد صفر ۱۳۲۲ سند بمدرسه سپرده است ۳۰

(ربیع الاول)

مواجب اجزاء ۸۳ ۵
 کرایه مکان ۱۶
 مخارج نهار ۳۵ ۸ - ۱۵
 قهوه خانه ۳ - ۴
 مخارج متفرقه ۳ ۱ - ۳
 قیمت ارضه مدرسه ۳ - ۶

(ربیع الثاني)

مواجب اجزاء غیر از ایام تعطیل ۰ ۳
 کرایه مکان ۱۵
 مخارج نهار غیر از ایام تعطیل ۱۶ ۵ - ۲
 قهوه خانه غیر از ایام تعطیل ۲ - ۲ - ۷
 دو فرس جهت اطلاق پذیرائی ۳ - ۵

(جمادی الاول)

مواجب اجزاء غیر از ایام تعطیل ۲۷
 کرایه مکان یک ماه ۱۵
 مخارج نهار غیر از ایام تعطیل ۵ - ۱ - ۸۵
 قهوه خانه غیر از ایام تعطیل ۱ - ۱ - ۱
 تعمیر دفتر اقامه جهت بنده مدرسه ۰ ۲ ۰ ۵

واکه بفرکت مدرسه دعوت کردیم نمودند لذا بر ما لازم آمد مذاکره با ابراهیم که متصدیل این امر خیرمقاصد خیریه ما را ملتفت شده آورده و اعتراض نگیند و بفرش ما را نسبت ندهند و از حد او توفیق همه مباشرت اعمال خیریه و معاونین مزارف خصوصاً این عمل خیر را خواهانیم

بوشهر

(۲ ذیحده - ۹ جنوری)

وقایع نگار اخبار [طمس] بمبئی می نویسد (پست انگلیس را که رئیس گمرکخانه بوشهر جلو گرفته بود در هشتم دسامبر اشاره نمودیم - علی الصبح جهاز (دوارگا) که حامل پست بود وارد شد ظهر آن روز محکم دولت فیصله امر گردید - برای اینکه حکم پادشاهی از طهران رسید قدری دیر شد بسته امانات پست که شانزده عدد و در آچار گمرک یک هفته مانده بود حسب الامر دولت علیه و رئیس گمرکخانه بوشهر که از یکی است خود در پستخانه انگلیس آورده رسانید و نیز از دست اندازی غیر مشروع خود معذرت خواست از روی معاوضه بمثل پستخانه انگلیس نیز بسته اماناتی که در خلیج فارس آمده بود جلو گرفت - اگر رئیس پستخانه انگلیس این تدبیر را نمیکرد معلوم نبود که بدین سهولت این امر فیصله گردد - حکمی را که پادشاه ایران درین ماده نموده مطابق قاعده و صحیح است - این مسئله ثابت نمود که تا کنون عقده و اقتدار انگلیسها در خلیج فارس کم نشده است - وقتی که جهاز پست انگلیس (دوارگا) وارد شد احدی از افسران گمرکخانه ایران که هماره در حسابات پست می آمدند موجود نبود و این حکایت در شهر نقل هر جاس شده است

جبل المثنی

(این عنوانی است که در زمانه (طمس) بمبئی از وقایع نگار خود نگاشته ملاحظه بلفظ ترجمه نمودیم - ولی از سوق کلام چنان معلوم می شود که وقایع نگار موصوف اغراض از بیان حقیقت امر نموده و زاید بر آنچه تصور شود خودستان کرده است رئیس گمرک بوشهر که نوکر محترم دولت و دارای عهده بسیار جلیلی است عمل برخلاف قاعده نموده که معذرت از رئیس پستخانه انگلیس نخواهد - و نیز مسلم است که ایرانیان دست لفافه این و آن نیستند که هر تکلیفی بد آنها شود بدون چون و چرا گردن نهند - ظاهر امر این است که سفارت انگلیس

معلوم دارند چنانکه دو آخر این جمع و خرج همین طریق شده مبلی را جز و مطالبات نوشته وعده کرده اند که پس او وصول در دخل محسوب خواهند داشت - دو سال پنجم هم اگر همین طریق معمول شده باید از جمع دو فقره را منهای دارند بیک فقره که در اول صورت از جمع کل تفریق شده ۴۲ تومان اکتفا نمایند فقره دیگر که در آخر جز و قرض مدرسه گرفته شده باید علاوه قبولی که بجمع کتابهای سابق آمده و لاوصول مانده و چهل و یک تومان و عش هزار است باشد در اول نباید جزء حساب آورده و حال که آورده شد - این در این موقع تصریح شود یعنی همان طور که ریز داده شده فلان شخص فلان قدر داد بهمان قسم باقیات را هم صریحاً نویسد که فلان کس که در کتابخانه سابق نوشته که فلان مقدار داده و جهش لاوصول مانده است با این همه دقت که یک قران باسم و رسم نوشته می شود نباید هشتاد و کسیر را بیک کلمه احوالی اکتفا کرد و تا صورت لاوصول همان ترتیب دخل داده نشود حساب صورت صحت پیدا نمیکند ما خود یقین داریم کسیکه این همه زحمت را قبول میکند در وجهی که باید صرف زاری فاطمه سلام الله علیها شود مداخله نکند و طمع در چنین پولی که تا به آتش سوزان خامان است سوزاست نمی نباید ولی بعضی اطمینان عامه مستعدی هستیم بعدها مطالبات را جزو دخل نیاورند و این دو فقره را هم باسم و رسم منتشر فرمایند تا باقی - فرض از طبع و انتشار دخل و خرج آن است که همه ملت بدانند و جوه متدفعه مدرسه حیف و میل نشده همی بمصارف مدرسه رسیده است پس باید بطوری آثرا واضح و آشکار نوشت که احدرا بحال سخن نماند صورت مدخولی بسیار خوب و پسندیده است که تا یک قران هم معلوم است اما در خارج صورت تفصیلی داده نشده چه ضرر دارد سکه ازین و به - متدعات را سکه چندال مهم نیست مختصر نموده - - هم مفصلاً نوشته شود مثلاً مواجب اجزا را بیکم نوشته اند هشتاد و دو ری می ممکن بود باین طریق دخل را هم یک کلمه نویسد هفتصد و کسری بعضی اطمینان عامه و مردمان دور و نزدیک باید همه اجزا را اسم باسم نوشته میزان شهرت هر یک را معین نمود این فقره را هم مستعدی هستیم هر چه ممکن است ریزش را با اساسی مفصلاً طبع و نشر دهند تا اوها از بیخ و بن قطع شود ثالثاً - ادامه و بقاء هر اداره بالبداهه موقوف بصره و اقتضای است و اجتناب از مخارج غیر الزامه خصوص در این اساس مقدس که یک پول آن اگر بنیر مصرف لازم برسد موجب غضب خدا و وصول میباشد چه مسلم است - هر کس درین مدرسه بگدازد امانه نماید باعث تابت حسن حساب میکند در جزو مصارف مرقوم شده اخراج عکس مدرسه یا زنده تومان) یا آنکه (مخارج ایام جشن می دشن تومان و کسری) و دیگر مرقوم شده است مخارج طبع جمع و خرج ششماهه و رفته دعوت یا زنده تومان و کسری) کلیه این مبلغ که قریب هفتاد تومان است زیاد و مخارج از حد اعتدال است و میتوان مجموع آنها را در صورت ضرورت به پست تومان حرام آورد یعنی مصارف غیر ضروری را ترک کرد - و هر گاه مصارفی را که نمیتوان از وجوه حسن کرد لازم خود مناسب است اولیا مدرسه از جیب خود بدهند و یا از دیگران باسای دیگر بگیرند این اعتراضاتی است که برخی

دست فرستاده زندگانشان را عزت و توقیر نماید
دشمنان ما قوی و چیره دست و جوان مردند شك
نیست شك با این مسافت بید جنگ مایه خساره و
اسباب زحمت است - ولی دولت روس بسیار صاحب
قوت و قدرت و استقامت بوده و دست و در جلو
مصائب سببه ایستاده هماره مقضی المرام گردیده ایم
لذا مرا یقین و ائق است که عنقریب نسیم فتح در جلو
قشون ما بر چم نصرت را باهراز خواهد آورد من
از درگاه احدیت مسئلت می نمایم شك بر قشون و
جهازات جنگی ما ترحم فرماید تا عزت و قار دولت
قویة روس باقی ماند

بقیه تاکرافات

(۶ ذیحده - ۱۳ جنوری)

۶ دوهزاران سواران روسی در روز عصره (بیجوری)
حمله نمودند بدوا ژاپونیان را عقب نشاندند چون مدد
بدانها رسیده بر روسیان برش آورده آنها را از جلی
کنده تاکنون در تعاقب آنها ساری اند

۷ هشت دسته سواران روسی با چند فوج پیاده
و هشت توپ در تاریخ دوازدهم بر قرب (نیوجونک)
که در دهال (نیگکو) است حمله نمودند هفتاد نفر آنان
را ژاپونیان بقتل رسانیده عقب نشاندند اینک ژاپونیان
سامی اند که سر راه بر آنها گرفته ایواب فراروا بروی
آنها به بندند

۸ امروز جنرال (استاسل) قشون بندر آرتر را
وداع گفته بجانب روسیه ره سپار گردید در حین وداع
لشکریان را به شجاعت و حقوق شناسی تمجید نمود و نیز
بیان کرد که بهتر ازین شروطیکه ژاپون با ما نموده برای
ما میسر نمیشدیم لزومات دوائی و ائق را بر خود گرفت
دسته جهازات سوم باتیک از سوی روانه
گردیدند

۹ یکی از کشتیهای انگلیسی (روزبیل) شك ذفال
بولادیوستک می برد ژاپونیان گرفتار نمودند

(۷ ذیحده - ۱۴ جنوری)

۱۰ امروز علی الرسم ژاپونیان وارد بندر آرتر شدند
دسته دسته و فوج فوج قشون با موزیکان که بنوای فتح
مؤمن بود در شهر نو و شكینه داخل شده گردش
نمودند

با وزارت پست قرار و مداری که منافی با منافع صحیح
یک نباشد داده رفع این غلطه شده است - منتظریم
که وقایع نگاران اداره از طهران و غیره شرح این واقعه
را مفصلاً بنویسند تا با اطمینان کامل درج نموده
در این موضوع بحث کرده رأی خود را بیان نمایم

۱۱ مخبر [روز] از [توکیو] خبر میدهد که در جنگ
[نیوجونک] عدد مقتولین روس شصت و دو نفر
بوده و شش نفر مجروح در میدان گذاردند و در جنگ
[نیوجونک] سی نفر مقتولین روس بشمار آمده است
روسها سامی بودند که سیورسات خانه و قورخانه ژاپونیان
قضان رساند با متهای ندامت مقضی المرام نگردیدند
۱۲ امروز عصر جنرال [استاسل] وارد [تکاسکی]
گردید حکومت محابه ژاپون قدوم و برا تبریک گفت
۱۳ مخبر [روز] که در اردوی جنرال (کرووی) است
بیان مینماید که خصم غفلتاً قریب بمغرب از رودخانه
[ایشو] گذشته شهر کهنه [نیوجونک] را متصرف شدند
بودجه روس

وزیرتالیه روس بودجه سال (۱۹۰۵) را در مجلس
وزرا پیش نمود - نسبت بسنه (۱۹۰۴) شصت و پنج
میلیون و نیم منات کمی در دخل ظاهر است - يك دخل
عمده روس شك از راه آهن سبیریا بود امسال
بواسطه جنگ حاصل نتواند شد - و نیز دو میلیون منات
برای دوشاخ نمودن راه آهن سبیریا و [۸۰۰۰۰۰]
منات مصارف تعمیر راه آهن دور دویاچه بیکال است
معذاک اعلی از قروض دولتی خود مطمئن اند که با
این همه خرابی و طوالت یارده ماحه جنگ و این
همه خساره مالی دوات و این کمی دخل وجه آنان
جانی نخواهد رفت - ملت روسیه از بابت مالیه دولت
و قروض داخله و خارجه آن ادا متوحش و سراسیمه
نیستند

۱۴ اعلان رسمی دولت روس در تسخیر بندر آرتر

در اعلان رسمی که لشکرشکست بندر (آرتر) در
روسیه اشاعت یافته اعلی حضرت امپراطوری تمجید
زیاد و تعریف بسیار از دلاوری و شجاعت سرداران
و لشکریان بندر (آرتر) نموده اظهار داشته
اند شك جای دارد روسیان بدین گونه سرداران و
پاهیان فخر و مباحات نمایند و بر مردگان آنان

راه آهن رفته بود - یکی از شاگردان مدارس سه تیر بجانب او شلیک کرد صدمه باو وارد نیامد اقواء است (مسیو تیرلیف) بدین جهت مستغنی شده که بجانب منچوریا رفته با جنرال (ک. وپانکی) در جنگ شریک شود این واقعه غوغای طریقی در پتوسبرگ انداخت

§ خبر (روتر) از بندر آرتر می نویسد که بعد از تسلیم شدن قشون روس بندر آرتر و پراغه بسیار موحشی بنظر می آمد - وائایان بر این امر معترضند که روسها مقامات را عبت بر باد دادند و این نیز ثابت شده که تسلیم شدن سرداران روسی قبل از وقت و بی موقع و محل بود و تا چند ماه دیگر میتوانستند بندر آرتر را نگاهداری نمایند - چرا که یست و پنج هزار قشون قابل جنگ موجود داشتند با آن هیاموی جنرال (استاسل) در حسن مذاقه عاقبت در این تسلیم تصورمند و بدنام شدنیکنامی برای جنرال استاسل در صورتی میباید که موت را بر تسلیم ترجیح دهد

§ در روسیه حملات کارخانجات ذغال دست از کار کشیده کمیونی برای استماع معاذیر آنها معین شده است § دوازده هزار نفر مزدوران کارخانجات حدادی در پتوسبرگ دست از کار کشیده اند

(۱۰ ذیقده - ۱۷ جنوری)

§ همحاتی که در (بوتلف) دست از کار کشیده اند بواسطه عزل چهار نفر آزادی طلبان بوده امروز سه کارخانجات از روی همدردی با بلوایشان کار را بند کردند قرب چهل هزار نفوس دست از کار کشیده اند

§ رئیس محکمه صلح عمومی در (هیک) سفیر دولت آازونی را اطلاع داده که روس رسماً چین را بی طرف از جنگ تصور می نماید لذا رسماً دولت چین را اطلاع دهد

§ در (پتوسبرگ) خبر رسیده که جنرال (مست چیکو) و سواران او با مجروحین ایشان در حدود اردوی خود داخل گردیدند

§ دولت ژاپون صحتی گزیه مساهی از درجه اول آماده نموده است

§ جنرال (کروپانکی) در پراغه حمله سواران چین رپورت میدهد که ژاپونیان دست از سواران روس که بجانب شمال رهسپار بودند محاصره نموده جنگ شروع شد از

§ روزنامه [طمس] لندن می نویسد که تاکنون علت تسلیم شدن روس در بندر [آرتر] معلوم نیست علامت گرسنگی در قشون دیده نمی شود هرچون بسیار و بیمار بی شمار داشتند شاید این امر سبب تسلیم آنها شده باشد § ژاپونیان جهاز انگلیسی (بی هنگان) که محل دفال بولادیوستک می نمود گرفتار نمودند

§ حراند ژاپون و طامه ژاپونیان بدولت فرانسه اعتراض می نمایند که دولت فرانسه با بی طرفی از جنگ دستة جهازات بالتیک را چرا تا دیروز باز گذارده که در حدبکاسکر بماند

(۸ ذیقده ۱۵ - جنوری)

§ اخبار (نیویورک) تلگرافی از (جاوه) یافته است که ژاپونیان در (لی بون) مرکز جنگی ساخته و این امر را پوشیده گذارده اند و بذریعہ تلگرافات مغایر نمی نمایند تا این راز افشا شود و دشمن متنبه گردد

§ خبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که دولت روس هیچ دول را رسماً اطلاع داده که دولت چین را بی طرف از جنگ قرار داده چه در مضامین چین بر سواران روسی حملات شدید میشود - ازین معلوم میتوان کرد که دولت چین از وضعی که داود میتواند قواعد بی طرفی جنگ را پای بند باشد و ممکن است که ژاپون نمیخواهد یا نمیگذارد که دولت چین بی طرف ماند برخلاف روس که بی طرفی چین را طالب است و ژاپون بی طرفی چین را درحک بحال خود مفید تصور نمیکند - و همین بهانهها عاقبت بدو حمله نموده فواید خود را از چین حاصل خواهد نمود

(۹ ذیقده - ۱۶ جنوری)

§ کم کم در (شامو) میدان کارزار گرم میشود ژاپونیان بر مقامات روسی راه یافته سخت حمله می نمایند و روسها نیز سخت بر آنها شلیک میکنند اندک اندک سورت سرما میشوند و یقین است جنگی بسیار سخت پیش خواهد آمد

§ خبری رسیده که جنرال (مست چیکو) در حمله که بر ژاپونیان نموده بود منقضی المرام نگردید و سواران او نتوانستند بر سنگرهای پیادگان ژاپونی رخنه اندازند

§ دیشب (مسیو تیرلیف) امر پلیس (مسکو) که استمفا فرستاده شود دلجه بود بمقابله (گرانده پولک) در ایستگاه

توغخانه روس ژاپونستان را نقصان عظیم رسيد طاقت
سواران روسی با منتهای اطمینان فرار نمودند پنج
افسر و بیجا سوار مقتول و مجروح گردید

§ جنرال (استاسل) با دو بیست و چهل و پنج افسر
از (کامای) بجانب اروپا رهسپار گردید

§ در وجود اعتراضیکه ژاپونستان در مارتة توقف جہازات
بالتیک (مدیکاسکر) نموده اند ماوم نیست کی جہازات
بالتیک حرکت نمایند این اعتراضات مہی بر کج فہم است
چرا کہ قانون بی طرفی فرانسه مغایرت با قانون بی طرفی
انگلیس دارد و برای توقف جہازات جنگی دولتین
متدارتین در بنادر فرانسه هیچ مدت مدتی نکرده است
در صورتیکه غنیمت همراه نداشته از جنگ نازیا مده باشند
این امر نیز مسموع می شود کہ وعده شده در (سیکن)
با جہازات ژاپون همین سلوک مرعی خواهد شد

§ بزرگ ترین کارخانجات حدادی پترسبرگ همانجائش
از همراهی با بلوایشان تاکنون کنارہ گرفته ولی از همراهی
بایس و فوج با بلوایشان اطمینان کامل نیست

§ مخبر [روترا] از (یکی) خبر میدهد کہ (ولای لامه)
حکمران نت از (ارکا) بجانب (کینکتا) روانہ گردید
(۱۱ ذیحجه - ۱۸ جنوری)

§ بموجب خبریکه از (پترسبرگ) رسیده دستہ جہازات
بالتیک از مدیکاسکر بیرون آمدند

§ عمارجات چشمه های نفت (نادکومہ) کہ دستہ رکاو
کشیده بودند اندک اندک بکار باز میگردد

§ یکصد و شصت هزار نفر در روسیہ دست از کار
کشیده خوف آن است کہ تمام حرفت پشہگان دست
از کار بردارند

§ بواسطہ کمزرت خریداری آلمان قیمت ذغال در
اکلستان الا گرفتہ فی (تن) دو (شلینگ) قیمت ذغال
زیاد شده است

§ درواشنکتن خبر رسیده کہ دولت چین از جمیع
الزامات روس تبری میجوید۔ اروپا خبرت واشنگتن را
رای این است کہ جمیع دول باید متفق شده چین را ازین
جنگ بی طرف قرار دهند۔ ورنہ خوف آن است کہ باز
جنگ عمومی دول پیش آید و همراه ضرورت پیدا
شود رئیس مجلس حکمیت (میک) باید درین مادہ از جمیع
دول تحقیقات لازمه را بہ نماید

§ برخی را عقیده این است کہ دولت روسی ازین حربہ
بر دولت چین اعتراض نموده کہ دولسلارہ از خوف
جنگ عمومی با درمیان گذارده روس ، ژاپون را صلح
دهند۔ چنانچہ بعضی را گمان این است کہ افتشاشات
اندرونی روس را صلح خواہان روس مؤسس اند چہ
دولت روس خوش ندارد کہ ناخقیار یا تکلیف دول
اقدام بہ صلح کند اینک اگر اقدام دو صلح شود
میتوان گفت کہ مات دولت را عبور نموده است

§ تصای کبسون مجاورت هند کہ بجانب کرمان از رفت
تا کنون سالم اند۔ خیالات خود را تبدیل داده بعد از
سپر (رماشر) بہ (جیرفت) آمده سپس کرمان ویزد و
شیراز و بعد بہ بوشہر و بندر عباس عودت خواهند نمود

§ حکومت بلوچستان بیچار است ازین رو اہالی از
اطاعت سرعقیدہ سرداران فراری شده از ادای مالیات
سرباز میزنند

§ رسماً ژاپون اعلان داده است کہ جہی از سواران
روسی لشکران ما را احاطہ کرده ہمہ را قرار دادم در
معیت سواران روس بسیاری از اہالی چین نیز بودند این
واقعہ در مشرقی (نیوجونک) واقع شده و سیصد نفر
از روسیان نیز کشته شده اند

§ وقایع نگار طمس از بندر (آرتھر) خبر میدهد کہ
پس از ملاحظہ ظاہر شده است کہ جہازات جنگی
بریسوت۔ یولتاوہ۔ پلاوہ۔ اوویان۔ بعد از مصارف
و تعمیر قابل استعمال می شود (ریستویسان) امید
نیست مفید شود و (بوویدہ) مشکوک است (سبواسنتول)
بجہاہ ذرع زیر آب است

§ دستہ سوم جہازات بالتیک از یورپ گذشتہ بجانب
جیوتل و ہسپار گردیدند

§ دستہ جہازات بالتیک صککہ تحت امر امیرالبحر
(سوتروویسی) است وارد (جیوتل) شد

§ کارخانجات حدادی وسائر کارخانجات پترسبرگ ساعت
بساعت زیادہ بند می شود و اینک بجہاہ ہزار نفر دست
از کار کشیده اند و کارخانجات دولتی نیز ہمہ بندشده
و این اقدامات ہمہ از روی تدابیر می شود دولت مردمان
بزرگ در کار است

§ مخبر (روترا) از (توکیو) خبر میدهد کہ ژاپونستان جہاز
انگلیسی (ماترای) را کہ از (کراوچین) بولایتک
میرفت و اشیاء ممنوعہ جنگ در لو بود۔ گرفتار نمودند

سرستان (حکومت)

جناب اعظم السلطه حکمران سرستان تا کنون در قبول اقامت و به تحصیل طالبات و سایر وظائف حکومتی اشتغال دارند -

جناب مزالسلطه سردار ارفع حکمران عمره تا کنون احتیاطاً در قرنینه بودند چون رفع مرض منحوس شد قدغن آمد و شه را برداشته اند

(کارگذاری)

جناب اعتلاء الدوله کارگذار سرستان برای ترویج پاره سهام موقتاً به حدود بلوچستان اعزام خواهند نمود که با مأمور سرحدی انگلیس و حاکم بلوچستان ایران امور لازمه را انجام دهند و همین روزها با کتی دولتی میروند پارسال هم باین مأموریت مسبق و منتخب شده اند

(گرگات)

میرزا (پانس) رئیس گرگات و پست سرپندن در تنظیم امر اداره سالی و برای لطم کارهای گری در چند نقطه که ضرور بود مستحفظ گشته است

کافرس بین الدول

از جمله مسائلی که در جنگ اقصای شرق محسوس شده یکی اشکالیست که در جنگ برای کشتیهای سرپسرخانه و حامل ملزومات مرضی و اطباء شامل گردیده تا درجه آن اشکال جبهات و عملجات مزبور را از وظائف خویش باز داشت و طایع آن خدماتی آمد که باید در عوالم انسانی به نمایند - لذا بحسب تکلیف دولت فرانسه و دعوت دولت هولند قرار بر این شد که کافراسی بین الدول در (لامی) تشکیل و نمایندگان جمیع دول مجتمع شده و قرار آسایش این کوه جبهات را داده که من بعد در جنگ جمیع دول با آنها بطریق مراعات سلوک نمایند و این قرار داد که عهد نامه بین الدول است با امضا رسیده که سپس جمیع دول بآن قرار داد رفتار نمایند درین قرارداد وظایف لازمه را در جنگ ازین گونه کشتیا خواهند نمود که خدمات و وظائف لازمه خود را درین گیر و دارها بتوانند بتمام البلیت تمام نمایند و رفع اشکالات و صعوبات را از مریضی بی خانمان به نمایند

از قراریکه خبر نگار محترم اداره از طهران مینویسد اعلیحضرت اقدس شاهنشاه رؤف مهربان ما قبل از جمیع دول این دعوت را قبول فرموده در ضمن دستخط جهان مطاع امر و مقرر فرموده اند که جناب (منازالسلطه) که از رجال با کفایت و دارای کالات صوری و معنوی و وزیر مختار دولت علیه ایران در هولند میباشد بدین مأموریت خاص از جانب دولت ایران مأمور است که در کافراس مذکور شرکت و از جانب دولت علیه این عهدنامه مزبور را امضاء نمایند

جغرافیای ایران

(از شماره ۱۶)

سلسله وسط ایران

فجایین ایالت آذربایجان و بلوچستان و در جنوب غربی سیان شهر که در طرف شرقی ایران واقع است سلسله سیالی به درازی (۸۱۸۰۰) هزار و هشتصد کیلومتر است و اراضی وسطی فجایین کوهست که در برخی جاها با برخی دشتهای ریک و در بعضی جاها دره های وسیع از یکدیگر انفصل یافته و در صوت مقطعه هیئت یک کوهی سلسله مانند موجودست معروف ترین آنها کوهی است در میان اصفهان و کاشن با ارتفاع (۴۰۰۰) متر که (غارغیش) و با (درپش) مینامند . همچنین در سمت جنوب ایالت یزد (شبرآب) موجودست که (۱۰۰۰) متر ارتفاع دارد و در آنجا دره های سر آن کوه با برف و یخ پوشیده است و لیکه شبیه است بکوههای (آلپ) و (مونبلان) که در اروپاست . پس از آن کوههای (بارد) و با (بارز) نام که در جنوب شرقی کرمان واقع و ارتفاعش (۴۷۰۰) متر است که کوههای (هزار) و (چوبا) از او منشعب میگردد . پس از آن کوههای (لبرک) و (تولاد) و (سیانه) که با ارتفاع (۷۴۰۰) متر میباشد و بواسطه وادیهای مرتفع که در بالای کوه واقع است و (یابلا) مینامند کوهستان از این سلسله جدا شده و بطرف شرق ایران امتداد و داخل ممالک بلوچستان میشود

(سلسله غربی ایران)

از کوههای کزدستان که در شمال غربی واقع است منشعب نموده و از ساحل طرف یسار دجه تا گلرگاه هرمن امتداد و در آنجا نهایت می یابد و از آن سلسله

آنچه که موازی دجله است بنام (ازافروس - پتکوه) خوانده شده و از آب کرج که گذشت بنام کوههای کردستان و خوزستان نامیده میشود و در جاهای متعدد دارای گذرگاههای تنگ میباشد

و در جنوب غربی همدان کوه (الوند - روند) که از سنگهای فراوان متشکل و ارتفاع (۲۹۱۴) متر و میباشد موجود و پیوسته سرش با برف پوشیده و در اطرافش منبع نفت بسیار است

و در طرف جنوبی اسفهان کوه (علی جوف) ارتفاع (۴۷۰۰) متر و همچنین در شمال شهر شب سلسله کوه (دبشار) واقع شده که در آن سلسله بلند (دنا) که (۵۲۰۰) متر ارتفاع دارد و از کوهی مشهور بشمار می آید موجود است

و رشته کوه لرستان پس از تشکیل کوههای بختیاری را در داخل خوزستان کوههای مدو - چر و در داخل ایالت شیراز تشکیل و در جنوب شهر شیراز بنام کوه (کوشگان) و (مرهک) همیه و از آنجا گذشته در داخل ایالت کرمان کوههای (لارستان) را تشکیل مینماید که مرتفع و مشهور بقی کوههای آن سلسله در ایالت کرمان کوه (بوغون) است که در شمال غربی بندر عباس واقع و ۴۷۳۰ متری بلندی و ۳۷۳۰ متر میباشد و از اینجا تا روه بروی (ده - جزیره) کیس امتداد می یابد که آن بارچه راوه (تاراجی) نامیده اند

(کوههای شرقی داخلی ایران)

در سمت شرقی ملک دولت هیئت ایران رشته کوه مشهوری موجود نیست تنها (پناه کوه) و (کوه بر کوه) است که در طرف شرقی (باتلاق) رونک که در سمت شرقی دریاچه سلوه واقع است امتداد دارد و در شمال اینگونهها بیابان نمکزار و در جنوبش دشت کوبر واقع شده است

و در نیمه جنوبی ایالت خراسان در مابین شهرهای تون و (نلس - طیس) کوههای کاخک و گزوک موجود است - و در طرف شرقی این کوهها دشت [نا امید] و در جنوب آنها دشت [لوط] واقع که در میان دشت (نا امید) سلطان چند آشیان نام و غده افشار در نقاط مناسب جهت آنکه اهالی هنگام مرور

از آنها را هر آنکه بگذرد شنیده می شود و در جهت شرقی دشت پور در جوار حدود افغانستان کوه منفردی هست - بیک روان مینامند هنگام وزیدن بادهای ماسه

بم بیابان را مانند (موج - جز آب) دریا بلند نموده و بدان کوه میزند - از آن آواز هولناک بلند میشود مانند نواهای درهم مهیب یک دسته موزیک که آن آواز از یک تکت فرسنگ شنیده میشود

دشت لوط ارتفاعش از سطح دریا صد و بیست و سیصد متر میباشد و از برخی آثار چنان استنباط میشود که وقتی دریا بوده است

(رودها)

بسیب وضعیت اراضی و جبال و ابحار مختلفه اراضی ایران بجهاد و رسان متمم میگردد که یکی دریای مازندران و دیگری خلیج فارس و سوی دریای عمان و چهارمین دریای های داخلی

(۱) مائله مازندران [۲۶۰۰۰۰] کیلومتر مربع است از سرکوه کرکته تا دامنه کوههایش که بطرف شمال توجه مینمایند - تماماً معروض به بخارهای وطوبی است و آنها بزرگ و کوچک از آن کوهها نماند و جریان دارند و همچنین از دره های آن کوهها سبلی که برمیخیزد تماماً بدریای مازندران می ریزد

نهر اراز و یا اراس از کوهساییک در جوار از ارضروم است نجان پس از آن داخل خاک قفقاز شده و از دامنه شمالی [آهنزی داغ - کوه جودی] گذشته بعد از آن حدود حالیه دولت علیه ایران و قفقاز را بشکل نیم دایره تأسیس پس از آن حدود را رها نموده داخل خاک قفقاز در موقع [حاوان] به نهر (قور - کور) ملحق شده و از چند (دهه رشته) در کورقز (غزل آفاج) بدریای مازندران میریزد - اراز در آنجاها که حدود حالیه ایران را تشکیل مینماید در داخل ایران از ساحل طرف راست تابع های خود را (در آنی بدو کرا آنها خواهم پرداخت) اخذ مینماید تابع های اراز

(۱) نهر ماطکوه این نهر از طرف شمالی شهر بازید متصرف دولت علیه سلطان یمنان و از جنوب

(شرح اعلان) بدشت چالدران که در خاک این داخل درحالتیکه قصبه ماکورا در سمت چپ خود مخوفه تابع پای خود را اخذ پس از آن به نهر این منصب میگرد

(۲) آق چای - که از جور قطور نیسان و نهر قطور مساس پس از اخذ (ایلان چای) رودخانه ایلان از شهر خوی گذشته و نام (آق چارا) اخذ و سمت شمال جریان و در مقابل قصبه جانفا بود اراز میریزد

(۳) قره سو - که از میان کوههای ساولان و

تالش نیسان و بسوی شمال جریان و در روبروی قصبه (پای) که اینک جزء ممالک قفقازست به اراز ملحق میشود

(۴) بالارود - یعنی رود کوچک از شمال غربی کوههای تالش نیسان نخست قدوی سمت شمال جریان پس از آن سمت شرق شمالی برگشته یک مدت قسبی از حدود را تشکیل و پس از آن داخل خاک قفقاز شده و از ساحل بسار خود آب های دریاچه (داد بلنسان) اخذ و از چند دهنه جنوبی نهر (کور) (باقی دارد) بریزد

تاریخ حرب ژاپون

(از شماره ۱)

(وزارت حرب)

وزیر جنگ - سپهسالار نمکن است از طرف (پارلمنت) اذیت مهام و امور عسکری سکه به او سپرده شد است و مأمور بحسبیت آنهاست که با حسن وجه اداره نماید بشول و معاتب گردد

وزیر حربیه امروزی (جنرال تروچی) است که (جنرال ایتموتو) بنوان رئیس مجلس در معیت او میباشد (دواترانی را که وزارت جنگ شام میباشد)

نخست داتره وزیر جنگ که عبارت از دواتر ذیل است

داتره شخصیه که عبارت از دو داتره است (داتره واردات) و (داتره مصارف)

(داتره اردو که از پنج شعبه تشکیل یافته)

اول هموی که به امور هموی رسیدگی مینماید - دوم اداره هکر پیاده - سوم عساکر سواره -

چهارم (توچی) پنجم (استحکام)

(داتره لوازم)

اول (نقد) ۲ (ملبوسات) ۳ (ماکولات)

(داتره صحیه)

(امور صحیه و اطبا) (دیوان حرب عسکری)

و هر یک از این دواتر که در بالا ذکر شد در تحت ریاست یک نفر سررتیب اول و یا سررتیب دوم اداره میشود

(قومسیونها و تاج وزارت جنگ میباشد)

(رتبه و نشان - میشد عساکر خاصه امپراتور - اداره ژاندارم - توچی و اجرای تجربه - تربیه

جلس اسب - کارخانه ها - مکتب صنایع ناره - مخزن استحكامات - اداره عسکره آده فور مز - کارخانه

طاموت عسکری

قومسیون تحقیقات معارف عسکری که ریاستش به (جنرال قونت نود روی) احاله شده است مربوط

بوزارت حربیه است . این جنرال بلا واسطه با امپراتور مختاره مینماید و در زیر اداره اش دواتر

موجود است

مکتب تطبیقات اصول سواری - مکتب تطبیقات توچی و استحکام - مکتب حربیه توکیو - مکتب

روی - تیر اندازی سیله - مکتب رمی و انداختن توچی قله و سبار - مکتب مرکزی اهدامی عسکری -

مکتب ابتدائی عسکری - که اینها مشرباب مکتب است مکتب موزیک

توا انجمن عالی عسکری تابع این کمیسیون نیست

میزان مصارف عمومی بحری و بری

از ۳۱ مارس یعنی ابتدای نپسان افرنجی سال (۱۳۰۳) تا ابتدای نپسان سال (۱۹۰۵) - مصارف عمومی یک ساله دولت ژاپون عبارت بوده است از دویست و هفتاد و ن و چهار صد و بیست و چهار هزار (ین) بنا برحقی که حکومت ژاپون از برای (ین) تقدیر نموده هر (را) دو فرنگ و نیم بحساب می آورد که میشود شصت و هفتاد و شش میلیون و شصت هزار فرنگ از وجه مذکور آنچه مصارف دوات حریه شده است مصارف عساکر بری چهل و شش میلیون و چهار صد هزار (ین) مصارف عساکر بحریه سی و دو میلیون و چهار صد و سی هزار (ین)

جدول ذیل را جبهه آن بینگرم که معلوم بد از بیست و پنج سال قبل بر مصارف دوات مشارالیه چقدر افزوده است

از سال ۱۷۷ - تا سال ۱۸۷۸

بری	بحری	(کلیه مصارفات)	(دیوان عمومی)
۵۸۵۰۰۰۰	۳۲۱۷۰۰۰	۵۱۲۵۶۰۰۰	۳۱۶۱۲۷۰۰۰
(از سال ۱۸۷ - تا سال ۱۸۸۸)			
۱۲۰۵۰۰۰۰	۱۲۰۰۹۰۰۰	۸۰۰۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰۰۰
(از سال ۱۸۹۱ - تا سال ۱۸۹۳)			
۱۳۰۰۰۰۰۰	۵۷۰۰۰۰۰۰	۸۶۰۰۰۰۰۰۰	۲۹۵۰۰۰۰۰۰۰
(از سال ۱۸۹۳ - تا سال ۱۸۹۴)			
۱۳۰۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰۰۰	۸۲۰۰۰۰۰۰۰	۲۸۲۰۰۰۰۰۰۰
(از سال ۱۸۹۵ - تا سال ۱۸۹۶)			
۱۳۲۵۰۰۰۰۰	۵۶۳۰۰۰۰۰۰	۸۹۰۰۰۰۰۰۰	۳۱۶۰۰۰۰۰۰۰
(از سال ۱۸۹۷ - تا سال ۱۸۹۸)			
۶۱۰۰۰۰۰۰۰	۴۷۸۵۰۰۰۰۰	۲۴۹۰۰۰۰۰۰۰	۴۱۹۰۰۰۰۰۰۰
(از سال ۱۸۹۸ - تا سال ۱۹۹۹)			
۵۵۰۰۰۰۰۰۰	۲۳۰۰۰۰۰۰۰	۲۳۴۰۰۰۰۰۰۰	۴۲۸۰۰۰۰۰۰۰
(از سال ۱۹۹۹ - تا سال ۱۹۰۰)			
۵۳۰۰۰۰۰۰۰	۵۹۰۰۰۰۰۰۰	۲۱۶۰۰۰۰۰۰۰	۴۹۸۰۰۰۰۰۰۰
(از سال ۱۹۰۰ - تا سال ۱۹۰۱)			
۵۳۰۰۰۰۰۰۰	۹۳۰۰۰۰۰۰۰	۲۳۴۰۰۰۰۰۰۰	۴۷۶۰۰۰۰۰۰۰
(از سال ۱۹۰۱ - تا سال ۱۹۰۲)			
۵۰۰۰۰۰۰۰۰	۳۷۰۰۰۰۰۰۰	۲۷۵۰۰۰۰۰۰۰	۵۱۰۰۰۰۰۰۰۰

باید دانست که مصارف بری و بحریه بر دو نوع است - مصارف عادی - و مصارف فوق العاده - مصارف فوق العاده عسکری در سال (۱۸۹۶) اختیار و بسبب ترقید بودجه گردیده است ترقید تشکیلات بر وجه آن است

(بورا) و (کور) و (سازه بر) و (جوزیما)
(ناغازاکی) و (مدزور) و (بوتوزوکا)

از برای سرباز خانهها که در هر جا ساخته شود بود میلیون فرنگ

جبهه اسلیمتات چهل میلیون فرنگ - جبهه انشاء غارریک - کارخانه و سبزهخانه دیگر مصارف هفتاد و هشتاد و نه میلیون

سحر مرآت زشت و زیبا

بِقلم یکی از علماء طهران

(بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ)

ای گزیده مر تو را بر خلق رب العالمین

آفرین گوید همی بر جان پاکت آفرین

خلق تو بس باجلال و فضل تو بس باجمال

روی تو نور مبین و رأی تو جبل المبین

خمد آله ثم حد آله - ز روزنامه مقدس روشنی

بخش دیدگان ایرانیان - و کلبه احزان وطن پرستان

از دیدار این بوسف کنگشته غیرت گلستان گفته -

فشکرا آله ثم شکرا آله - عندلیبان خاموش وطن از هر سو

در جوش و خروش شد

شد آنکه اهل نظر بر کناره میرفتند

هزارگون سخن بردهان و اب خاموش

ای ناصح امین وای مادی دین هزارت آفرین (ادع

سبیل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة و جادلهم بالقوی

احسن) خدایت همواره نصرت دهد - و بر اعدای

ملت ظفر بخشد - (اللهم انصر من نصره و اخذل من

خلفه) بر مدبر محترم روزنامه مقدسه پوشیده نیست که

در ایضات ارادت کثر در مقام مزاحمت بر آمدند

(نه کس به مدح ستودم نه ناکسی بهجا)

اینک بحکم کرمه (اما بنعمة ربك فحدث) برخوبش

فرض دانسته که شکرانه الهی بجای آرم جنبه تولی و

تبری فرو نگذارم پس از عرض تبریک شمه از اقدامات

وطن پرستانه بزرگان برشمارم و برخی از انفصال و

اقوال بیگانگان و یاره سرایان بنگارم - امید است در

نامه مقدس درج شود تا نور و ظلمت از هم امتیاز

پیدا و حق بر ارباب انصاف آشکارا گردد - پس عرض

میکنم درد مندان وطن میدانند که لسان مقدس وطن

سالیان دراز با طلم طلم - سوز و کداز به ندای هل

من معین و فریاد هل من منیب استغاثه و استعانت

میفرمود - و جز تیر سه شعله قتال از ترکنازان قلب

و جنوب و شمال بدان استمداد و عرض حال متروک

نبود - هر چه میگفت ای فرزندان جامل پیش ازین

خائل منتبید و بدیده اعتبار در دول همجوار نظر

کنید جوابی جز خاموشی نمی شنید - هر چه میفرمود

لا یتأخرون فی فیض یملون السیات حتی اذا حضرا حدم

الموت قال انی تبدالآن) اکنون تا نفس دارم در صدد
چاره برائید بر این ناخلف پسران جز ظلم و ظنیسان
نمیافزود -

تا این اوان که تاج و تخت کیانرا وارثی بلاستحقاق
تو امان آمد و شب ظلمتی وطن پرستانرا صبح - پید نمایان
گردید - پس شخص شخصیم اعلیحضرت که هیچگاه از
اندیشه علاج این داء فارغ نبوده و میدانستند دواى این
درد را جز طبیی شافی و وزیری کافی نشاید که گفتند

(لا ید باید یکی طبیی حانق)

(مملکتی را که شد مزاج پریشان)

برای انتخاب چنین شخصی حتی اندیشه در روده

مضمون این بیت را در خزانه خاطر ملوکانه در یافته

سایا دل طلب جام هم از ما میکرد

آنچه خود داشت ز بیگانه نمنا میکرد

لاجرم بحکم الهام غیبی بیگانه را منکوب و بیگانه

را منصوب فرمود - از ایرو تا یکدرجه ایام نکبت و

تیره بختی سپری و کوب اقبال از افق سعادت آهنگ

طلوع نمود - چه پس از تبید آن و تقرب این

چشم پنهانی دولت سکه شخصه سرهای آستان مبارک

اعلیحضرت همایون و از نیات مقدسه آن زینت بخش

تاج و تخت کیان و بدر مهربان ایرانیان بدرستی آگاه

بود یکدل و یکجهت بانجام مقاصد و بنبهت خود و

احببای ملت خویش با عنزی راسخ و قدسی ثابت

اقدام فرمود - از آنجاستیکه حکما فرموده اند (ذوات

الاسباب لا یعرف الا باسبابها) این وزیر خیر خواه و

حکیم کار آگاه نیز نخستین مرحله اصلاحات را پس از

آزادی جرائد و تهیه اصلاح امر عالیه و خزانه دولت

شمرده آنرا که در حکم مقدمه بود آزادی بخشید و

در لوازم اصلاح این کوشید

اندیشه دوم اگرچه بر حسب تصورات و افکار

ای مردم از افراد محالات و تمتعات بشمار میآید لکن از

یکهت مردانه و اقدام طاقولانه این شخص بزرگ یا

بدتره امکان گذارده و قدم بمنصه شهود نهاد - علی

(عنه الرجال تقلم الحیال)

خدایش جزای خیر دعاء و نعمت و جودش را

بر وطن خواهمسان مستدام فرماید تا ابدک ابدک

سایر امور نیز اصلاح پذیرد و آب رفته ما نیز بجوی

فلان وزیر یا امیر را بداد و دهنش تمجید و ستایش کند و بیان عالم یا دبیر را با مساک و قبض بد نکوش نه تصور آنکه آن مبدول و عطیه از حکام مظلوم مأخوذ و مکسب. نه پروای آنکه ایندار تکلیف و عمل را دار جزا و مکافاتی در عقب است سبحان الله حق روزنامه نگار در روز یا روزنامه خود تمجید خیالت به ملک و ملت پشترماه سخن میراند و خود را از حامیان وطن میداند (اه اه الظلیمه الظلیمه)

شد مشتبه ز کعبه بیخانه راه من

ای بهتر از هزار بقین اشتباه من

پس رواست که از اصل مقصود دور اقم و بگوم اینکاش میرزا علی محمد خان مؤسس و مدبر تریا و پرورش سراز خانه قبر بدر و در جولانگاه خویش با دیده عبرت نظر میکرد تا بداند محال نیست که هنرمندان بمرند و بهترین زنده مانند

نی نی - که من اینخرف بالصاف نکتم

(لأحسب الذين قتلوا في سبيل الله أموالاً بل احياء عند ربهم يرزقون) حاشا و کلا که آنجوان غیور در سراجی کور خاموش نشیند. دیگر یاد وطن نکند و داد سخن ندهد من خود با گوش دل از آن الفت گزیده سنگ و گل فریاد وا وطناه و تاله و املناه همی شنوم این چند کله از وی روایت کنم تا بداند غیرتمندان حق شناس وطن و پرا فراموش نخواهند کرد

(هان هان ای گردون دون - وای گنبد بوقلمون - ای سرکشته تبه کار - وای هجوزه خدار - تا کی با منت کینه جوئی پیشه و آزار برادران منت اندیشه - هنوز وقت آن نرسیده که از خائشان وطن نام برند - و پرده ظالمان بدرند از خون هزاران چون من بیگناه داد سلواهی کنند اه اه ای ظالم یحیییت وای پشرم بیروت سکه دفاع از ارباب ظلم و خیانت کنی تا کی از خدا شرم نداری چگونه وجدانت روا داشت که برای منی نجس یوسف عزیز وطن از دست دهی ظالمانا تقدیس کنی و نام ملائک بر ابیس نهی - وای وای ازین جور و ستم - آوخ آوخ ازین درد و الم -

هان ای ایرانیان مگر نه حدود ایران از پشت دیوار چین بود تا منتهای غرب زمین - مگر خاکس بر آسمان حکم ایران برود همچون دراز دست بر جهان جهانیان - مگر

خود باز آید و ایندوات قدیم و ملت قویم دستخوش ظلم اجانب نگردد - درد این است که هنوز خفته گان وادی ضلالت و گنگشتگان بادیه فطرت از خواب لرگوش بیدار نگشته دست از ظلم و عناد برنداشته جنبه لطیفان و افساد فرو نگذاشته با ملتی که اغلب دوست ز دشمن نشناسند و خیر از شر تمیز نتوانند بنسای رسوسه گذاشته سخنها گفته و حکایتها بیان آورده نماید عوام ساده لوح را بفریزند و زحمت بزرگانرا در نظار نومی دیگر جلوه دهند الله الله

جهان یکسر همه پردیو پرخولند و امت را

که یارود کرد جز اسلام و جز سنت نگهبانی

عجبا نور علم هر بام و برزن را منور ساخته صروس تمدن با وحشیان افریق نزد محبت باخته ما چنان در بستر جهل و نادانی خفته که گویا مرده و رخت از عالم حس بدر برده هنوز بعضی انبای وطن ما روزنامه را منافق خیر خود دانند و بازار تمدن را بازیجه انگارند علم را مطلقاً انکار کنند اصلاح امور ملک و ملت و موازین انصاف و عدالت را بدعت و ضلالت شمارند (پریدون ان یطفوا نورا . . .)

عکس رخساره خورشید زخفایش مهس

که درین آینه صاحب نظران حیرانند

صدق من قال (الحائض خائب) الاهی همه از تو ترسند عبدالله از خویشی - علی اقی که از هزار نفر ارباب حقوق بیست نفر از روی استحقاق نباشد و معنی ریاست و بزرگی را جز خود ستایی و قدوت بر مردم آزاری نداند - حکومت و منصب را جز برای دست یافتن مال و جان بیوه زنان و یتیمان تصور نکند نه از خدا شرم کند و نه از روز جزا آزرده باشد ظلم و بیاد را بر عدل و داد براند و عالم را سران جور فساد بزند (قل کل یعمل علی شکاکه) مرض جهل چنان اخلاق این خود پرستان را از پیر و جوان قاید کرده که مصداق حدیث شریف (للمسکر بنهم معروف والمعرف بنهم منکر) حق را بویج نگیرند - شر را بجای خیر بپذیرند - احکام عقابیه را متروک - آثار شرعی را منسوخ (انخذوا دینهم لهما و لعیبا) عقد قضیه عقابیه تقدم ضرر بر جلب نفع را فسخ و منسوخ حدیث شریف (لا تزن و لا تصدق) را نسخ پنداشته

مذارانی اکبر را شرق و غرب زیرارتمین . و جشید را
 ملك الملوك نقش نگین . مگر نه شاپور و الاکناف مالک رقاب
 حرب و همج . و بهرام گور سلطان السلاطین عالم . کوآن
 حشمت و جاه . کوآن مکنت و دستگاه . کوآن احتشام
 بزرگی . کوآن سروری و سزگی . کوآن غیرت و مردانگی .
 کوآن رافت و بیگانگی . کوآن رفعت و برتری . کوآن
 حیات و دلاوری . خود به بینید و عبرت گیرید . امروز
 کار بکجا کشیده . و کارد تا کجا باستانخوان رسیده .
 که عسری از ممالک خویش را با هزاران خطر و
 تشویش زیاد مالک نیستیم . هنوز گوئیم فلان وزیر را
 چه قصیر . و فلان خاق را چه تحسیر نمیدانم کز ایشان
 عیسوی حق نعمت بجای آورده عسیان آنرا بخشیده
 یا ملائکه حساب نامه خسران آنرا از روی تحقیق
 ندیده . همانا که ما در نخستین شمار پرورش سد بعضی
 نکات را اظهار و حقیقت حال برخی شهادت را آشکار
 ساختیم و گفتیم فلان که بقول خودش او از دال
 نداند و الف با فرق نتواند و در تمام عمر جز باز
 کردن و بستن لسنجات عطاری هتوی نیسماوخته
 چون یا بدایره ادبیات گذارد و خود را (بن بنده
 نگارنده) داند ماقبت جز تخم رسوائی نکارد و از آن
 جز حاصل بدنامی بر ندارد . این بود آنچه از آن شهید
 وطن شنیده و نقاش را بر خود واجب دیدم

اما من خود بدان وجود جسارت و الزامی ندارم
 همینقدر عرض میکنم هر کس را هوس وطن پرستی
 در سر و در طبیعت عیب و عادت دیگر نباشد لازم نیست
 با این بضاعت مزاجه مباشر چنین امر بزرگ و متصرف
 در این عمل سزگ باشد باید بقدر دانش و مدرك خویش
 هر کس خدمتی در پیش گیرد تا در ترجمه جرائد مصریه چبق
 اهالی کوریا را بجای آستین نبرد و بچاره ادبای ایران و
 ارباب معارف این سلطان را بر آن و اندارد که برای حفظ
 شرف خویش هر يك بجهان آن برخیزند و عین مقاله
 از سر گیرند یا در عبارت فارسی پس از باز گشت از
 وطن در مقام مرض بهارت بدوستان نویسند (محمد آقا
 نه حزن دوستان را یابی است و نه خوشحالی دشمنان را
 دوامی) دوستان را چه گمانی که حزن و اندوه آنرا
 بی پایان خواهی . یا بنویسد مرض و با در کاشان قنور
 مسکرده اما الحمد لله بعد از چندی رو به ضعف

گذاشته و و و و

مرا جز موعظت و نصیحت غرضی نیست و گرنه
 از معیار ادب و کیفیت مشربها پیش ازینها واقفم
 الصافی باید داد آبروی ملت از مقالات ادبیه بی ادبانه
 بیشتر خواهد ریخت یا از توحین فلان خان که اظهارش
 از فرائض ذمه اسلامیان و بیگانگارا پیش از ما اطلاع
 بر آن است حقا که بی انصافان را نه از طریق امینا و
 سرسلین سبزی و نه از زلفهای ائمه طاهرین و حکمای
 راسخین اثریست . و گرنه میداند که خطاب کریمه
 (و ما ارسلناک الا بشیرا و نذیرا) از چه راه است
 و سکوت در مقام (یا ایها الذی جاهد الکفار و المنافقین
 و اغلظ علیهم) ظلم و گناه نیست کدام آیه در این مقام
 برخوانم و حکدام حدیث بزبان آرم بکدام معصیت
 خود و هموطنان خویش بنالم

مگر آن طرف پاکیزه برو
 در اینم بگفت آن شعر نیکو
 اگر دردم یکی بودی چه بودی
 اگر غم اندکی بودی چه بودی

همینقدر از طرفداران ظلم و خیانت خرسندیم که
 دست و زبان وطن خواهان را بیکار نمیگذارند و هر
 روز بنوعی مسیج و محرک آنان میگردند تا رشته
 سخن قطع نگردد و گفتنیها گفته آید . تا اینجا مکتوب
 را نوشته که شماره سیام جریده فریده ادب در رسیده
 شوق زیارت جریده مانع از انجام مقصود گردیده قلم
 را از کف انداخته زیارت کعبه ادب پرداختم
 (باقی دارد)

ملاحظه حال شرق و غرب

(از شماره ۱۸)

و اگر در کنه و حقیقت اخلاق رزیه و ملکات
 قبیحه امان نظر کنیم هر آینه خواهیم یافت که انصاف
 بذاته موجب تفرق جدیست و پراگندن اتم و موثر
 وقوع اختلاف کله درین افراد يك ملت و مانع از
 اجتماع و الهت و دای بر وحشت و نفرت اند و در
 فلسه ثابت گشته که آنچه ناشی از ذات است ناوقتیکه
 ذات باقی است اونیز باقی خواهد ماند پس هر کس
 دارای چنین صفات شود قهراً این آثار ناگوار را باید
 متحمل شود فی اللیل اسکر شخصی دروغ را که از

عادات قبیله است پدیده خود سازد سخنان وی اعتماد را نشاید و اکثر قلب و حیه گری را صفت خویش نماید طبایع از او رعبه کردند و از حوالی او پراکنده شوند و چون ایذاء و اضرار از او مشاهده شود خلق از معاشرتش اجتناب میکنند و ملاقاتش را جاز ندانند و بالبداهه هرگاه این خصال نگوییده در تمام افراد یکتوم سرایت کند همگی از یکدیگر نه ترسند و بالطبع از هم پراکنده و متفرق شوند و فوائد عمومی و منافع نوعی قهراً باهمال شود و این ملت باندک مدتی مضحمل و مستهک در ملل دیگر کردند و از آسمان سیادت و بزرگی بفر درکات عبودیت تنزل نمایند - پس چون اخلاق نگوییده در ملتی رسوخ یافت و متمکن شد - امید نجات و آرزوی رستگاری و فلاح در آقوم نیست مگر آنکه در اعتدال اوصاف و تقویم اخلاق سعی کنند و رزائل را از خود دور سازند و در حقیقت اخلاق حسنه جزاین نیست که اعمال و افعال را بیزان عدل و استقامت بسنجند و میان روی و قعده اعتدال را از دست ندهند و از افراط و تفریط در هر عمل اجتناب را لازم شمارند و از صراط المستقیم حق منحرف نشوند و بسره لوقتسای راستی و درستی متمسک گردند و جبلتین امانت و دیانت را از دست ندهند

و مینوان گفت کمال عقل باطهارت نفس چنان لازم و ملزوم اند که از هم منفک نمیشوند - بدان جهت که چون عقل کامل شد بر طبیعت غلبه کرده مسلط میشود و نفس را از سرکشی و سورت باز میدارد بلکه او را تاج و مطیع خود نموده نفس نیز بحکم او گردن مینهد و در حضور عقل خاضع و خاشع و امر و نهی او را فرمانبردار میگردد پس عقل او را منبج حق و مملک عدل دلالت میکند و از حدت جلوگیری مینماید و او را از رزائل پاک و ظالم نموده باخلاق فاضله که اصل و ریشه همه انواع سعادات و دوجهان است متخلق میسازد چون این مقدمه ثابت و مبرهن شد رجوع کنیم باصل مقصود **حک** بیان حال مشرقیان است - باید دانست که مشرق زمین بعد از آن مراتبی که حاصل کرده بود از جاه و منزلت منبع و مقام رفیع و سلطنت عظیمه و وسعت ملک و شوکت و صنایع **حک** و

نفسه و متاعهای و افرو بضاعتی متکثر و رواج بازار تجارت و شیوع علوم و معرفت و زیاع آداب و فنون - از مقام جلیل خود فرود نیامد و از رتبه نیل خویش تنزل نکرد و مستولی نشد فقر و فاقه بر ساکنین آن و غلبه نمود ذلت و مسکنت بر اهالی او و تسلط اجانب بر آنان و سروری و مهوری نیافتند بیگانگان بر ساکن آن مگر بسبب اغراض مشرقیان از استتار بنور عقولشان و ظهور فساد در اخلاقشان و اگر درست نظر کنیم در سیر و حرکت آنها میبایم آنها را چون بهائم و حیوانات که نه در امری تدبیر میکنند و نه در مسئله تعمق - در افعال و کردارشان از شرور اجتناب نمی کنند و در جلب منافع و دفع مضار زحمت نمیکنند - تیرگی بر عقولشان راه یافته و افکارشان را از جولان در اصلاح شئون و احوال باز داشته و دیده بصیرتشانرا از دیدن مصائب و بلاها که اطرافشانرا احاطه کرده کور داشته و گوششان از شنیدن بیانات حقه کور شده در مهالک جاهلان وارد میشوند و در وادی گرامی کور سکورانه قدم میزنند و شتاب میکنند در ظلمات هواجس نفسانی که ناشی از اوهمام خبیثه **حک** بیروی میکنند در مسالک ظنون رذیه را و فساد بر طبایعشان غلبه یافته و رزائل اجسامشانرا احاطه نموده - درست چون چهاربایان اند **حک** ادراک مصائب و شدائد روحانی را نکرده و نمیفهمند از آلام مگر آنچه راجع باجسام است چون الم زائل شد و جراحت مند مل کردید بکلی او را فراموش میکنند - و بواسطه استیلا غیبت بر عقول و فوسشان و پوشانیدن برده جهالت چشمانشانرا - ادراک نمیکنند لذاذ را که مخصوص انسان است از قبیل حب افتخار و طلب مجد و شرف و میل بشهرت اسم و نام نیک و باقی ماندن زکرچیل و ... (باقی دارد)

حک وزارت نظمیة طهران **حک**

(از شماره ۱۸)

يك علت عمده خرابی وطن ما و پریشانی روزگار ما و تفرق اهالی و عدم انتظام ادارات دولتی و دواثر ملتی و شرکتهای تجارتی و پیش رفتن کار علوم و مدارس و مکاتب و اختلال اوضاع صنایع و غیره

و غیره همان است که استبداد در مزاج قاطبه ساکنین محاسنک از اهل و ادنی رسوخ یافته خود پسندی و لجاجت در عناصرشان قنوذ کرده و گویا در آب و گلشان سرشته افکار خود را الهام یزدانی و وحی آسمانی دانسته مقاصد دیگران را بنظر حقارت و کوچکی مینگریسته و سکر دار پیشینیان را بیچ شمرده خود را عقل کل و دیگران را جاهل محض و سببه صرف دانسته بودند و اگر بکنه علو خیال و وسعت افکار دیگری نیز واقف و مطلع میشدند دوا می لجاج و فساد اخلاق بر آن دعوتشان میکرد که در اخلاص آنور بکوشند و بیرق حیالتش را نگویند

زهی بر حقیق و تا جوانمردی ابدیه طالبه که یادگار همد و شرف و بزرگواری و علو مرتبه نیاکان باک طاست محض بر انداختن نام و نشان آنان از صفحه عالم با خاک راه یکسان و برابر کنند با اینکه جمیع ملل جاهلند که در بطون و خلفای ارض یادگاری از احداث خود بدست آورند و سرمایه افتخار و نجات خود قرار دهند ولی ما بر عکس در بر انداختن آن آثار شوق و رغبت داریم - نه تنها اینگونه با گذشتگان خود سلوک مینماییم - با هم همصران نیز بهمین شیوه نگوئید رفتار میکنیم فی المثل (نظام الملک) وزیر ملک شاه سلجوقی صکه درین وزراء خلف و سلف یک و فرداست و همگاش صاحب رتبه عالیه و افکار حسنه و تدابیر نیکو میدانند چون دید حسن - باج دفتر جمع و خرج دولت را به بهترین اسلوبی مرتب نموده و شک و حسد در کانون سینه اش مشتمل شد و این مهمل بزرگ را که از کارهای تاریخی محسوب میشود و هزاران هزار خدمت به نام علم و کمال و دولت و ملت مینمود بهوای نفسانی ضایع و باطل نمود و زحمات فوق العاده مخترع را بدون هیچ سببی ظاهراً بدر نمود

بلی این طاعت سالهاست درین ما رواج گرفته و بزرگان مهرش بدل نموده و بموم افراد حق علماء و وزراء و روزنامه نگاران سرایت کرده از نیرو احتیاطات مفیده ضایع و محکمتب عامیه میان ما محو و نابود میشود ثروت خود را تمام و قوانین اساسیه که اولین و هیله سعادت امم و مال است به صرف خود ستانی و خود کامی منسوخ میسازیم - یا لعجب !

حکام فرنگ و (قریصلا تورها - مقتنین قوانین سیاسیه) قالب از احکام شریعت فراء اسلام را که در کتب آلهی وارد شده چون بسلیقه و وجدانشان مطبوع آمده و بمیزان عقولشان مطابق کشته پذیرفته و معمول داشته اند و بمحکمت بالغه به علو مقام شارع مقدس اقرار و تصدیق نموده اند چرا که واضح هر قانون باید از هرگونه اضرای خالی بوده در جمل قواعد ملاحظیات شخصیه و تعصبات دینیه را منظور نماید - چون در بلاد فرنگ شخصی از خود آثار خیریه بگذارد و بدرود حیات کند نتوان او را مرده شمرده چه اگر روحش از بدن مفارقت کرده و جسمش در زیر خاک تیره پنهان است اما افکار و خیالاتش منظور انظار است ولی در ایران کسی چون از زندگانی دست بشتت مقاصد و مذویالتش با او در شکم خاک مستور و پوشیده میبند - بلکه هر حکومت بمجرد خلق از شغل و عمل تمامی زحماتش بدر شود و شکل کار از روز اول صد مرتبه بدتر

این میرزا قیچخان امیر اتابک است که و نور عقل و درایت او را کور و بینا پیر و برنا نادان و دانا مقرر و مصدق اند و کمال هوش و کیاست و فهم و فراست و پری مغز و وسعت افکار و علو خیال و حسن نیات و تدابیر و کثرت خدماتش را بملک و ملت یگانه و بیگانه دوست و دشمن بیک اتفاق حقیقی معترف اند چه شد آن اندیشه های بلندش که پیروی آنها موجب سربلندی ملک و ملت و استحکام امور دین و دوات بود - گویا بر وزراء بعد از او چون حکم آسمان فرض و واجب بود که در انهدام و اضمحلال آنها بکوشند و نقشه جات مفیده اشرا بیک خامه بیرحمی و حقی ناشناسی قلم بطلان کشند - کارخانجات قدر بزی و کبریت سازی و پارچه بافی و بلور سازی جز بهمین سبب نبود که معطل و محروم بگشت و از آنها یادگاری غیر از آنکه غم و اندوه و داغ غصه و افسوس بر بگر و وطن پرستان غیر نموند باقی نماند - از اینجاست که سیاسیون خیر گفته اند (استبداد اصل هر فساد است) ازینرو بود که روز بروز احوال مملکت و رعیت آشفته تر میگردد تا رسید بنقطه که (علی شاه حفره من النار) واقع شدند و همه عقلاء دانستند که اگر چندی حال باین وتیره ماند عاقبتی وخیم و هولناک ملت و

اگر مقتضی دانند در جریده مقدسه درج فرمایند که
قدر بزرگان معارف برون پیشتر مشهور افتد

تبریک نامه نیست که از طرف

رؤساء و معلمین و متعلمین مدرسه

(سعادت مظفری بقونسلیخانه دولت نجفیه روس)

(انقاد شد)

یازدهم شهر شوال - حضور جناب

(جنرال پاسک) جنرال قونسول دولت بهیه روس دام

اقباله در این موقع عید سید و جشن هاپون نام

گذاری اعلیحضرت امپراطور اعظم حکم ممالک

روسیه عن نصره بمناسبت جهت جامعه دولتین علیتین

ایران و روسی اجزاء مدرسه مبارکه سعادت مظفری

بوشهر از رؤساء و مدیر و معلمین و متعلمین با کمال

احترام از صمیم قلب عرض تبریک و تهنیت نموده

ادعیه خالصانه خود را بجهت سلامتی اعلیحضرت امپراطور

اعظم و فتح و فیروزمندی عساکر نصرت مآثر تقدیم

می نمایند و همواره دوام اتحاد دولتین علیتین و

سلامتی شخص جنابعالی را که در خلیج فارس نمایندگی

آن دولت فخریه مستید از خداوند متمسک جل

شاه درخواست و تمنا دارند زیاده تصدیق نمیدهند

ایام حشمت و جلالت مستدام باد

جوابیست که از طرف

قونسلیخانه نجفیه روس بمدرسه سعادت رسیده

(از طرف جنرال قونسولگری دولت قویشوکت)

نجفیه روسیه در خلیج فارس مقیم بندر بوشهر)

طالبجنابان فضایل نسا بان عجم محترم رؤساء و

مدیر و معلمین و متعلمین مدرسه مبارکه سعادت

مظفری زید افضلهم العالی - در کمال توقیر و احترام

خاطر مودت ذخایر شریفشانرا قرین استحضار

میدارد - در حقیقه این عید بزرگی بود از برای من

خصوصاً از جهت حصول مراسم صمیمی آن طالبجنابان

که محتوی بود

اولاً بر صدور تبریکات شریفه سریع الاثر قلب

روسی من

ثانیاً بر ظهور ادعیه خالصانه بالنسبه بوجود

سلطنت را حادث خواهد شد که هیچ کاتب جبری القلم

نتواند شرح آنرا بنویسد و در هیچ تاشاخانه نتوانند

کابینتی در تاشا آرد و هیچ مصوری را ممکن نشود

تصویر آنرا بکشد - (باقی دارد)

مکتوب از بوشهر

دوشنبه یازدهم شوال که مصادف با جشن نام

گذاری اعلیحضرت امپراطور اعظم کل ممالک روس

بود (جنرال پاسک) جنرال قونسول دولت مشارالیه در

قونسلیخانه جشن بزرگی گرفته با کمال احترام از جناب

دریابگی فرمانفرمای کل بنادر خلیج و کارگذاران

و سائر بزرگان و قونسولات و تجار داخله و خارجه

و عده خواسته در دیوار قونسلیخانه به بیرقهای

الوان قشنگ مزین و رهگذار از کلهای رنگارنگ مزین

و حماسهای متعدد که همه به مبلهای خوب و اسبابهای

مرفیوب آراسته و از مآکول و مشروب و حلویات و

میوهجات ملو و پیوسته بود فراهم - سدیدالسلطنه اکت

قوااگری دولت مشارالیه در بندرعباس و بندرآنکه

که برای تبریک به بوشهر آمده بود جهت پذیرائی حاضر و

نظار دقیقه غفات نداشت و همت میگاشت که بصوم

مدعین خوش گذرد - بررود شخص شخص ایالت بیرق

شیر و خورشید بالای از جمیع بیرقها کشیده شد - دو

سال است که این ترتیب را (جنرال پاسک) نهاده که در

ورد ایالت بقونسلیخانه بیرق شیر و خورشید صعود و

در خروج ایشان زول میکند و جشن امسال بجهت

عیدیه شایان تر از سابق بود زیرا که سال گذشته در ایام

ماه مبارک رمضان واقع شد ازین رو بدین رونق نبود

بالجمله پس از آنکه مجلس از میهاتان محترم بر شد و

کوکه ایالت ورود نمود جنرال پاسک خطبه و نطقی که

مبنی بر اتحاد دولتین و دعا گوئی وجود مبارک و در

شاهنشاه اعظم و تهنیت ورود مدعین بود انقاد نموده

سپس جمعه فتوگراف به تنفی و موزیکان بنواهای مفرح

مترنم و هرکس به میل و رغبت خود هرچه طالب بود

از مآکل و مشروب صرف و مجدد بدعاگوئی وجود

مبارک شاهانه رطب اللسان و مجلس اختتام پذیرفت

روز بعد از طرف هیئت جموعه مدرسه سعادت

مظفری رفته تبریکی خدمت جنرال پاسک انقاد شد

و ایغان جوابی مرقوم فرموده تقاً ارسال می نمود

مسعود مقدس اعلیحضرت امپراطور اعظم من مسکه
مسجود نام روسیان است

تاکا بر بروز تمناهای خیره نسبت بوطن مآلوف عزیز
من اثر این تبریکات و تمناها در منور نمودن قلب من
مؤثر تر از نور افشانی و درخشندگی آفتاب گردیده اند -
دو این موقع دور بودن از وطن مآلوف این تمناها
برای من تسلیهای دل شادانه شده اند - زیرا که با این
تمناها بیچ وجه خود را تنها نمی بینم - و می بینم که
پایین مردمانی واقع شده ام مسکه اگر چه از نژاد و
مذاهب مختلفیم ولیکن برای این نوع پیغامهای گرانها
میفرستند - و آنها بواسطه فطرت حمیده و سببیه
پسندیده خودشان قدر و منزلت دودمان روسی ما را
حائز اند - و در اندوه زحمات حالیه ما حالت اشتراک
پیدا نموده اند که با کمال میل خاطر نسبت بمن که نماینده
دولت نفیمة روسیه ام اهداء سخنان مسکرم محبت آمیز
جویت انگیز مینمایند

آیا بنوعی که باید و شاید بالنسبه به آن طالبجنابان
تشکرات و امتقانات بلا نهایت خود را از جهة دریافت
مراسله مودت مواصلة گرامی شاندم بواسطه صدور
تبریکات شریفه و ظهور ادعیه خالصانه شان برای
سلامتی وجود مسعود مقدس اعلیحضرت امپراطور
اعظم خدایه ملکه و سلطنته و تمناهای خیره شان
در حصول نصرت و فیروزی عساکر نصرت ما اثر
و ازدیاد اقبال و اجلال آن دولت قوی شوکت
میتوانم اداء نمایم - بدین است کاینچی نمیتوانم از عهده
اداء آن برآیم - ولی بطور حقیقه میگویم مسکه در
کجا خورسندیم از حصول مراسله آن طالبجنابان و
بی نهایت معنوفم که تحریر این مراسله شخصی فقط
بواسطه ظهور علائم دوستی و مودت معنوی شان بوده
که محمول و نتایج خلت و محبت قلبی شان است -
گذشته از اینها این مراسله گرامی است در نزد من
زیرا که فرستاده شده است از طرف کسیکه می آموزاند
و می آموزد علم و راستی را که در حقیقه موجب
حصول شرف و ترقی و علو درجه و ازدیاد بصیرت
انسان است - و آن علوم و سوسه ر بیانات باطل
را زایل میکنند - و افق و دایره علم و اخلاق و ادب
را توسعه میدهند - و خیالات و افکار و تدابیر و

احمال لوازم السانی را تمتد و دستکم مینمایند -

من میتوانم تصور کنم از این شادمانی و فرحناک
که از وصول مراسله آن طالبجنابان بر من رخ داده با
تهنیت و تبریکاتی که شامل بوده و ظهور این مسرت
داخلی از برای من اختصاص پیدا کرده که تا بحال از
برای هیچکس در جنوبی ایران بلکه در تمام ایران حاصل
نشده و از این جهت است که آن را دارای یک اهمیت
و اعتبار مخصوص میدانم و در نزد من خیلی گران بها
است - بسبب آنکه احساس نفیات جدیدی از مآثر
شرف و علم و ادب مینمایم - و خیلی معنوف هستم
که می بینم آن طالبجنابان در اقتنای علوم و افشای آن
و بهره مند نمودن ابناء وطن عزیزشان سعی و جاهد
هستند - و خصوصیات محبت آمیزشان بالنسبه بمن اظهار
داشتند - و با همه اینها بر آن طالبجنابان بدرجه ثبوت
رسیده که علم و راستی که سالک آن مسلك هستند و
از این فیض عظمی دیگران را هم مستفیض مینمایند تا
بحال فواید حسنه و نتایج مستحسنة خود را بعد از
تصفیه باطن و تهذیب اخلاق بخشیده است - و بالنسبه
بمابق بر استعداد و توسعه علم و ادب افزوده است -
که در حقیقه اکنون قدم بزرگ بذروه مدارج علوم
مدنیت گذارده اند - و از صمیم قلب تمنا میکنم که کاملاً
ارتقا به اعلی درجات آن بنمایند - و البته مراسله آن
طالبجنابان و تبریکات سمیمی شان در پیشگاه اولیای
دولت قوی شوکت نفیمة روسیه معروض خواهد گردید
در خدمت طالبجنابان رؤسا و مدیر و معلمین
مدرسه سعادت مظفری مجدداً اظهار سلام مینمایم و
نیات صادقانه خود را بالنسبه به ایشان تبلیغ میکنم -
و با تمسای تمام از درگاه کبریا حضرت حق مطلق
سبحانه و تعالی مسالت مینمایم که سلامتی و استعداد
کامل به ایشان عنایت فرماید که مساعی حبیله در
انکشاف و توسعه علوم و ترویج راستی بهره ظاهر
رسانند - و از کرم لایتناهیش امیدوارم که معلمین
را موفق بدارد که از تأثیرات اشته علوم کامیاب و
بهره مند گردند و در راستی زندگانی کنند - ایام و داد
انجام مستدام باد (جنرال قونسل یاسک)

خبر اخبارات تلگرافی

بموجب خبری که بواسطه رسیدن دولت روس را

چونکه توب ینبه شلیک می شد در مقابل عمارت شاهی توبی با گلوله شلیک شد و امپراطور روس قدری دور بود با حدی صدمه نرساید برخی را عقیده این است که این عمل بسازش بوده است تحقیقات لازمه در این باب می شود

§ در مجلس حکمیت حادثه بحر شمال وکلای دولتین روس و انگلیس بیانات خود را اظهار داشته چندان پایه جوش و خروش عامه نگردید. بیانات وکیل روس تازی نداشت و بسیارست بود همین نکته را دلیل گرفته که امیرالبحر برای حفظ جهازات جنگی خود این عمل را نموده است

§ رئیس مجلس حکمیت (هیگ) را دولت روس جواب داده است که از روی قطع و ادله کافی دولت چین قوانین بی طرفی از جنگ را مراعات نکرده است

مکتوب یکی از خیرخواهان بصیر

(از شماره ۱۸)

طرفداران جنگ مردمان معدود بودند و اکثر رجال دولت روس در عایه جنگ بوده و هستند شامد این مقال چهار ماه قبل دست و گریبان شدن وزیر خارجه و (قنایز دول قورا روی) در کوجه پترزبورگ است که در علیه وله جنگ گفتگوی بسیار بطول انجامیده طاقت دست و گریبان شدند بالاخره با مداخله پولیس از هم جدا گردیدند (دول قوروی) از رجال معتبر دولت و از نمایای ملت و مهدی دور اندیش میباشد نه تنها قنایز - اکثر رجال را رای براینست که دیگر مارا ملک ستانی لازم نیست ملک ما وسیع است مالک یک ربع ربع مسکون شدیم ولی ما همان فقیر اراضی ما خالی و اهالی مملکت ما بر تربیت اند باید در چاره آبادی مملکت و تربیت و ثروت ملت بکوشیم فی الحقیقه هرآنکو از فن جغرافیا اندک بهره دارد همینکه اراضی روسیه را بمد نظر در آورد و صرف نظر از چند شهر مانند (پترزبورگ) و مسکو ووشو و امثالهم نمود خواهد دید در یک قره که دو بیست خانهاست یک من ظرف سی یافت نمیشود و از برای دو بیست نفر دولخاف وویک بآتش موجود نیست قوت ایشان همان نان سیاه و نان خورشی نمک

ادله صحافیه هست که دولت چین از قانون بی طرفی جنگ انحرافی ورزیده و اگر دولت چین رفتار خود را درست نمکند دولت روس بدانجه قائده خود را بپند رفتار خواهد کرد

§ جهاز آلمان [ینگالیه] نام ذغال حمل داشته که بجهازات بالتیک برساند. بکوی مصادم شده شکسته است § هشت هزار نفر از کارخانجات پارچه بافی در پترزبرگ دست از کار کشیده و در (ورشو) نیز عملجات کارخانه حدادی نظا را دست از کار بکشند

§ (استندرد) می نویسد کسانیکه در روسیه دست از کار کشیده اند در پترزبرگ سه مجلس نموده و همه خواهش دارند که رأی انجمن های ملی را رسا دولت به پذیرد جنگ موقوف شود. محبوسین سیاسی که در راه وطن حبس شده همه را آزاد نمایند روزنامهجات را آزادی بخشد و افکار ملت را آزاد کند

§ عده کسانیکه دست از کار در روسیه کشیده صد و هشتاد و پنج هزار اند

§ بطریق نیم رسی در پترزبرگ اشاعت یافته که جنرل (مست جنگو) در (لشو) قبل از آنیک شروع بجنگ شود منتظر اخبار مازعه شرق بود

§ کیتان جهاز (ریچلی) را دولت روس بواسطه خدمات جوانمردانه که نموده بود شان (استانسوس) داد § مخبر (روتر) از (پترزبرگ) خبر میدهد که دست کشیدن از کار در روسیه تجارت و انتظامات ملکی را بر باد میدهد کسانیکه دست از کار کشیده خواهش دارند که قانون عملجات را تعدیل نماید و قراری برای ایام قطع داده تعالیم به همه ملت بجان داده شود آزادی خیال بموم داده سلطنت شخصی به جمهوری تبدیل باید بدین سبب کارهای تجارت همه موقوف است

§ دولت ژاپون جهاز (اوکلی) انگلیسی را که حمل ذغال برای (ولادیوستک) داشت گرفتار نمود

§ امروز صبح بملاحضه عید توبی های ینبه شلیک می شد فوراً در جلو عمارت امپراطوری توبی با گلوله شلیک شد و گلوله در عمارت شاهی افتاد کسی را صدمه نرسیده ولی هنوز علت این حادثه معلوم نیست - توبی را گرفتار کرده تا تحقیق نمایند

§ رسا در (پترزبرگ) اشاعت یافته که در یوم عید

و ظروف آنها گانه جوین و پوشاک آنان رخت
خوابشان میباشد که جارت از یک پوستین است اگر در
ایجاد یک پارچه گوشت خوک و یک شیعه (و وقتاً)
بدست آورند گویا به جشن عظیم نائل گردیده و عهد
اعظم آن پیچاره مردم است. دانشمندان و بزرگان ملت
حکمه بر حال این بد بختان آگاهند تمام همشان معارف
بسعادت حال آن در ماندگاست اما (قره باتکین) نقشه
حله بر ایران و هندوستان را ترتیب میدهد. باید از او
سؤال نمود آیا معتقد بخداست یا بطبیعت اگر اعتقاد
بآفریدگار دارد باید پندیده چنانچه شخصی بدارائی
خود جبهه جلب منفعت عمارت مفت آشیانه بنا نماید و
در استحکام او بقدر امکان کوشیده و در زمین او
در نخستین پایه صرف مقدرت نموده پایه او را با ستون
های مرمر اعلی استوار نموده و همگی عمارت را با
روغن طلا و لاجورد منقش و بعد از آن بقدریکه
مصرف عمارت نموده جبهه انبساط یعنی مبیل آن خانه
حایه گذارد و در خور آن عمارت همه ما یازمش را
گرام کند پس از انجام همه گونه مایحتاج که با کمال فرح
و اتیسات خاطر میخواست نقل بدایجا نماید یک ظالم
یرحمی علی الفتنه بلاسبب آتش بدان عمارت زده بنیاد
آن بنا را با لیب آتش ستم بر آب رسانیده و جمیع
اثاث او را خاکسخت نماید منتقم حقیقی از آن ستمگر
خواهد گذشت و کینر نخواهد داد و یا مردم حکمه
اندک بوی مردمی در آنان یافت میشود با آن ظالم غدار
چه معامله خواهند نمود

معلوم است حضرت آفریدگار را از خلقت بشر
متسود نیست. چنانچه میفرماید شارا عبت خلق نمودم
و بر همه مخلوقات برتری بخشیده و بخلاب مستطاب
و نقد کرمانی آدم متعز و مرافراز داشت است. پس
اگر کسی یافت شود که با کمال بی پروائی صد هزار از این
خلق مکرم را دفعتاً واحد بکشتن دهد قادر بحکمت
و جبار منتقم با توجه معامله خواهد کرد؟ بی اگر لطف
او چندی مدارا کند محقق است چونکه از حد بگذری
و نتواند کند

و اگر (قره باتکین) بخدا قائل نیست و در زمره
طینیبولست با او باید برفت منطق سخن راند و دلایل
شرعی تراش خواهد زد. ولی چون روی سخن با کسی است که

بهد موافق عقل با او سخن گفت صاف و ساده سخن
هرودن لازم است. لذا میگویم و استعجاب بشر
و حدیث و دلیل عقلی هم نمیابیم. با او هرگاه تاریخی
میکنم خوب است درست بتاریخ دقت و فکر نماید
اقراسیاب را از ایران طبیعت خارج کرد نه رسم زال.
اسکندر را از ایران طبیعت راند. چنانچه وزیر بادالش
و فیلسوف با خرد وی به او گفت ماندن تو در ایران
نایبی است بخلاف طبیعت و زمین نتوانی زیرا اگر
زمین خواهر، باید تمام یونان به ایران جلب نای و با
خودت ترک ایران حکوی. چون مطب نخستین غیر
ممکن است صلاح اینست که مردم ایران را بهم مشغول
داریم تا در فکر انتقام نیوفتند

نابلیون را از خاک مسکو طبیعت راند و (باواراسی)
طبیعت اشرف و قوم افغان را در ایران بخیل برد
نه نادر. جنگیز و قوم جنگیز را طبیعت مهروم نموده
و نامی از او باقی نگذازد. محال است حکمرانی با چندین
هزار سپاه در مملکتی که دارای بیست میلیون نفوس عبور
از ملت واحد است نموده و با سایش زندگی و حکمرانی
کرد. ایران دخل بقفقار ندارد که همه گروهی درهم
است و ملک خردم نمیباشد و ایرانیان قوم نامار و ترک
هم نیستند تا امروز هرکس روس ایران را نموده و بایک
قوة قاهره به ایران استیلا کرده طبیعت ایرانی او را
حضم نموده و این معنی بشهادت تاریخ بر همه کسی
معلوم است هیچ حاجت باظهار و اصرار نمیباشد و در
بطلان خیالات فاسده (قره باتکین) که با بیست و پنج هزار
عسکر فکرها بر سر دارد همین قدر کافی است

باری گذشته از همه چیز این جنرال محترم نمی
اندیشد (بقره سبورک) کجا کرمان و بندرعباس و شیراز
کجا و آنکمی چگونه میتواند بدون آنکه جنس او بر
جنس ایرانی تفوق جوید در آن ملک حکمرانی نماید
قوم متعصب روس با ملت متعصب عبور ایران چگونه
استزاج توانند نمود و حال آنکه هر قدر تقرب پیدا
کنند جهان درجه تعصب آنان بیشتر و سخت تر و
دم بدم افزون میگردد. و (قره باتکین) از کجا یقین
حاصل نموده که در هنگام عبور و تجاوز سوی قوه
ایران قوه دیگر با او مقابله نخواهد نمود و یا با قوه
مطلی و اسلحه ناری به ایرانی همراهی نخواهد شد و

چگونه اورا اطمینان حاصل شده است بقول ابویابی سه میلیون عشار غیور که اقلأ با صد هزار سوار جسور مسلح در میان آن هست همی ترک غیرت و ملت گفته شمشیرها را شکسته و دست خود را بسته اطاعت بدو فرو خواهند آورد. با این لاف و گداز کار انجام نمیکرد بی اسباب نمیتواند حکم عمود که کشتی های دولت انگلیس به بندر عباس وارد نشود این سخن را کسی میتواند بگوید که قوه بحریه اش بر قوه بحری رقیبش تفوق داشته باشد. اینهم امری است محال اگر او یک کشتی در دست کنی حریف دوبلکه سه در مقابل مینماید. علاوه از تفوق و فزونی دیرینه. فرض اینست (کاول اندیشه و آنکسی گفتار) بزرگان گفته اند چندان بخور که جانت بیاید. چندان که دهانت بر آید.

بلی این سخنان خام نلهم از طرف جنرالهای قس برست گفته میشود والا وکلای با دانش دولت و بلکه عموم ملت روسیه هرگز در این خیال نبوده و نیستند و دولت و ملت ایران میدانند پس از معاهده ترکمانچای هیچوقت از طرف دولت قوی شوکت روس تا حال تجاوز جبری بحتوق ایران نشده و پیوسته چنانچه شاید و باید در جمیع موارد مواد عهدنامه را رعایت نموده اند دوستی و اتحاد دولتین از آن قوی ترست که با اینگونه سخنان جنگ جویانه سرداری به ارکان او خلل وارد آید و مارا پریشان خاطر سازد اگر پریشانی از نقشه او روی آورد بخود دولت بسته است

گرت مواسست که مصفوق نگسده پیوند نگاهدار سر رشته تا نگه دارد

باری مقصود مطلب دیگر بود یعنی خیال داشتم رساله (قراف فونت دولت اوف) را که از مشاهیر و ارباب دانش و فکر و قلم است و در علیه این جنگ و سوء رفتار این رجال نفس برست نوشته ترجمه نمایم تا قارئین بدانند ملت روس در علیه (قره باتکن) چها میگویند ولی معذرت میخواهم که شب از نیمه گذشته و حسته شده ام اگر حیاتی باقی باشد در آنی هر وقت موقع بدست آمد ترجمه و ارسال خواهد شد (ع - م)

«مجلس سالانه انجمن و مدرسه مبارکه مظفری»
«و تقسیم انعام شاگردان»
بشایع بست و چهارم جنوری بحسب دعوت

امة مخصوصه که از جانب جناب مفتی السلطان وزیر مقيم، مؤسس انجمن تقسیم شده بود. از ساعت پنج مجلس بسیار با شکوهی در عمارت عالی انجمن منعقد گردید. نمایان جلوه عمارت و آندرون عمارت انجمن به برق شبرو خورشید و سایر بیرقها و مبلها و چراغهای رنگارنگ مزین و مزین بود. حماید و بزرگان از هر فرقه و قوم مدعوا رونق افروز شدند پس از اینکه انجمن از حماید و بزرگان مشحون گردید جناب مستطاب آقا شیخ محمود گیلانی شمس العلامه صدر انجمن اظهار فرمودند (قرار بود نواب اشرف والا آقای سلطان محمد شاه سرپرست انجمن تقسیم انعام به اطفال مدرسه فرمایند. ولی قبل از انعقاد این مجلس نواب اشرف والا لازم بمبئی شدند. لذا من مستدعی هستم که جناب مفتی السلطان وزیر مقيم بکرمی ریاست این مجلس نشسته بدست خود تقسیم انعام با اطفال فرمایند) جناب آقا سید حسین صاحب نایب صدورتانید نموده آقای وزیر مقيم بکرمی ریاست مجلس نشستند از آن بعد منصرف انجمن (سکرتری) بر پای خاسته بموجب ذیل تقریر نمود

«تقریر منصرف انجمن مبارکه»

آقایان من - از عنوان دعوت نامه علت انعقاد این مجلس میمون علی سیدالاجمال معلوم - که مجلس سالانه این انجمن و تقسیم انعام شاگردان مدرسه مبارکه مظفری است - با اینکه غالب محترمین که در این مجلس رونق و روز اند از مقاصد طایفه این مدرسه و انجمن واقف میباشدند - باز هم من بحقیقت (منصرمی - سکرتری گری) فریضه ذمه خود داستام که شمه از پیشرفت مقاصد این مدرسه و انجمن بیان نمایم

اولین مقصود این انجمن اتحاد قومی و روابط ملی ایرانیان است بمحداقه. این انجمن با این همراکم بدین مقصود نائل شده روابط ملیه بدون ملاحظه مذهب در بهترین اسلوب جلوه شهود نموده است - همه میدانیم صدها سال است ایرانیان از مسلمان و فارس و اوامته و غیره در کلهکته متوطن بوده هیچ گاه بدینقسم مربوط و معاضد یکدیگر نبودند - یقین است این انجمن مبارک هر قدر بمقاصد خود پیشتر نائل گردد - نتایج حسنه بهتر از او بمنصه بزور خواهد رسید

انجمن مظفری در اتحاد جمیع فرق اسلامی و ملل متحد زمین اقتیادات مجتاهه نموده. و تادرجه منقضي الترام گردیده است و

از مراتب نتیجه آموختن است که هیچ ایرانی از قوم
و مذهب درین اساس مقدم نموده اند

مدرسه مظفری که علت فائق المقادیر این انجمن است
سال گذشته وقتی افتتاح شد فقط هفت شاگرد داشت -
امروز قریب سیصد شاگرد دارد و چهار کلاس برای
تعلیمات آن مقرر شده است - درین قلیل مدت با عدم
موجودگی اسباب این مدرسه ترقیات نمایان کرده و اینک
زیاد برحیثیت خود شاگردان دارد که نظر بخدمت تحصیلشان
هریک باندازه خود منتهای ترقی را کرده اند

شاید برخی که کاملاً از مقاصد عالیة این انجمن
واقف نیستند چنین امور میکنند که در اقصی بلاد
بنگال و بای تحت حکومت انگلیس در هند - مدرسه که
بروگرام تعلیماتش با اصول و زبان فارسی باشد چه نتیجه
و فایده تواند بخشید - برای دفع این شبهه عرض
مینمایم - مدرسه مظفری بدین اصول هم بجات خود
و بدولتین ایران و انگلیس و هم به اهالی هند بهترین
خدمات را قابل و مصمم گردیده است

(۱) ترقی زبان ملی و اشاعه و اذاعه آن در مال
خارجه بالا ساله مترتب بتایج بزرگ است - برای ثبوت
این معنی شرحی مبسوط در کار بست و دلیلی بهتر ازین
نتوانیم بیان نمود که امروزه جمیع مال و دول متمدن
مقتدر ملایر ما در خارجه صرف اشاعه و اذاعه زبان
خود مینمایند و در ازای آنچه مصارف و زحمات و
جائزهای نیکوترین قوتی که از آنها دولت حاصل میشود
از خارجه برای خود جلب میکنند

(۲) چون این مدرسه علوم جدید را تعلیم میدهد
و زبان انگلیسی را زبان دوم تحصیلات خود قرار داده
احتیاج بزرگی را از ایرانیان تواند دفع نمود - و هم قریب
میتوان امیدوار شد که اگر این مدرسه چنانچه مقصود
مؤسسین است پیشرفت مقاصد خود را باید شاگردانیکه
از ممالک جنوب ایران برای تمام با مصارف گزافی در
فرنگ - و بدین مدرسه که اساس ملیت آنها را مستحکم
تر میباشد با مصارف کم برای تحصیل علم و زبان بیایند

(۳) خدمات مدرسه مظفری بدولتین ایران
انگلیس که در دولت همجوارند بسیار میباشد - من جمله
حفظیات زبان دولتین متعاقبتین را محتاج نموده بکسانیکه
زبان انگلیسی و فارسی را چون اهل زبان بداند تا

بذریعه آنان روابط اتحاد و تجارت و سیامتشان پیش
گردد و نیاده بوجه اتم نموده دفع ضروریات خیالات
خویش را بنمایند - امروز حکومت هند در این مقصود همه
ساله مبالغ گزافی خرج مینماید و ناکنون آن نتایج را
که مد نظر دارد کماختنی حاصل نکرده است - مدرسه
مبارکه مظفری در حیثیت یکی از مقاصد بزرگ حکومت
هند را انجام میدهد و آدم بواسطه خدمات عمده
حکومت مشارالیه آماده میسازد - لذا میتوان گفت
پس از نتایج عمده این مدرسه (که عتقرب بروز
خواهد کرد) حکومت هند نیز منتهای همراهی و سر
پرستی را چنانچه دولت علیه ایران ازین مدرسه داشته
و دارد خواهد نمود

(۴) خدمات مدرسه مظفری با اهالی هند یکی
این است که تا کنون زبان فارسی زبان عالی
هندیان - و از آباء و اجداد خود این زبان شیرین
را بودیت و یادگار دارند - و بواسطه عدم موجودگی
اینگونه مدارس در هندوستان زبان فارسی مقرض
گردیده و این موروثه آباء که سرمایه علمی اهالی
هند بود از میانه رفته و میرود چنانچه فارسی دانان
هند بواسطه همین منقست از نیاده خیالات با ایرانیان
که علت فائق تعلیم زبان است محرومند - علاوه بر این
دانستن اردو که زبان عمومی هندوستان است مربوط
بفارسی میباشد هیچکس انکار این معنی را نمیتواند نمود
که هرکس از اهالی هند فارسی را بهتر داند اردو را
ماهر تر خواهد بود - پس اشاعه زبان فارسی در هند
مورث تکمیل زبان ملی و پادری اهالی هندوستان است
و این امر از طفیل مدرسه مبارکه مظفری تواند شد
پس از این بیانات میتوانیم گفت اگر چه مدرسه
مظفری هنوز مختصر میباشد ولی چون مقاصد او بسیار
طالی است عتقرب ترقیات شایانیکه در خور این مقاصد
عالیه است خواهد نمود بملاحظه این مقاصد عالییه میباشد
که نواب اشرف والا آقای سلطان محمد شاه که رئیس
روحانی یک گروهی بزرگ و ممتاز ترین هند - و
طایفه نثر ایرانیان هندوستان و در نزد حکومت طایفه نوات
احترام را دارد - سرپرستی این انجمن و مدرسه را
و هم قسم در تکمیل نواقص آرزایند و سایر
پس ما را است که از مؤسسان این

خیالات عالی که جناب منعم السلطان وزیر مقيم است منكر باشيم و اين خيال عالی و مقصود اعلايشان را که تاکنون بخاطر احدی از ماها بطور نکرده بود تعجب گوئيم

آقایان - امروز اول العالی است که بشاگردان مدرسه مبارکه مظفری تقسیم میشود - چون این مدرسه بنام مقدس اعلی حضرت شاهنشاهی است و جناب مؤسس نیابت دولت علیه و میزبان محترم این مجلس اند نظر به استقامت جناب محتاب آقای شمس العلماء صدر انجمن جناب وزیر مقيم بجهت و بساری تقسیم العالی خواهند فرمود

سپس مع اول جناب آقا محمد مهدی صاحب شیرازی يك يك اطفال را بحسب درجات کامیابیشان در تعلیم خوانده العالی که برای آن طفل مقرر بود آقای وزیر مقيم باو داده و تشویق کرده مجلسیان همه اظهار مسرت و تشویق نمودند دو العالی از جانب نواب اشرف والا آقای سلطان محمد شاه داده شد یکی برای طفلی که خط فارسی را از همه بهتر نویسد و دیگر طفلی که در جغرافیا بر همه اطفال سبقت گرفته باشد - و نیز يك مدال نقره [مستر استیفن] اصفهانی جواهری که از اعضای انتظامی انجمن است بطفلیکه زبان فارسی را از همه بهتر حرف میزد داده شد - آن مدال را آقا میرزا احمد فرزند ارجمند آقا میرزا محمد صاحب تاجر اصفهانی که پنج مراحل زندگانی را پیش طی نه نموده بود حاصل نمود این امر خیلی مورت خوشوق مجلسیان و مایه تشویق سایر اطفال گردید

بالجمله چون تقسیم العالیات مدرسه انجام پذیرفت جناب منعم السلطان تقریری بدین عنوان نمودند

نطق جناب منعم السلطان وزیر مقيم

آقایان - از فردرودشاهها بدوا تشکر میکنم که رونق افروز این مجلس و مورت امتنان اعضای انجمن و باعث تشویق این نونهال بوستان تربیت شده اید - شاید چندان لازم نباشد که تشریح و تکرار این امر شود که هر قوم و ملت ارتقاء بمدارج ترقی جسته بواسطه تهذیب اخلاق و تربیت اولیة اطفالشان برده است بعقیده این بنده آنچه درباره فرولاد تهذیب اخلاقی و تربیت

اطفال گفته آید جان میزان گفته شده که منزل و نهم گوینده بر آن پس برده است - ورنه فضیلت و شرح آن زیاده بر آن است که بزبان آید و فرولاد آن از درجه احمی چون میباشد - ازین است که ملل متمده مسق خود را درین راه گذارده و مسق تازه خویش را نیز ازین رهگذر یافته اند - و هر قدر درین راه بذل وقت و حیت و مال و منال بلکه جان عزیز مینمایند اثری تازه و فائدی بی اندازه از او دیده عزیز تشویقاتشان میگردد - ماها هنوز درین وادی قدم نزنه فقط سنگلاخهای اولیة او را دیده است است کرده چشم از آن همه گلاتانها که در جلواست پوشیده ایم. یقین است همینکه بچمن زار این بوستان برسیم و آن همه مناظره دلکش را مشاهده کنیم چون دیگران در این راه قدم - ست نخواهیم کرد - امروز بزرگان قوم و خیر خواهان نوع را جز این راهی نیست که تا جایکه میتواند سنگلاخهای اولیة تعلیم و تهذیب اخلاق را برای ملت هموار نمایند و موانع را مرتفع و خلوار راه را برکنند و بقوت تشویق و ترغیب کسانی که از نشاء این شرب مدام واقف نمیشاند سرشار نمایند - زحمت این بزرگان قوم چند روزی پیش نیست همینکه افراد ملت بی بدین چشمه زندگانی برودند هیچ چیز سد راه آنان نتواند شد و هیچ امر درین راه سعادت خوار راه ایشان نتواند گردید

لذا من از همه آقایان مستدعیم که تا آخرین نقطه قدرت خود در این راه اغراض نه نمایند که دنیا و آخرت درین راه معمور تواند شد - من تشکرات صمیمی خود را که الا از معاونین این انجمن و مدرسه بزبان نمیتواند ادا نمود - امید دارم که ازین و بعد پیش ازین همراهی نمایند که ازین راه به منزل مقصود میتوانیم رسید - بخدمت انجمن و مدرسه زیاده بر آنچه در تصور بود درین قلیل زمان ترقی نموده یعنی مدومی بوجود آمده و لطفه منعقد شده حالا باید سی در پیشرفت و ترقی تزییات و تربیت آن نموده چه خیلی نزدیک بمقصود رسیده ایم

از آن بعد جناب خان بهادر حاج مولوی میرزا شجاعت علی خان قونله دولت علیه ایران بیای حالت شمه در تعجب پیشرفت مقاصد انجمن و مدرسه سخن

جبل‌التین کلکته

مدیکل کالج استریت نمبر ۶

کلیه امور اداره بنا

دیوکل مؤید الاسلام است

منتظم اداره

آقا محمدجواد شیرازی است

هر دوشنبه طبع

سه شنبه توزیع میشود

بتاریخ دوشنبه

۱ ذی الحجه ۱۳۲۲ هجری

مصادف با

قیمت اشتراك

سالانه — شش ماهه

هند — و برمه

۱۲ روپه — ۷ روپه

ایران — افغانستان

۴۰ قران — ۵۰ قران

عثمانی — و مصر

۵ مجیدی — ۳ مجیدی

اروپا — و چین

۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک

روس — و ترکستان

۱۰ منات — ۶ منات

از هر کس و هر جا بلا استثناء ابواب اخبار (مقدم گرفته می‌شود)

روزنامه مقدس

کابل‌التین

سنه ۱۳۱۱

قبل از دریافت نمودن قبض اداره

فروردی میلادی ۱۹۰۵ (خریدار نباید قیمت اخبار را با حدی تسلیم نماید) ۱۰ منات — ۶ منات

در این حریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود

چنین مراسلات عام المنفعه منبول و در انتشارش اداره آزادست

فهرست مندرجات

- تلکرافات • جنرل استایل • مرآت اشت وز با
- مکتوب یکی از فضلی جلیل • جغرافیای ایران
- شوق • سفارت سفینه دولت علیه در رباب
- جبل‌التین • وزارت نظیة طهران • رخت سوختن
- طهران • تاریخ حرب ژاپون • مکتوب از طهران
- مکتوب از عبثی • جواب تلکراف تجار عبثی
- عید خواجہ شوپان • جبل‌التین • نوسلگری کلکته
- سواد فرمان • مکتوب از کرمان • قابل توجه غیرتمندان
- کابل • تحقیقات مجلس حکمیت حادثه بحر شمال
- مسافرت اعلیحضرت شاهنشاهی • جبل‌التین
- نواب بهاولپور • رحلت • افغانستان • روس و افغانستان
- بازدید فرمانروای هند از مهاراجه گوالیار
- دیوک و دجز آف کنات • مجلس ایشیانک سوسانی بنکله
- شفاخانه زناه • قطعه شمس • عزت و ثروت

تلکرافات

(۲۱ ذیقعدہ - ۲۹ جنوری)

روز نجات پتربرگ (ایسپیل میسجر) و (جرنل دی سنت) که رسمی است از مسکو تلکرافی را اشاعت داده اند که سفیر دولت انگلیس مجدداً

با سختی و شدت به دربار روس اعتراض کرده که رئیس پلیس قولل انگلیس را آگاه کرده است که من بدمه واری خود آن اعلان را اشاعت داده و باقی خواهد گذارد که بلوای روسیه بسازش ژاپون و انگلیس بوده و نمایندگان انگلیس صلحعات را تأیید می‌نمایند - چه در جواب این اشتها عذری که پیش شده چند قابل استماع نیست قواسل انگلیس از مسکو این خبر را به سفیر پتربرگ تلکرافاً خبر داده است

جنرل (کرویاتکن) نتایج جنگ پست و ششم را تلکرافاً خبر میدهد که قشون ما بر میسر لشکران ژاپون حله آغاز نموده و مقام منبری را با آنکه ژاپونیان خیلی ایستادگی کرده متصرف شده دشمن را با شمشیر عقب نشاندیم و حله که بر مینا اردوی دشمن شده بود ژاپونیان رد کردند

جنرل (کرویاتکن) خبر میدهد - حله را که ژاپونیان در چین معاود و اردوی ما کردند سختی رد شد پس از آن جنگ بسیار شدیدی شام ۲۵ ساعت هفت فوده (سندیسو) را متصرف شدیم و همان روز یکصد نفر ژاپونی را اسیر نمودیم - بتاریخ ۲۶ قشون ما حله بر (سپاسیون) نموده قلعه بندی دشمنان را در (شاموین) متصرف

شدد حملات ژاپونها در (سبزو) که جدا نموده بودند
رد کردیم ژاپونيان از ساعت چهار عصر امروز مجدداً
حله بر (سندیو) را محصور کرده اند

(۲۲ ذیحده - ۲۰ جنوری)

§ مراسم که جنرال (گرین برگ) سه ساله دوم
قشون روس در منچوریا فرستاده ظاهر میدارد که
ژاپونيان با دایری و مردانگی تمام به لشکریان حله
کردند و جنرال (کندرانتوش) در آن میدان مجروح شد
§ سفیر دولت انگلیس [سرجارلس هاردنگ] را اعلاتیکه
در مسکو اشاعت یافته بود اعتراض کرده و وزیر خارجه
روس را متنبه ساخته که این گونه اعلانات در اساس
اتحاد و یگانگی دیرینه دولین روس و انگلیس رخته
خواهد انداخت

§ در [وارسا] اغتشاش از امروز زیاد شده - يك
سد و شصت نفر بلوایان مقتول و مجروح شده اند
برقشون ساخلوی آن صوب خرابی افزوده اند چه خوف
آن است که بلای بلوای بالا گیرد

(۲۳ ذیحده - ۲۱ جنوری)

§ کونت [لسدوف] وزیر خارجه روس بسرجارلس
هاردنگ سفیر دولت انگلیس اطلاع داده که تأکید
شده است که درباره حله که بر جنرال قونسل انگلیس
در (وارسا) شده تحقیقات لازم به شود و اعلاتیکه
در [مسکو] اشاعت یافته جمع نموده باره نمایند و نیز
درباره سلوک بلوایان [مسکو] کمال تأسف را ظاهر
داشته است

§ دیروز شام شش هزار نفر درباریس جمع و درباره
حادثات داخله روس و ظلمی که بر اهالی رقی بخت و
اظهار همدردی با اهالی روس کرده و تعدات یابیس را از
حد اعتدال زیاده بیان کردند همینکه مردم از مجلس بیرون
آمدند يك نارنجک میان آنان افتاده دو نفر مجروح
شدند - نارنجک دیگر بیرون خانه (پرنس گرو تینرکوف)
آمانی سفارت روس انداخته شد

§ ژاپونيان جهاز (وارنلد) انگلیسی را بجرم اینکه
اسباب ممنوعه جنگ در او بود در حوالی (هوکیدو)
گرفتار کردند

§ (تونک شانی) نایبند چین در جهل از موسنگ
برای آمدن کلکت از (هنکاتنگ) روانه شده است

§ خبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهند که جنگ
(هیوکیو) سنگرهای لشکریان روس را آتشبار میگرد
که غالباً جایکه در حول آن بتوانند آرام گیرند باقی
مانده و تبدیلات بسیار در میدان جنگ واقع شده است
§ ژاپونيان (هیوکیو) را متصرف شدند و قلاع
آن نیز به تحت تصرف ایشان آمد از شدت برف تعمیر
سنگر و قلاع جدیده دشوار است ژاپونيان هزار و
پانصد نفر روسیان را کشته یافته و وسای خود نظیر تانک
در جنگ بیست و پنجم ده هزار نفر از آنان کشته شدند
(۲۴ ذیحده - یکم فروردی)

§ جنرال (سغاردوف) اطلاع میدهد که سیصد
نفر ژاپونيان در این میدان اسیر لشکریان ما شده اند
§ وقایع نگار دلی تلگراف از (توکیو) می نویسد
که از بیست و پنجم تا بیست و نهم تقییباب روسی از
سی و شش هزار تا چهل و دو هزار بوده و ژاپونيان
هفت هزار نقصان یافته اند

§ دیروز پلیس در [پترسبرگ] بر دو جمع شورشیان در
دراب خانه حمله کرده همه را برانگنده کرده و از شلیک
تفنگ چهار نفر مجروح شدید - و يك دختر کوچک
هم بهال شد

§ از مراسلات رسمی ظاهر میشود که بیست و دوم
در پترسبرگ سیصد نفر مجروح شدند من جمله سی
و دو نفر مردند

§ شاره مجروحین (وارسا) مختلف گفته می شود
بعضی یانصد و برخی هزار و دو بیست میگویند ولی این
مقرون تر بصواب است در حوالی شهر آواز شلیک تفنگ
بگوش میرسد ولی شورش کلیه ناکنون رفع نشده است
§ خبر (روتز) از پترسبرگ خبر میدهد که امروز جماعتی

عملجات که عددشان سی و يك نفر بود به معیت مسیو
(گوگیتیف) و مسیو [تیرلیف] بحضور امپراطوری
نازل شده عرض حال کردند - امپراطور در جواب
فرمودند که حادثات متأسفانه که نتیجه این همه اغتشاش
است مبنی بر حرکات متوایه مردمان منصف بوده
آنها از تقریر امپراطور متأثر شدند - سپس فرمودند
این بدفعی ناچار بقوت لشکر بادر رخ شود - اهل حضرت
امپراطور مجدد فرمودند که زندگی عملجات باین وضع
سهل و آسان نیست باید صبر کنند و این سخنان از

ونلیفه من نیو بلکه يك گونه بر من حرام بود که این گونه جاعت را بار حضوردم و ضروریات و احتیاجات آنها را دریافت کنم - مگر من امر کرده ام که تحقیقات بشود و قاتلین رفع گردد - و نیز اعلی حضرت امپراطوری هدایت گناه فرمودند که ما شما را عفو کردیم بر گردید و بگذر خود متوجه شوید

§ جنرال (کرویاتکن) سی و یکم ماه گذشته تلگرافاً خبر داده که از شدت شلیک عساکر روسیه مقام (سندیو) محترقی شده و اونیان ازین رو از حله دیگر بر حوالی اردوی ما باز ماندند

(۲۵ دیقنده - ۲ فروری)

§ جنرال قونسل ژاپون را در بمبئی جنین خبر رسیده که روزی امپشکریان روس بر قلب لشکر ما خیلی شلیک کردند و افواج ککشان در مقامات مختلفه حمله کرده در هر قطه عقب نشستند

§ مخبر روتر می نویسد (وارسا) تا کنون در مخاطره هو در حوالی و قراء خیلی شورش است

(۲۶ ذیقنده - ۳ فروری)

§ (مارشل اوایما) اطلاع میدهد که از یست و پنجم تا یست و نهم شهر گذشته عده قضاات ژاپون هفت هزار و از روسیان ده هزار بقل آمده ولی اسرای روس می گویند که چار (رویان) پیاده روس درین جنگ نایب شده است

§ مخبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که جنگ (هیوکیچی) چنانکه معلوم شد از آن اهم تر و عظیم تر بوده که شهرت یافت - تا چهار روز جنگ با نهایت جوش و خروش قائم بود - لشکر ژاپون خیلی در مخاطره بود چراکه عده خصم زاید از حد بیان بود طاقت (مارشل اوایما) حکم داد سبجون بر خصم زنند شور جنگ را شباه آن قدر گرم نمودند که روسها تاب نیاورده راه فرار گرفتند -

§ ژاپونیان بر (هیوکیچی) حمله برده صبح یست و پنجم متصرف شدند

§ مخبر (روتر) خبر میدهد که جنرال کرویاتکن اطلاع داده که بتاريخ یکم فروری ژاپونیا بر (اجن تن) حمله بسیار سخت و پرش بسیار شدید نموده بدوا قشون عقب نشاندند همینکه کک با رسید قریه مذکوره

وا باز گرفتیم -

§ این خبر در (پترسبرگ) منتشر شده که سردار اردوی دوم منچوریا جنرال (کریلبرگ) - پها - لار قشون (هیوکیچی) از عهده خود استعفی شده و عذر ناخوشی و علالت پیش کرده است - جنرال (اورلوف) بمقام و عهده وی مقرر گردید

(۲۷ ذیقنده - ۴ فروری)

§ مخبر (روتر) که در اردوی جنرال [اوکو] برده بیان میکند که روزجمه روسیان بجانب یسار اردوی ژاپون حمله بسیار شدید نمودند - ولی جنگ خفیف شد -

§ جماعتی از قشون روس بر [هیوکیچی] حمله بردند - ژاپونیان آنها را عقب نشاندند و يك سد و شصت نفر شان مقول شدند

§ جنرال استاسل در [کلبو] بیان نموده است که این امر مسلم است که ما بندر [آرتھر] را بدست دشمنان در حال اقتدار و اختیار حواله نکرده ایم -

§ در عملجات معادن ذغالیکه در مضافات [دمبروا] و [سانووس] روس واقع است اغتشاش واقع شده یعنی عملجات سریاغیگری زده ازین معادن به [وارسا] و [لاز] ذغال میبردند § امروز اغتشاشی زیادی در [لاز] پیدا شده - تخمیباً عده شورشیان دو یست و پنجاه هزار است - این جماعت با قشون جنگیده بسیاری مجروح و مقتول شده اند

§ دیروز قشون روس در [لاز] بر دو جماعت شورشیان شلیک نموده چه شورشیان مزاحم مردم امن طلب بودند و شصت نفر آنان مقتول و بسیاری مجروح شده اند - § اعلی حضرت امپراطور روس به پیج نفر از جماعتیکه شریک بلوا نبودند ملاقات فرموده از هر يك در ماده رفع غائلات سؤال فرمودند و آنان را تعجید نمودند که شریک بلوی نشده کار به دیانت و امانت نموده اند

§ جماعتی از امرای عظام مسکو که هماد ملک و روساء ادارات دولتی هستند عرضداشتی از جانب ملت مرتب نموده در آن عرض داشت مبلغان را بجانب دولت جمهوری ظاهر داشته اند

§ جنرال (ستاسل) اظهار داشته که وقایع بنگر روزنامه (طوسی) در پکن که انتشار داده نامند

زیاد قشون قلعه (آربر) تاب مقاومت داشته از روی بی اطلاعی بوده قشون ما از محنت زیاد خیلی دل شکسته شده و ابدًا حالت مدافعه نداشتند - علاوه قوت ژاپون را متوالی امداد تازه می رسید - اسکر جهازات - بیورسات قبل از حواله شدن قلعه (آربر) هم پا رسیده بود مفید نبود - چرا که در آن جهازات قورخانه نبود و نورخانه مادر عرصه دو روز تمام می شد مقاماتیکه که حفظ آن متعلق باین محنت قشون بود بیست و هفت میل وسعت داشت فقط در مقامات خارج شهر قدری قورخانه باقی مانده بود و بدست آوردن آن برای قشون داخله قلعه امری دشور بود احدی نمیتواند انکار کرد ژاپوسیهامنتها درجه دلیری و جنگجویی و جوان مردی را دارند حق بعد ز رفتن فوج از قلعه (آربر) تا وقتی که ما بیرون آمدیم بیوق روس را بر قلعه مذکور احتراماً گذاردند بدوا ما به (دالی) رفتیم بعد از آن در (نگاسی) داخل شدیم - و یک جهاز جنگی روس که در بحر سفید موجود بود ما را به روسیه می برد

جنرال استاسل

§ وقایع نگار روزنامه (استیسنین) تاریخ سیم از لندن می نویسد جنرال (استاسل) و همراهانش بتاريخ چهاردهم جنوری در (نگاسی) رسیدند - اهالی ژاپون خیلی به تعظیم و تکریم استقبال کرده از ملاقاتشان اظهار مسرت کردند روز شازدهم (مسهرروس) وقایع نگار اخبار (دیلی اکسپرس) برای ملاقات و رفت جنرال (استاسل) در آن حین در باغ خوش منظری منزل داشت و باشس کودکان یتیم روسی که در وجاعت محترمه اش در حفظ و حمایت و پرستاری خود گرفته بود مصروف باشا بودند بعد از طی تعارفات رسانه تمجید و تهنیت زیادی از زاپریان عموده از آن بعد اظهار داشت که تا وقت مقتضی بود از فوج علیحدگی اختیار نکردم و آن افسران که خود را بدست دشمنان حواله کردند از شرکت در امور لشکری متحذر بودند در ابتدای مصالحت و مراجعت سرداران به ملک خود به همه افسران اختیار کامل داده بودم هر قدر و هر ضداست برای کمک دادیم هر بی اثر بود تصرف قلعه که در نوروز مسیعی بوقوع رسیده زامور

اتفاقیه بود - از دست رفتن کوه (مقرهل) و قلعه ارتکشان و شلیکهای بی دریغ ژاپون و اثر کلوله های یازده (انجی) و وفوت جنرال جلیل القدر (گندرن شنکو) و کثرت مقتولین و مجروحین موقع حفظ قلاع و شهر را اردست ما بیرون برد - و ما به ناچار دست از مدافعه برداشتیم - و صبح اول جنوری صکه مجلس شورای منعقد شد قراولانقت که ما خود را بشرايط عظیمه به دشمنان حواله کنیم - این سخن دروغ است که من بدوا فیصله اطاعت را تسلیم نکردم - چه خود ژاپوهارا منما درجه دلیر و جاباز یافته بودم

صراآت زشت و زیبا

بم یکم یکی از علماء طهران

(غرّه ۲)

مقاله خیر خواهانه مدیر محترم جناب ادیب الممالک دامت برکاته را که حاوی همه چیز بود بدقت ملاحظه کرده چون مبنی بر بیخوشی و خیر خواهی وطن بود تا بیکدرجه مایه بهجت و مورث مسرت کشته لکن گناه که از مدیر روزنامه مقدس در خصوص عبارت صفحه (۱) از شماره (۵) امسال فرموده بودند از آن ادیب اربب اظهار چنین امری غریب بود اگر چه گمان میبکنم بر سبیل تجامل عارف و مبنی بر مصلحت آن نکات را طهار فرموده ولی محض رفع شبهه دیگران جناب سیدالادباء ابوالعارف را مخاطب ساخته بدین چند کلمه جسارت میورزم (الله انزلنی ثم انزلنی ثم انزلنی حق) پس اگر قاضی وجدان را حاکم قرار دهم هوا خواهان روزنامه مقدس را رسد که عین کلمه مدیر حقیقی تریا و پرورش را در حق میرزا ابوالفضل مداون مصری تریا از سر گیرند و بگویند ای مدیر محترم (ادب) که خود را سیدالادباءانی و ما نیز بر صدق نیت گواهی دهم چگونه راضی شدی که فلان عامی خود بین را سهیم مدیر حبلالذین دان و خود را مصلح ذاتالبین خوانی

- (خلفای این کسان که طریق تو میروند)
- (زافند و زاغ را روش کبک آزرست)
- (گیرم که مار چوبه کند آن به شکل طر)
- (کوز تمبر دشمن و کومبره بهر دوست)

(هل يستوى الذين يعلمون والذين لا يعلمون)
 هل يستوى الظلمات والنور) هان ای سیدالادبا چگونه
 واضی شدی که نگارنده فلان از ارباب جرائد شماری و
 باز نامش را بزبان آری انصاف ده این است معنی
 روزنامه این است معنی ادب این است مناقشه ادبیه نه
 والله نه باله

(ه هر زنی بدوکز مقننه است کدبانو)

(همه ستری بکلاهی سزای سردار یست)

مگر آنکه منصب اعی را اختیار کنیم و الفاظ
 را موضوع از برای اهم از صحیح و فاسد دانیم. اگر
 نبود ملاحظه شرف وطن متشاهر بالانضول صاحب
 مکتوب را که بخوبی می شناسم و از مدح و قدح
 پشرمه اش نیگو واقفم و از اخلاف و صفات و ذیل
 اش قبل از بلوغ الی الآن کماکان مطالم شرحی می نگاشتم
 و سبب الفت معین و مستعین را اظهار میداشتم و دعوی
 برادر امین صاحب مکتوب را در حقش تصدیق میکردم
 و شرح باختن کتابخانه اش را در همین رمضان اظهار
 می نمودم تا اینای وطن بداند که مدامین خائنان وطن
 صکه در تاراج وطن سهم آنان بودند کیانند
 حاشا و کلا که برده ادب بدرم و آبروی وطن برای
 بیاد بی برم

(من لاف عقل مینم اینکار کی کنم)

(خذالفق و امر بالعرف و امرش عن الجاهلین)

پس از کلمه دوستانه در جواب کلمه عرض میکنم
 و ما من عام الاوقد لخص از قضایای مسلمة در اصول
 و عند خروج موضوعی نیز بقرینه مقام متبول چه
 مقام مقام کلمه و شکایت از جهال و بی تعبان بوده
 نه حق شناسان و غیرتندان اما برای آنکه فرمائید
 تمام شرفای روزنامه مقس علم اصول ندیده و بکنه
 تخصیص یا خروج موضوعی نرسیده عرض میکنم قضیه
 (النادر کاملدوم) چون مرکوز افهان است بر متکلم
 است که حکم اغلب را بطریق کلی بیان نماید و بر شونده
 است که اگر قابل استثنائی یافت شود مستثنی دارد
 (ایضا) حکما فرموده اند سبب معانی مقوله بتعکیک
 باعتبار بعضی مراتب تعارضی با اتصاف موضوعات
 بمراتب دیگر ندارد چه در تعارض و حدت محمول
 شرط است روان نظامی شاد

لیکن بحساب کار دانی
 بیغزنی است بزبانی
 آنکس که ز شهر آشنابست
 داند که متاع ما کجائست

در هر صورت با حمل کلام یعنی لغوی ایدا جای
 کله نیست

(دوستان از راست میرنجد نگارم چون کنم)

به بختبید کان کردم مدرسه است (بقی دارد)

مکتوب یکی از فضیای جلیل

سر تمدن

(شماره سوم)

و چون خبر یا بجهن کارگذاران رسید بعد از
 تحقیق و تبیین صدق و کذب خبر و صحت و سقم
 مطلب مشتقانه و با نهایت رافت همچنانکه شان حواس
 باطنیه است از ملاحظات و وفایه نسبت بسایر اعضا
 ایشان در مقام اصلاح برآیند و اگر باز مطلب بزرگتر
 از آنست که خود بتوانند اصلاح نمایند مطلب را با تمام
 ملاحظات از معلومات سابقه و نتایج لاحقه با معاورت
 همکنان همدست و همزبان برض اطرت و ریاست یا
 نفس نفیس سلطنت برسانند. تا باراده سنیه و تحریک
 تمام قوی و اعضاء مطلب صورت صلاح پذیرد پس از
 بیسان و تحقیق آنچه گفته شده معلوم گردید که اهم
 مطالب واجل مارب تصحیح قوی ظاهریه و باطنیه
 است که بعبارة اخری تقدیس و تصحیح وزرا و
 امنای حضرت سلطنت و درسق و شایستگی مبعوثان
 ملت است که بمنزله حواس این انسانند و بالضرورة
 انسان محتال الحواس را آدمیان هشیار یا بجهالی زیر بارش
 کنند با دیوانهوار بقید و زنجیرش کنند و اگر قابل
 علاج و تربیت باشد در مقام معالجه و اصلاحش بروفق
 صلاح حال خودشان بکوشند

پزشک خردمند فرزانه

بهمسایگی داشت دیوانه

برآشته حال و پریشان حواس

نه در کاسه قوت و نه بر تن لباس

نه دیوانه در بند تیار بود

نه از بخردانش کسی یار بود

طیب دل آزرده نیکخواه

برحت در او کرد روزی نگاه

این مراتب او را ممکن نباشد الا بتکمیل عقل و تحصیل مراتب علمیه که فرموده اند الناس علی تله وجوه اما عالم ربانی او متعلم علی سبیل الرشاد و الباقی همج رطاه.

نفس جزئی چون بهم است و عوام
نی فزونی رتبت او را نی دوام

لا تخر بالحقه لآخر الا لاهل العلم انهم علی الهدی لمن استهدی ادلاء. نفس السانی را از جهة خود و خواب و دفع مضار و جلب منافع بومیه بر قوس جزئیة حیوانیه عزیت و فزونی بذمت جز باقتباس از اشعه عقل و تربیت کلیات جندیکه سبب حصول نتایج عظیمه است و حیوانات را بآنها دسترس نموده و نیست از نطق و کتابت و تهیه اسباب فزونی عیش و استراحت خود و فائدهای دردنیایا اموریکه سبب حصول مراتب عالیه است در آخرت و این امتیاز تمام افراد السان را حاصل است بالقوه و بالفعل آنچه سبب تفوق و استیلائی بعضی است بر بعضی دیگر ترقیات همین شئون اسابت است بواسطه ارتقای مراتب علم و تکمیل مراتب عقل بعمل و بسبب احوالی ترقیات قوس انسانیه بواسطه عقل است و ترقیات عقل بواسطه مزید علم است پس هر قومی و جمعی را که علم نباشد خواه و نخواه بالظوه والرغبه او بالظهر والاكره مقتاد واسیر قومی دانشمند تر از خوبترند و این از آثار وضعیه و طبیعیه است که مختلف پذیر نباشد و اگر در موقعی صورت ظاهر بخلاف این باشد از باب غلبه ظالمه است یا تمدنی مددقاه و الا در کالمردوم والظالم ملعون معلوم و تحصیل علم عقلاً و شرماً بقدر الوسع والقدره بر تمام افراد ممکنین واجب است روشنی و ینائی چشم قوس بطل است و ازین جهة است که در زبان عقل و شرع تعبیر از علم بنور نموده اند و آدم بی نور علم کور است و هر قاً در غالب السنه عوام مردم از برعلی خود تعبیر بکوری کرده و میکنند و من لم یجد الله له نوراً فانه من نور حضرت امیرالمؤمنین از بی همان تعبیر مردگان فرموده است (الناس موتی و اهل العلم احياء) و این واجب بر وزرای دربار و کارگذاران سرکاری را واجب تر است و ضرورت این اشخاص باید عالم بهلوم و قنون مختلفه بوده باشند

نخست برای اینکه در مملکت و حوزه ملت چون

بدوگفت کز شربت و شور باج
زا باید این سان دوا و علاج
به تدبیر حور دن بدین نور حواب
جینت خطا و چنینک صواب
گذشت از قصا بوالفضولی زوی
بدو بانگ زد با نکوهش که می
تو کرد داشت نیست یکجو بسبب
دوام چرا خلق خواهد طیب
سحن دور باشد ز فرزانتگان
ماندر زمستان و دیوانگان
چو بجزره آگهی ار جان خویش
چه داند عم درد و در وطن خویش
نیازود دانا بزشتک از عتاب
چنین گفت گوینده را در جواب
سخن سته گفتی بود عیب من
که با بی هشان یاره باشد سخن
ولی هست با این بریشان زار
مرا مهر دیرین بحکم حوار
گه و بیگه از وی جوم بگذرم
بدل انده از وی فراوان برم
به تیاراه خود مرا دسترس
نه از دوستت است پرستار کس
در دم جو زنده شود پر زخون
بدین گنگو خلق آدم برون
مرا با نبوشندگان کار نیست
که در مان من جز بگفتار نیست
در بنه کس از قوم هشیار نیست
دل مست ایچ آزار نیست
که بیگانگان زارشان میکشند
ز مجبور و ایشان همی خوشند

باری اگر آنچه گفته شد بر فرض حال درست گردید و متمدنات مفروضه مسطوره از قوه بغایت انجامید پس از تأسیس این اساس، تقدیس و تصحیح این قوی و حراس این ملت یا دولت را منزلت قوس جزئیة است یعنی اگرچه در مقام السابیت السانی است صحیح المزاج و قوی بنه که قابلیت ترقیات مقامات بزرگ اسابت و مزید رتبت را داود ولیکن حصول